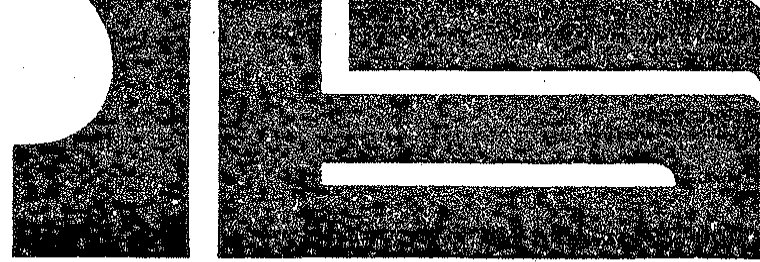


مردم آگاه ایران  
طرح قانون اساسی  
ارتجاعی خبرنگاران را  
هرگز نباید نخواهند کرد



کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

دوشنبه ۵ آذر ۱۳۵۸

### طرح مشترک صلح هیئت نمایندگی خلق کرد

خلق قهرمان کرد از هیئت نمایندگی خود و طرح مسئله صلح آن یکپارچه پشتیبانی می کند.

د مکررات کردستان ایران، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (شاخه کردستان) و طرح مشترک صلح بر اساس خواسته های مردم کردستان طرح مشترکی را ارائه دادند. اکنون که قرار است مذاکرات صلح به صورت جدی آغاز گردد، پاره های عناصر مرتجع و جنگ طلب وابسته به امپریالیسم تلاش دارند تا با تفرقه افکنی بین نیروهای سیاسی فعال در کردستان، مانع برقراری صلح عادلانه در کردستان گردند.

به دنبال تلاش برای پایبند کردن به جنگ تحمیلی در کردستان و آغاز مذاکره با هیئت ویژه کردستان بر سر خواسته های اساسی خلق کرد و جهت پاسنخ به خواست مردم قهرمان کردستان دایر بر اتحاد هر چه بیشتر نیروهای جنبش مقاومت، طی مذاکراتی که میان شخصیت ها و نیروهای ملی و مترقی که در جنبش مقاومت خلق کرد شرکت فعال دارند، صورت گرفت. آنها در مورد ایجاد هیئتی تحت عنوان هیئت نمایندگی خلق کرد متشکل از: سید عزالدین حسینی، حزب

بقیه در صفحه ۱۳

### در تظاهرات عظیم ضد امپریالیستی چهار آذر که به دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برگزار شد: صد هزار تن از مردم، آمادگی خود را برای مقابله با تجاوز امپریالیسم آمریکا اعلام داشتند



راهپیمایان قاطعانه از خود مختاری خلق کرد و صلح عادلانه در کردستان حمایت کردند

راهپیمایان یکبارچه فریاد می زدند:  
"جواب تجاوز آمریکا مسلسل توده ها است"  
"کردستان خود مختار سنگر زحمتکشان علیه امپریالیسم"  
در راهپیمایی عظیم مردم، که به دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برگزار شد، بیش از دویست هزار تن از زنان و مردان ساکن تهران و هواداران و اعضای سازمان شرکت داشتند. صفوف مقدم این راهپیمایی که از ساعت ۴ بعد از ظهر از جلوی دانشگاه تهران آغاز شد در ساعت ۲ بقیه در صفحه ۲

### تهدیدهای شورای انقلاب و جنبش کارگری

شورای انقلاب اسلامی در اولین پیام ۲۶ آبان ماه خود پس از به دست گرفتن کامل قدرت اعلام کرد "از این تاریخ هرگونه اقدام به تحمیل و گروگان گیری و اعتصاب بهانه جویانه را عملی ضد انقلابی محسوب، نسبت به آن واکنش نشان خواهد داد." در پیام با تاکید بر تجربه شیلی و با اشاره مجبور به گروهها آمده است: "تجربه شیلی و توطئه و تحریکات و تضعیف دولت سالوادور آلنده جلوی دشمنان ماست" و "اگر منطق و قدرت تحلیل سیاسی، اجتماعی آنان کور شده است بقیه در صفحه ۹

### کارگران اصول تشکیل شورای کارکنان وزارت کار

جمهوری اسلامی را قاطعانه رد کردند  
در صفحه ۶

### در این شماره:

کفکونی کوتاه  
بایکی از رفقای سازمان آزادیبخش خلق ترکیه (اتحاد مبارزه) در صفحه ۷

نظری بر صف آرائی های درون حاکمیت در صفحه ۱۵

سرپرست رادیو تلویزیون می خواهد خود را انقلابی جا بزند در صفحه ۱۶

کارگران شرکت حفاری سد کو - سد ایران: شرکتها و ناسیسات نفتی آمریکائی، ملی باید گردد در صفحه ۵

گزارشی از مبارزات صیادان کمیش تبه (ترکمن صحرا) اتحاد و همبستگی صیادان دریای خزر در صفحه ۸

صلح دمکراتیک در کردستان باید به نفع زحمتکشان ایران برقرار شود

در تظاهرات عظیم ضد امپریالیستی چهار آذر که...

بقیما از صفحه ۱

۷/۱۵ بعد از ظهر به نزدیک مرکز جاسوسی امپریالیسم امریکارسیدو در حالی که انتهای صف در میدان فردوسی بود، راهپیمایان برای استماع قطعنامه راهپیمایی خویش در خیابان های به زمین نشستند. قطعنامه در ۴ نقطه وار درون مینی بوسهایی که به بلندگو مجهز بودند، خوانده شد. در طول راهپیمایی صف طویل و فشرده راهپیمایان رازنجیبری نیرومند از دست های به هم پیوسته و متحد کارگران، زحمتکشان، دانشجویان، دانش آموزان و روشنفکران در بر گرفته بود. در این تظاهرات عظیم ضد امپریالیستی صدها هزار تن مردم از استقرار صلح عادلانه در کردستان و حقوق خود مختاری خلق کرد قاطعانه حمایت کردند. طنین فریادهای "امپریالیسم خونخوار، این دشمن ستمکار نابود باید گردد"، "امریکا، امریکا"

حامی غارتگران، امریکا، امریکا دشمن زحمتکشان"، "صلح در کردستان، به نفع زحمتکشان" و "کردستان خود مختار، سنگر زحمتکشان علیه امپریالیسم" و "شعار همدایی استقلال، کار، مسکن، آزادی" مسیر راهپیمایی را به لرزه در آورده بود. شعارهای دیگر عبارت بودند از "در صورت تهاجم، ایران را سراسر رویتنام می کنیم"، "کردستان خود مختار یا نظام شورائی ایجا د باید گردد"، "جواب تهاجم آمریکا، مسلسل توده ها"، "تفرقه و جدایی سلاح امریکائی"، "امریکا اسرائیل، دشمنان خلق ما" "به قدرت توده ها، توطئه امریکا دیگر اثر ندارد"، "ایران را گورستان امریکائی کنیم" و "هفتاد هزار کشته، صدها هزار زخمی، هرگز نباید سازش، هرگز نباید تسلیم" دهها هزار تن از مردم نیز در

در حاشیه راهپیمایی یکشنبه

آنچه پیش از همیشه جلب توجه می کرد، حمایت فعال مردم از نیروهای مبارز و بیزاری آنها از مرتجعین قشری وقه کشانی بود که می خواستند تظاهرات بر ضد امپریالیسم امریکار برهم بزنند. حمایت وسیع توده ها از این راهپیمایی خود نشانه شکست سیاسی مرتجعین قشری و بیابنگر رشد سیاسی توده ها است. با همه تلاشی که دستجات اوپاش قه کش و مرتجعین قشری به سرکردگی ملایی به نام هادی غفاری از خود نشان دادند، صفوف فشرده و باشکوه راهپیمایان در میان حمایت شورانگیز مردم، ساعت ها در خیابان به تظاهرات ضد امپریالیستی خود ادامه داد و شیخ غفاری و دارودسته قه کش او با همه فحاشی ها و تلاش های کودکانه شان نتوانستند صفوف ضد امپریالیستی مردم را پراکنده سازند و هر چند که این گروه ضد انقلابی با چوب و پنجه مکتوب و حتی کودک چند ساله ای رازخمی کرده و لباس یکی از زنان را بر تنش دریدند، اما ماتانت انقلابی راهپیمایان و حمایت وسیع مردم و تلاش های چشمگیر نیروهای مذهبی ترقیخواه و ضد امپریالیست که مانع حمله اوپاشان مرتجع شده بودند، این دارودسته ضد انقلابی را سخت تحقیر کرد. وقتی که مرتجعین ضد انقلابی به سرکردگی شیخ هادی غفاری به صفوف فشرده مردم یورش بردند، مردم با تکرار شعار "مرگ بر امریکا، مرگ بر امریکا" به درستی به آنها پاسخ گفتند و ماهیت دسته های اوپاش را افشا کردند.

بعد از خواندن قطعنامه حدود ساعت ۸ بعد از ظهر یکی از مینی بوس های سازمان که از حوالی خیابان فرصت می گذشت مورد حمله غفاری و دارودسته اش قرار گرفت. شیخ غفاری بعد از فهمیدن این که این مینی بوس یکی از ماشین های سازمان است

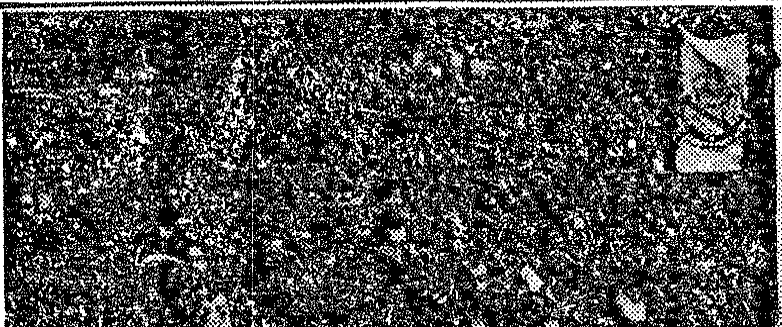
مسیر راهپیمایی اجتماع کرده و با شور و شوق انقلابی از راهپیمایی ضد امپریالیستی کمونیست ها و مردم مبارز حمایت می کردند، مردمی که در پیاده روها، بالکن ها و پشت بام ها ایستاده بودند، نیز همصدا با راهپیمایان شعارهای ضد امپریالیستی راهپیمایان و شعارهای حمایت از صلح عادلانه در کردستان را تکرار می کردند. پس از چند ماه خفقان این بزرگترین راهپیمایی کمونیست ها و نیروهای مبارز بود. پس از راهپیمایی ضد امپریالیستی چهارم خرداد که در اعتراض به قطعنامه "سنا"ی امریکایه دعوت فدائیان و دیگر نیروهای ضد امپریالیست صورت گرفت، راهپیمایی روز یکشنبه ۴ آذر عظیم تر و پرشکوه تر در پاسخ دعوتنامه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران "برای اعلام بسیج و آمادگی در برابر هر نوع تهاجم نظامی و تجاوز امپریالیسم امریکایه حقوق خلق های ایران و تحکیم همبستگی نیروهای ضد امپریالیست و مترقی برگزار شد. متن قطعنامه در صفحه ۳

مینی بوس سرنشینان آن رازخمی کردند. یک کودک نیز که به همراه مادرش به راهپیمایی آمده بود جزو زخمی شدگان این تهاجم بود که به نحو معجزه آسایی از مرگ نجات یافت. شیخ هادی علی رغم اعتراض تعدادی از مردم که می گفتند: "حاج غفاری، خودمان دیدیم، یک کودک زخمی شده دیگر بس است" می کوشید هر چه بیشتر مرتجعین و عناصر ناآگاه را تحریک کرده و حلوی حرکت مینی بوس را با انواع حيله ها بگیرد. یک بار دیگر روی ماشین دیگری رفت و گفت: "ای ملت این مینی بوس را آتش بزنید". در همان حال مردم که از گروه های سیاسی مختلف بودند شیخ رازروی ماشین پائین آورده و مانع از انجام تحریکات توطئه گرانه وی شدند.

قسمتی از قطعنامه راهپیمایی ضد امپریالیستی ۴ خرداد پنجاه و هشت

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران همصدا با همه کارگران و زحمتکشان و همه نیروهای ترقی خواه میهن خواستار اعلام و مجازات همه کارگزاران و عوامل مزدور امپریالیسم امریکادر ایران است و تحقق خواسته های زیر را ضامن ادامه انقلاب ایران می داند. ۱- از آنجا که امپریالیسم امریکا به هیچ وجه از منافع حیاتی خود در ایران دست بردار نیست و برای ادامه استثمار و غارت ایران همانگونه که تاریخ بر آن گواه است، به هر دسیسه ای دست خواهد زد، باید برای جلوگیری از توطئه های امپریالیسم امریکایه عناصر وابسته به این دولت غارتگر از حاکمیت سیاسی طرد شوند. در غیر این صورت انقلاب ایران از مسیر ضد امپریالیستی خود منحرف خواهد شد. ۲- قطعنامه سنای امریکا دخالت مستقیم در امور ایران است و بدون تردید جزئی از توطئه امپریالیسم امریکایه علیه انقلاب ایران به حساب می آید. مادامه رابطه با امریکایه هیچ وجه به سود خلق های ستمدیده ایران نمی دانیم و برای بی اثر کردن توطئه های امپریالیسم امریکایه خواستار قطع رابطه فوری با این دولت امپریالیستی هستیم. ۳- در این شرایط حساس که امپریالیسم امریکا می کوشد به هر وسیله ای که شده دستاوردهای انقلاب ایران را نابود سازد، هرگونه نفاق افکنی و تفرقه در صفوف کارگران و زحمتکشان ایران

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ۴ خرداد ۵۸





# قطعه نامه راهیمائی ضد امپریالیستی

## یکشنبه چهارم آذر ماه ۱۳۵۸

### خلق یکپارچه و پیاخواسته ایران، تهدیدهای نظامی امپریالیسم امریکا را محکوم ساخته و هرگونه مداخله نظامی را با صفوف متشکل توده‌های مسلح پاسخ خواهد داد.

اکنون مبارزه میلیون‌ها مردم زحمتکش ایران علیه دشمن اصلی همه خلق‌های جهان، امپریالیسم امریکا اوج تازه‌ای یافته است.

تاریخچه زندگی توده‌های میلیونی را شورانقلابی نوینی فراگرفته است. سوری که رهائی ارچنگال امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته را هدف قرار داده است، آران، دشمن اصلی خلق‌ها، امپریالیسم امریکا و ایسین دوران حیات غارتگرانه خود را می‌گذراند.

اکنون امپریالیسم امریکا در خشم مردم ایران و از اتحاد زحمتکشان جهان علیه خود سخت به‌هراس افتاده است. لحظه‌ای نیست که از توطئه علیه خلق‌های ستمکش جهان و به‌ویژه ایران، که با قیام حماسه‌آفرین خود بساط سنگ زنجیری اش، شاه‌جنایتکار را برچیده است، غافل ماند.

اینک روزهای بسیار حساسی را پشت سر می‌گذاریم. روزهای رویارویی با امپریالیسم امریکا، این جلاد بزرگ خلق‌ها و این دشمن اصلی کارگران و زحمتکشان جهان فرامی‌رسد. توده‌های میلیونی مردم برای گسستن زنجیرهای اسارت خویش به‌پا خاسته‌اند. روزهای سرنوشت ساری در پیش است. باید سلطه امپریالیسم امریکارانی بود سازیم. هرگز نباید اریاد بیریم که امپریالیسم به نادگی تسلیم نخواهد شد. امپریالیسم امریکا باید بداند، خلق‌های ما این تهدید را با اتحاد و همبستگی و با بسیج مسلح خود پاسخ خواهند گفت.

امپریالیسم امریکا برای تحکیم سلطه خود به تهدید نظامی متوسل می‌شود و ما در پاسخ این تهدیدات توحالی، سزدهای بی‌امان و قهرآمیز خلق حماسه آفرین و بی‌تمام را در پیش رو می‌بینیم. تاریخ گواه ماویکاری بی‌امان طبقه کارگر و دیگر توده‌های زحمتکش ایران پشتوانه سخن ماست. گرچه در شرایط کنونی ادعای نپاحم نظامی امریکا مشخصاً یک ادعای یوج و عوام‌فریبانه برای منحرف کردن اراغاب افکار عمومی است. با این همه هدفمندیم که امپریالیسم غارتگر و جنایتکار هرگز بدراحتی تسلیم اراده خلق‌های ما نخواهد شد.

تنه‌بسیج و آمادگی توده‌ها و اتکا به مقاومت مسلح آنهاست که سدراد هر تنها حتم نظامی بوده و تشکل و آزادی طبقه کارگر ایران است که ضامن بیرون‌مندی حرکت آغزار شده در به‌زاد آوردن امپریالیسم امریکا خواهد بود.

ما جنگ تجاوز کارانه امریکارا قدرت میلیونی توده‌ها با جنگ مسلحانه توده‌ها، پاسخ خواهیم گفت و هروجب از خاک میهن‌رانه گورستان امپریالیسم امریکان تبدیل خواهیم کرد.

بد منظور تحکیم همبستگی نیروهای ضد امپریالیست و ترقی خواه و به منظور تقویت مبارزه‌ای که آغاز گشته است، ما شرکت کنندگان در این راهیمائی ناردیگر بر بیمان خود تاکید می‌کنیم که:

۱- دوشادوش و بیستابیش طبقه کارگر، دهقانان، کارمندان، کسبه و پیشه‌وران، روشنفکران و روحانیون آگاه و مبارز، سربازان و در حد درازان، همافران و افسران جز و دیگر افشار زحمتکش و ستمدیده خلق در یکار علیه امپریالیسم این دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان لحظه‌ای هم از یای نشتینیم.

۲- امپریالیسم امریکایانه ماهیت خود، در برابر استرداد شاه جنایتکار که حق مسلم خلق ایران است، و بطور کلی در برابر مبارزات بر حق مردم ما به توطئه چینی و تهدید نظامی، محاصره اقتصادی و استفاده از سایه‌سار شیوه‌های جنایتکارانه روی آورده است. در برابر این جنایات باید جاسوس‌های امریکائی شاه جنایتکار به هیچ وجه رهان نشوند. کالاهای امریکائی بطور کلی تحریم گردد و کلیه بندگان و استنگی سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی با امپریالیسم امریکا قطع گردد.

ما هرگونه سازش در زمینه‌های فوق را محکوم کرده‌و آن

را خائننی آشکاره خلق‌های قهرمان ایران می‌شناسیم. ۳- اکنون که امپریالیسم امریکانو توطئه‌های گسترده‌ای را علیه مردم ما تدارک دیده است، تقویت و گسترش همکاری و همگامی همه آنان که برای رهائی خلق‌های ایران و برای ایرانی آزاد و دمکراتیک بیکار می‌کنند، بیش از هر زمان دیگر ضروری است. در این مرحله از مبارزه مواضع طبقاتی متفاوت نیروهای شرکت کننده در این مبارزه ضد امپریالیستی نباید مانع وحدت عمل آنان و همکاری و همگامی علیه دشمن مشترک گردد. امروز روزی است که باید با مسئولیت و بینش عمیق دشمن مشترک را با شناسیم و اندیشه و عمل خود را در خدمت مبارزه با آن در آوریم.

همانگونه که بارها اعلام کرده‌ایم در جنبه مبارزه ضد امپریالیستی، فضاوت مادر باره شخصیت ها و نیروهای سیاسی بر اساس مواضعی که در عمل در هر مرحله از جنبش اتخاذ می‌کنند، قرار دارد.

معتمدیم فضاوت درست و برخورد واقع بینانه با نیروها و جریان‌های سیاسی نقش مهمی در تقویت زمینه‌های وحدت عمل آنان علیه امپریالیسم ایفا می‌کند. ماضمن تا اید اقدامات ضد امپریالیستی روحانیت مبارز و در رأس آن آیت الله خمینی و اعلام پشتیبانی از آن در برابر دشمن مشترک، تمام تلاش‌های مرتجعانه آنان را، در هر زمینهای منجمده مخدوش کردن چهره نیروهای انقلابی مدافع طبقه کارگر و زحمتکشان محکوم می‌کنیم و آن را مستقیم و غیر مستقیم در جهت منافع امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته می‌شماریم.

۴- ما مبارزه عادلانه و حق طلبانه خلق کرد را می‌ستائیم و معتمدیم اگر امروز چرخشی نوین درست گیری مبارزه نیروها در سراسر ایران مشاهده می‌کنیم، اگر جهت گیری ضد امپریالیستی جنبش را بارزتر می‌بینیم، اگر امروز واپس گزائی و اختناق ماه‌های گذشته در پیشگاه توده‌ها و در برابر واقعیت سرفرومی آورد و از همه مهمتر اگر امروز شرایط را برای برقراری صلحی عادلانه در کردستان پیش از هر زمان دیگر مهیای کنیم، اگر امروز واقعه خلق‌های ایران مصمم هستند تا سلسل هارابه سوی امپریالیسم امریکان شانه روند در این همه، جنبش مقاومت حماسه آفرین خلق قهرمان کرد سیمی شایسته و قابل ستایش دارد.

امروز جنگ تحمیلی کردستان مغلوب نبرد حق طلبانه خلق کرده شده است. ما از بیام واقع بینانه امام خمینی به خلق ستمدیده کرده که انعکاس درست این واقعیت را به همراه دارد و به دنبال آن اعلامیه دیروز حوزه علمیه قم استقبال می‌کنیم. ما این پیام‌ها را مشخصاً اقدامات سیمی مثبت تلقی کرده و بر عهده همه نیروهای مترقی و انقلابی می‌دانیم که در این شرایط در جهت برقراری صلح عادلانه در کردستان و تقویت جنبه مبارزه ضد امپریالیستی، همه توان خود را به کار گیرند.

از سوی دیگر مشاهده می‌شود که درست همان جناحی که در بسترو به اتکای نمایلات مرتجعانه حاکمیت یاد سیمه - چینی و دروغ پردازی و عوام‌فریبی خود، جنگ سیمی جنایتکارانه را به خلق کرده مردم ایران تحمیل کرد امروز نیز مودبان می‌کوشند تا با شیوه‌های توطئه‌گرانه خود بار دیگر فضای فاهم امیر موجود را مسموم ساخته و با بحرانی کردن اوضاع لیه مبارزه توده‌های میلیونی را از جانب دشمن اصلی که امپریالیسم امریکا است منحرف سازد.

موضع مبهم شورای انقلاب در باره صلح کردستان و نحوه برخورد برخی اعضای هیئت مذاکره کننده دولتی در سرفروم به کردستان و اعلامیه سران مرتجع و ضد خلقی ارتش، نشانه‌هایی به همراه دارند که ثابت می‌کنند، توطئه‌گرانی که در مرداد ماه یاد روغ پراکنی، جعل حقایق و فریب توده‌ها، حشم و فریب مردم آگاه و مبارز ایران را سرائیکه چند، امروز سردستان توطئه چینی بر نمی‌دارند. ما صراحتاً اعلام می‌داریم که عناصر و نیروهای که در کار

برقراری صلح عادلانه در کردستان کارشکنی می‌کنند. مشخصاً به امپریالیسم خدمت می‌کنند.

۵- تردید نداریم که خلق کرد و نیروهای مدافع آن که مجدانه در راه استقرار صلحی عادلانه می‌کوشند، با هوشیاری تمام این توطئه‌ها و کارشکنی‌ها را خنثی خواهند کرد.

ما اعلام آتش بس و قطع نقل و انتقالات نظامی و برقراری هر چه سریعتر صلح عادلانه را بر مبنای طرح مشترک هیئت نمایندگی خلق کرد متشکل از شخصیت ها و سازمان‌های سیاسی فعال در کردستان که مورد اعتماد خلق کرد هستند، مبنای عادلانه و اصولی برای حل مسالمت‌آمیز کردستان می‌شماریم. در این رابطه از تمام سازمان‌ها و جریان‌های فعال سیاسی مترقی نیز می‌خواهیم که از هیئت نمایندگی خلق کرد و تلاش‌های آن برای برقراری صلحی عادلانه حمایتی جدی و فعال به عمل آورند.

۶- کوشش پیگیر و فعال برای برقراری هر چه سریعتر صلح دمکراتیک در کردستان و همچنین لزوم گسترش مبارزه ضد امپریالیستی، به هیچ وجه از تشریح و افشای قانون اساسی به غایت ارتجاعی تدوین شده توسط مجلس خبرگان جدا نیست. قانونی که قانون بیکار علیه سلطه امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته نباشد، قانونی که متضمن تامین حقوق خلق‌های تحت ستم ایران نباشد، قانونی که شوراها و واقعی مردمی را به رسمیت نشناسد، قانونی که حق برابری زبان با مردان را آشکارا پامال سازد قانونی که زمین را از آن کشاورزان ندانند که روی آن کار می‌کنند، قانونی که مالکیت سرمایه داران بزرگ را بر وسایل تولید نفی و ملغی اعلام نکند، و از همه مهمتر قانونی که حق حاکمیت مردم را آشکارا نقض و آن را در انحصار فقها

در آورد، قانونی نیست که بتواند مورد تأیید هیچ یک از سازمان‌های سیاسی مترقی قرار گیرد و شایسته حمایت توده‌های قیام کننده ایران باشد.

۷- ما هشدار می‌دهیم که فرماندهان ضد خلقی ارتش، این پاسداران واقعی منافع امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته که دستشان تا آرنج به خون خلق ما آغشته است، می‌کوشند تا با عوام‌فریبی، خود را به اصطلاح ضد امپریالیست جا بزنند. خلق ما بداند که سران جنایتکار ارتش نظیر چمران‌ها، فلاحی‌ها، شاکری‌ها، باقری‌ها مدنی‌ها، ضمن تلاش برای سرکوب پرسنل انقلابی و برچیدن شوراها و سربازان و درجه داران، همافران و افسران جز، دست اندر کار احیاء همان ارتش آریامهری هستند. آنها نرندانه در کسب هستند تا از هر امکانی به سود تحکیم موقعیت و کسب محسوبیت برای ارتش استفاده کنند. کفن بوشی فلاحی جنایتکار و فصاحه رندانسه در یاد اردنی نشانه‌های بارز این عوام‌فریبی است. ما بیکار دیگر اعلام می‌داریم که این نیروها با پشتیبانی امپریالیسم امریکا و پایگاه آن در ایران می‌کوشند با استفاده از فرصت‌های مناسب جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلق‌های ایران را همانگونه که در کردستان دیدیم به خاک و خون کشند.

با درود به دانشجویان مسفرد سفارت امریکا که می‌کوشند تسخیر این مرکز جاسوسی را در خدمت گسترش مبارزه ضد امپریالیستی کرده‌اند و در آورند

برقرار باد صلح عادلانه در کردستان مستحکم باد صفوف مبارزه خلق‌های ایران علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا نابود باد صفوف سازشکاران، فرصت طلبان و توطئه چینان مرکز بر امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران  
۴ آذر ماه ۱۳۵۸

# هوجبگری "توده‌ایا" نمی‌تواند دشمنی آنان را نسبت به جنبش مقاومت خلق کرد بفراموشی سپارد

هنگامی که خلخال، کاندیدای مورد حمایت "حزب توده" برای مجلس خبرگان، دوتن از اعضای "حزب توده" را در کرمانشاه به جوخه آتش سپرد، (و در دنیا برای نخستین بار بود که کاندیدای یک حزب اعضای آن حزب را اعدام می‌کرد) "توده‌ای‌ها" مودیان به درسیوزگی نشستند و کمیته مرکزی چنین اعلام داشت.

"بازداشت و اعدام بی‌رسیدگی و محاکمه دوتن از هواداران حزب توده ایران که به تصدیق اکثریت مردم کرمانشاه کوچکترین رابطه‌ای با گروه‌های افراطی و جریانات گردستان، (تاکیدارماست) نداشتند...

(بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۶ شهریور ۵۸) توده‌ای‌ها در روزنامه "مردم" شماره ۷۷ پنجشنبه ۱۲ مهرماه نیز چنین نوشته‌اند.

"اتهامی که علیه آنها عنوان شد این بود که گویا آنها "ضدانقلابی" و "اخلالگر"، "محسوس" و "شریک در فعالیت‌های حزب دمکرات گردستان" و از شرکت کنندگان در "حوادث پاره" بوده‌اند. ما این اتهامات و نسبت‌ها را قویار دوتن کذب می‌گیم... آنها در ادامه همین بحث و در همین شماره چنین می‌نویسند.

"نسبت دادن این دو عضو سازمان به "شرکت در فعالیت‌های حزب دمکرات گردستان" به کلی بی‌اهمی و بی‌اساس است..."

اما امروز که جنبش مقاومت خلق کربده پیروزی‌های چشمگیر دست یافته است، دیگر برای "حزب توده" رابطه با دمکرات‌ها نه تنها "اتهام" واهی و بی‌اساس به حساب نمی‌آید و این "اتهام" را "قویار دوتن کذب" نمی‌کنند بلکه می‌خواهد هر طوری شده نشان دهد که جنبش "رابطه" ای را با "دمکرات‌ها" داشته و دارد. "حزب توده" اینک که جنبش مقاومت به پیروزی‌های چشمگیری دست یافته است، با عوام‌فریبی می‌کوشد خود را به "جریانات گردستان" وصل کند و میوه‌های خون شهدای گرد را به سود سیاست‌های عوام‌فریبانه خود درو کند.

سندزیر نشان می‌دهد که امروز چگونه "حزب توده" ضمن آن که می‌کوشد میان نیروهای سیاسی خلق که اختلاف بیندازد، خود را به حزب دمکرات می‌چسباند. "مردم" شماره ۱۰۲، دوشنبه ۱۵ آذرماه چنین می‌نویسد:

"به دنبال حرکات تحریک آمیز، نفاق افکنانه و خرابکارانه مائوئیست‌ها علیه حزب توده ایران و حزب دمکرات گردستان که به قصد اخلال در مذاکرات به منظور حل مسالمت آمیز مسئله گردستان در روز جمعه و شنبه در مهاباد صورت گرفت و..."

هنگامی که "توده‌ای‌ها" اجازه انتشار مجدد روزنامه "مردم" را گرفتند، به شکرانه این نعمت، تهمت و افترا به نیروهای انقلابی را با شدتی بیش از گذشته ادامه دادند و بی‌درنگ اعلام داشتند که کسب این اجازه نتیجه سیاست درست حزب بوده است. مطابق این استدلال، حملنه به دفتر سازمان‌های سیاسی و توفیق مطبوعات نتیجه سیاست ضد دمکراتیک ارتجاع نبوده بلکه نتیجه سیاست نادرست و "چپ روی" آن نیروها و آن نشریات بوده است. بنابه این استدلال عناصر مرتجع می‌که روزنامه‌ها را توقیف کردند هیچ تقصیری ندارند، تقصیر از آن کسانی است که نافرمانی می‌کنند و بر مواضع ترقیخواهانه خود پستی می‌فروشند و به "حزب توده" چپ روی می‌کنند. لابد وقتی دوتن از اعضای حزب توده به دستور خلخال جلاد به جوخه آتش سپرده می‌شوند نیز خلخال‌ها بی‌تقصیرند بلکه علت این فاجعه چپ روی "حزب توده" و یا "چپ روی" آن دوشهید بوده است.

حزب توده همیشه کوشیده است در پناه اپورتونیسیم یا "چپ روی" (بخوان یا کمونیسیم) مبارزه کند و نیروهای کمونیست را به راه راست هدایت کند. "توده‌ای‌ها" همزمان با تهاجم همه‌جانبه ارتش و سپاه پاسداران در گردستان اعلام می‌دارند که:

"به توده‌های آگاه و روشن بین (تاکیدارماست) خلخال کرد پیشهاد می‌کنیم "باتمام نیرو و ابتکار انقلابی و شجاعت معنوی خود از درگیری با نیروهای دولتی و پاسدار احتراز کنید..."

(اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره مسئله گردستان - ۲ مهرماه)

بله، "توده‌ای‌ها" بی‌شرمانه تسلیم خلق کرد و نیروهای انقلابی و شکست جنبش مقاومت خلق را خواستار می‌شوند و اعلام می‌دارند که هر کس در برابر تهاجم و سرکوب ارتش و سایر نیروهای سرکوبگر اهداف خلق گرد از خود دفاع کند، هر کس در برابر توطئه‌ای که برای نابودی ثمرات انقلاب ایران تدارک دیده شده است مقاومت کند، یا کسور دل و ناآگاه است یا ضدانقلابی و "ساواکی" و "عاملس امپریالیسم" و "مزدور پالیزیان" و "گردمتعصب" می‌نامد.

"حزب توده" در روزنامه "جرقنو" (چهارشنبه ۴ مهر ماه شماره دوم) چنین می‌نویسد:

مبارز و صادقی بدان پاسخ خواهد داد، اما بدون شک "توده‌ای‌ها" نمی‌توانند به آن پاسخ صحیح بدهند و مجبورند با هزار حیل و نیرنگ از پاسخ به این پرسش طفره روند. چرا که این شیوه برخورد رمز موجودیت اپورتونیسیم است و آنها اگر چنین نکنند به مکتب خود خیانت کرده‌اند.

این واقعیت را امروز هر عنصر آگاهی می‌داند که وقتی تهاجم علیه خلق کرد آغاز شد، "توده‌ای‌ها" نیروهای پیشتاز جنبش مقاومت خلق کرد را که پیشاپیش مردم قهرمان گردستان در برابر سرکوبگران به مقاومت برخاسته بودند، عوامل امپریالیسم و صهیونیسم و بازماندگان رژیم سابق معرفی کردند و همصدا با تبلیغات عوام‌فریبانه را دیو-تلویزیون کوشیدند در ذهن توده‌ها مرز میان نیروهای انقلابی و ضدانقلابی را درهم بریزند.

اما جنبش مقاومت خلق کرد و انقلابیون جان برکف آن بی‌اعتنا به "حزب توده" و اتهامات خائنانسه و تبلیغات عوام‌فریبانه روزنامه "مردم" دلاوران آزمان خویش به دفاع برخاستند و جنبش مقاومت خلق کرد خیلی زود سرکوبگران را به زانو درآورد و تسلیم طلبان و عوام‌فریب‌ها را رسواتر ساخت و نقش شایسته‌ای در اوجگیری مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های ایران بازی کرد. امروز که به برکت تسلیم ناپذیری و پایداری افتخار آفرین توده‌ها در گردستان و سایر نقاط میهن مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های مادوباره اوج می‌گیرد، "حزب توده" باقی‌اف‌ای حق به جانب می‌خواهد موضع تسلیم طلبانسه و سازشکارانه خود را که علنا جنبش مقاومت به دشمنی برخاسته بود، به دست فراموشی سپارد و خود را کنار خلق کرد جا بزند.

ولی، حنای دودوزه بازی و سیاست بازی آنقدر پررنگ نیست که بتواند برای همیشه چهره "توده‌ای‌ها" را از چشم توده‌ها پنهان کند.

در گرگم تهاجم سرکوبگران در گردستان، هنگامی که روستائیان گرد قتل عام می‌شدند و فاجعه قارنا همیشه زحمتکشان و نیروهای ترقیخواه ایران و جهان را به خشم آورده بود، و هنگامی که بهترین فرزندان خلق را دسته دسته به جوخه اعدام می‌سپردند، "توده‌ای‌ها" همگام و همصدا با چمران‌ها، خلخال‌ها و قطب زاده‌ها فرزندان دلاور گردستان را که در برابر یورش سرکوبگران از اهداف عادلانه خود به دفاع برخاسته بودند عامل "صهیونیسم" و "امپریالیسم" می‌نامیدند. سند این خیانت هادر این شماره و شماره‌های بعد از آن می‌شود. اما پیش از آنکه این اسناد بدنیست به نظرات "حزب توده" درباره شیخ صادق خلخال‌جلاد خلق کرد، اشاره کنیم.

"توده‌ای‌ها" نه تنها سیاست‌های ارتجاعی، بلکه افراد و عناصری مثل چمران و قطب زاده و خلخال را نیز با خرده بورژوازی ضد امپریالیست یکی می‌گیرند. این عناصر را شخصیت‌هایی ضد امپریالیست و دمکرات‌هایی انقلابی اعلام می‌کنند و کار را به جایی می‌رسانند که خلخال را در انتخابات مجلس خبرگان کاندیدای مورد حمایت خویش اعلام می‌کنند. به سند زیر که بیانگر "درک علمی" کمیته مرکزی "حزب توده" از شخصیت‌ها و نیروهای سیاسی است توجه کنید.

**اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران**

پیرو اطلاعیه قبلی کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره پشتیبانی حزب ما از نامزدهای غیر حزبی برای مجلس خبرگان، اینک به اطلاع میرساند که در کورمانشاه، اعضاء و هواداران و دوستان حزب، علاوه بر رفیق رضاشلتوکی عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران،

به حجت الاسلام سیدیونس موسوی رأی خواهند داد. حزب توده ایران، ضمناً اعلام میدارد که در هر نقطه‌ای که آیت‌الله‌صادق خلخال نامزد باشند، به ایشان رأی خواهد داد.

**کمیته مرکزی حزب توده ایران**  
۱۳۵۸/۵/۹

"حزب توده" اخیراً در روزنامه "مردم" با اتخاذ یک سیاست "حق به جانب" به هوجبگری و عوام‌فریبی علیه کمونیست‌های ایران پرداخته است و همزمان می‌کوشد زیر پوش این هوجبگری‌ها روش خصمانه خود را علیه خلق کرد که در جریان جنبش مقاومت مردم گردستان بی‌به بازرترین وجهی در سیاست‌های "حزب توده" منعکس شد، از چشم توده‌ها به‌ویژه از چشم خلق کرد پنهان کند. "توده‌ای‌ها" می‌خواهند هم سیاست خود را اقلانسه و درست توصیف کنند و هم به سبک مشروطه خواهان روز شنبه در پیروزی مردم شریک شوند.

در این مقاله می‌کوشیم نشان دهیم "حزب توده" که اینک می‌خواهد از پیروزی جنبش مقاومت خلق کرد به سود سیاست‌های تسلیم طلبانه و عوام‌فریبانه خود بهره برداری کند، چگونه هنگامی که فرزندان دلاور گردستان با پایمردی در برابر یورش ارتجاع به مقاومت برخاستند، آنان را "وابسته به امپریالیسم" و "صهیونیسم" "ساواکی"، "گردمتعصب" و "ضدانقلابی" خواند. مردم ما باید بدانند که "توده‌ای‌ها" چرا و چگونه در گیروودار سرکوب گردستان به دشمنی با خلق کرد پرداختند. مردم باید بدانند که "مردم" کیست و از چه کسانی دفاع می‌کند؟

تاریخ درسزمن گردستان همان درسی را به سرکوبگران داد که خلق‌های ایران در سپهمن ماه به ارتش ضد خلقی داده بودند. سیاست سرکوب خلق کرد با همه نیروی جهنمی سرکوبگران، با همه قتل عام‌ها، با همه اعدام‌های وحشیانه و با همه تبلیغات عوام‌فریبانه‌ای که از طریق رادیو-تلویزیون برای درهم کوبیدن روحیه خلق‌های ایران به ویژه خلق کرد صورت گرفت با چنان شکستی روبرو شد که در تاریخ مبارزات میهن مابقی سابقه است.

خلق کرد بسیار سریعتر از آنچه تصور می‌رفت نیروی شکست ناپذیر خلقی به پا خاسته را متجلی ساخت و با دیگر سلاح پیشرفته و ارتش ضد خلقی در برابر اراده خلق خوار و ذلیل شد.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، پیش از آن که ارتجاع به دفتر سازمان‌های سیاسی حمله کند و پیش از آن که روزنامه‌ها توقیف شوند، با تحلیلی که از وضعیت جناح‌های حاکم داشت حمله به گردستان را پیش بینی کرد. (سرمقاله کار شماره ۲۷ - دوشنبه ۲۲ مرداد)

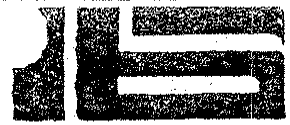
سیاست سرکوب خلق کرد که خواست جناح ارتجاعی طرفدار سرمایه‌داری وابسته بود، در بیشتر گرایش‌های ارتجاعی و ضد کمونیستی قشریون شکل گرفت و چمران در نقضش ناپلئون وطنی رهبری سرکوب را به عهده گرفت.

دو هفته پس از پیش بینی ما تهاجم از پاره آغاز شد. در آن زمان کمونیست‌ها به خوبی می‌دانستند که این تهاجم را مرتجعترین جناح هیئت حاکمه که خواستار تثبیت سرمایه‌داری وابسته است، طرح و تدارک دیده است. خلق کرد خواستار جنگ نبود، بلکه خواستار حق تعیین سرنوشت خود بود و البته همانگونه که نشان داد، آماده بود برای تحقق هدف‌های عادلانه خویش در برابر هر تهاجمی از خود دفاع کند.

اینک بیش از سه ماه از تهاجم گسترده سرکوبگران به گردستان می‌گذرد و سیاستی که خواستار سرکوب خلق کرد و تحکیم سلطه سرمایه‌داری وابسته است، در برابر مقاومت قهرمانانه خلق کرد و نیروهای انقلابی مدافع زحمتکشان شکست خورده است. در این میان احزاب و سازمان‌های فرص طلب و سازشکار که بنا بر ماهیتشان تا آن راه نرسد روز می‌خورند، وقتی علی‌رغم آرزوی دیرینه خود را رودر روی جنبش پیروزمند خلق کرد یافتند، رنگ دیگری به خود گرفتند و سعی کرده‌اند خود را مدافع خلق کرد جا بزنند.

"حزب توده" پیشاپیش این نیروهای سازشکار و پرمده‌عتر از دیگران با رهم مثل همیشه طلبکار شد. (در جریانات انتخابات مجلس "خبرگان" هم وقتی یکی از کاندیدهای "حزب توده" ساواکی از کار در آمد، "توده‌ای‌ها" با ظاهر حق به جانب گناه ساواکی بودن عضو برجسته خود را به گردن دیگران انداختند.) آنها تصور می‌کنند مردم مواضع کینه نوزانه آنها را علیه خلق قهرمان کرد و دیگر سازمان‌های مبارز گردستان فراموش کرده‌اند. در اینجاست بدنیست چرا "حزب توده" خواستار تسلیم خلق کرد در برابر یورش سرکوبگران شد و نیز لازم است از خود پرسیم که اگر به فرض محال چنین سیاست تسلیم طلبانه‌ای در توده‌های کرد و در نیروهای سیاسی خلق کرد اثر می‌کرد، امروز جنبش ضد امپریالیستی خلق‌های ایران در چه وضعیتی قرار داشت و سیاست ارتجاعی سرکوبگران در چه موقعیتی؟ این سئوالی است که بدون تردید هر انسان آگاه،

آری، "توده‌ای‌ها" صادق خلخال‌ها را برای هر نقطه از ایران شایسته و مناسب می‌دانند. نظر خلق کرد در این مورد چیست؟ راستی "توده‌ای‌ها".



کارگران شرکت حفاری سدک - سد ایران

### شرکت ها و تاسیسات نفتی آمریکائی ملی باید گردد

یکی از آموزش های انقلاب آشکار ساختن نقش قاطع طبقه کارگر ایران در پیشبرد جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک مین مایود . ما این نقش را در واژگونی رژیم پهلوی شاهد بودیم و دیدیم که این قدرت کارگران بود که با تسلط سلطنت پهلوی را برچید . تا آنجا که نمایندگان سرمایه داری نیز اعتراف کردند که گلوی دیسو استبداد در پنجه های قدرتمند کارگران فشرده شد و کارگران بودند که دیو استبداد را از پای در آوردند . امروز نیز یکبار دیگر مشاهده می کنیم که چگونه کارگران پیگیر از هر نیروی دیگری در عرصه مبارزه ضد امپریالیستی به پییکار با امپریالیسم امریکای رخنه دارند . منظور کارگران از مبارزه با امپریالیسم بر انداختن سرمایه داری وابسته ایران و نهایتاً نابودی سرمایه داری است . وقتی کارگران دریابند که معنای مبارزه با امپریالیسم در ایران ، همان مبارزه با سرمایه داری ایران است که وابسته با امپریالیسم می باشد در این مبارزه مصمم تر و پیگیر تر خواهند شد . کارگران باید بدانند که طبقات و اقشار دیگر ، نه برای نابودی سرمایه داری ، بلکه منظم طور به دست آوردن سهمی بیشتر از دسترنج کارگران و زحمتکشان با امپریالیسم مبارزه می کنند . آنها برای نابودی امپریالیسم مبارزه نمی کنند و ما این دلیل همیشه آماده ساز شو مصالح ما امپریالیسم هستند .

تکنیفمان روشن نشده و تا این لحظه عملاً برای امریکائی کار می کنیم ، به همین علت با توجه به سخنان اخیر امام ما خودمان وارد عمل شده و از تاریخ ۱۹ آبان ماه ۱۳۵۸ - سوال شرکت های حفاری نفت "سدک" - "سدایران" را ملی اعلام می کنیم .

جهانگیر رثوفی سرپرست مناطق نفت خیز و عضو هیات مدیره شرکت ملی نفت ایران ، در مخالفت با اقدام انقلابی کارگران جانب سرمایه داران امریکائی و شرکای ایرانی آنها را گرفت و در مصاحبه ای با روزنامه اطلاعات ، شنبه ۲۹ آبان چنین می گوید :

"در مورد شرکت "سدایران" نیز باید توجه داشت که این شرکت یک شریک ایرانی (بانک توسعه صنعتی) دارد و ما نمی توانیم چشم بسته بدون در نظر گرفتن منافع بانک اقدام کنیم ."

از مجموع صحبت های آقای جهانگیر رثوفی چنین بر می آید که گویا بانک دارای سهام داران خصوصی است که ایشان و جمهوری اسلامی باید از منافع آنشان پاسداری کند . در این صورت کارگران می پرسند پس هیاهوی "ملی کردن بانکها" چه بود ؟

و اگر غیر از این است باید از آقای "رثوفی" پرسید مگر اقدام کارگران جز "ملی کردن" بخش امریکائی شرکت یعنی آن بخشی که "ملی" نشده است ، معنی دیگری دارد ؟ در این صورت در نظر گرفتن منافع شریک ایرانی دیگر چه صیغه ای است . مگر اینکه بپذیریم دولتی کردن بانک ها هیچ ربطی به مصادره انقلابی سرمایه های امریکائی و شرکای ایرانی آنان نداشته است . که در این صورت ما هم موافقیم تنها باید از آقای "جهانگیر رثوفی" سرپرست مناطق نفت خیز و عضو هیات مدیره شرکت ملی نفت" تشکر نمود که پرده عوام فریبی دولت آقای یازرگان را در دیدند و حقیقت هیاهوی ایشان را بر ملا ساختند .

مخالفت مقامات جمهوری اسلامی با اقدام انقلابی کارگران به آقای "رثوفی" محدود

نمی شود . استاندار خوزستان دریادار مدنی ، که البته معلوم نیست بد پشتوانه چه سابقه درخشانی خود را کاندید ریاست جمهوری کرده اند ؟ (طرفداران ایشان به یاس خدماتی که در گذشته به رژیم پهلوی نمودند و تاج و نشانی که از آریامهر دریافت کرده اند و یا بست هائی که به شرکت انقلاب بست اسلامی اشغال کرده اند و به حکم انجام وظیفه مقدس امیری به کشتار خلق عرب و انقلابیون کمر همت بستند ، ایشان را نامزد ریاست جمهوری کردند) بله آقای دریادار مدنی ، مثل همیشه علیه کارگران و زحمتکشان به پاخواست و در نامه ای به شرکت های امریکائی نوشت :

"شورای کارگران حق دخالت در امور شرکت را ندارد" مدنی با خشم دستور داد ، "شورائی را که با از گلیم خود بیرون گذاشته منحل کنید" بله . این آقای دریادار با نفرت فرمان داده است "در صورتی که کارگران مقاومت کردند چگونه ربا باستانداری اعلام و این قبیل افراد را با نام معرفی فرمائید ."

و ... اما یاسخ کارگران به اظهارات استاندار خوزستان چه بود ؟ کارگران طی اجتماعی گفتند :

"ما کارگران "سدایران" تمام توطئه ها و نقشه های کثیف عمال رژیم گذشته و ابادی خونخوار امریکارا شدیداً محکوم می کنیم . ما کارکنان پشتیبانی را سخ و قاطع خود را تا آخرین قطره خون از شورای اسلامی شرکت اعلام می داریم ."

سازمان چریک های فدائی خلق ایران ، اقدام انقلابی کارگران "سدایران" و "سدک" را می ستاید و با تمام نیرو از آن پشتیبانی می کند . تردید نداریم که اراده میلیون ها مردم زحمتکش ایران در پیکار علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا ، این دشمن اصلی خلق ما محکم ترین پشتوانه این اقدام انقلابی کارگران است .

### توطئه اخراج کارکنان مبارز لیفت تراک سازی تبریز، نقش بر آب شد

درهم شکستن مقاومت توطئه کران شد .

کارگران پیشرو ماشین سازی تبریز ضمن اعلامیه ای این حرکت انقلابی را ستوده می نویسند :

"پیروزی کارگران کارخانه لیفت تراک سازی به همه کارگران ایران تعلق دارد . آنها بار دیگر ثابت کردند که فقط با اتحاد و یکپارچگی است که می توان با زورگویی های سرمایه داران و عمال آنها مقابله کرد و پیروز شد . اینک نیز تنها حمایت و پشتیبانی دیگران کارگران لیفت تراک سازی و برای پیگیری مبارزه و تداوم آن با یستی متحد شویم و این همبستگی را در سراسر میهنمان و جهان گسترش دهیم . بدون چنین اتحادی ، پیروزی های به دست آمده هم موقتی خواهد بود ."

مبارزه و پیروزی کارگران لیفت تراک سازی در مبارزات گرداندن این کارمندان اخراجی بر سر کار ، بیانگر آگاهی آنان به مسائل مردم جنبش کارگری است . بالطبع این مبارزه لریزه بر اندام امپریالیسم و نوکسرا نالوصفت آن خواهد انداخت . آنها دیوانه و ارسعی در سرکوب مبارزات کارگران نموده ، مبارزین را تحت شدیدترین فشارها قرار خواهند داد . اما کارگران مبارزات خود را تا پیروزی نهائی ادامه خواهند داد ."

"بگذار بورژوازی از بیستداری کارگران برخوردار بگردد ، کارگران چیزی ندارند که از دست بدهند جز زنجیرهایشان ."

کارگران پیشرو ماشین سازی تبریز

به دنبال اخراج یکی از کارکنان مبارز کارخانه لیفت تراک سازی سهند ، کارگران این کارخانه روز یکشنبه ۶ آبان ماه ۵۵۸ دست به اعتراض جمعی زده و دست از کار کشیدند . آنها اعلام داشتند که اخراج این کارمند زمینه سازی برای اخراج دیگر کارکنان مبارز کارخانه است و خواستار لغو هرگونه اخراج و معرفی جاسوسانی که مقدمات این اخراج را فراهم کرده بودند ، شدند .

مدیر عامل کارخانه که از حرکت سریع و یکپارچه کارگران متحیر شده و به هراس افتاده بود در جمع کارگران حاضر شده و با عوام فریبی سعی کرد به اعتصاب کارگران پایان دهد . او موزرانه گفت :

"اصلاً موضوع اخراج در بین نیست ، اوفقط از کار برکنار شده است . یکی از کارکنان در خواب گفت ."

"آقای مدیر عامل شما با کلمات بازی می کنید . از نظر ما اخراج برکناری فرقی با هم ندارند . ما خواهان لغو هرگونه اخراج هستیم و این اخراج را زمینه سازی برای اخراج های بعدی می دانیم . ما کارگران اخراجی دو سال قبل را به کارخانه برگردانده ایم . چطور کسی را به بهانه دوهفته غیبت اخراج می کنید ؟" مدیر عامل گفت :

"بازگشت کارگران اخراجی خواست اکثریت بود . یکی از کارگران گفت : "الان هم اکثریت می خواهند" که با تأکید یک پارچه کارگران روبرو شد و مدیر عامل اجباراً تسلیم شد . کارمندان اخراجی همان روز به سرکار بازگشت و بدین ترتیب اتحاد رزمجویانه کارگران موجب

### اعتصاب کارگران شهرداری جزیره قسم

دانش آموزان به پشتیبانی از کارگران راهپیمائی کردند .

(و شیعه ملکی ، سند رسمی ، سند مالکیت کامل) .

۵- رسمی کردن کارگران پیمانی .

۶- استخدام کارگران کارتی واجد شرایط .

۷- واگذاری زمین به کارگران جهت ایجاد خانه .

۸- ارسال و پیگیری خواسته های کارگران به مقامات بالا (دفتر امام ، نخست وزیر ، وزارت کشور ، ...)

دانش آموزان راهنمایی و دبیرستان قسم نیز به عنوان پشتیبانی از خواسته های کارگران طی یک راهپیمائی به کارگران ملحق شدند و طی اعلامیه ای به مقامات اخطار کردند چنانچه به خواسته های کارگران جواب مثبت داده نشود کلاس های درس را تعطیل کرده به کلاس نخواهند رفت .

کارگران شهرداری جزیره قسم روز شنبه ۵ آبان ماه به عنوان اعتراض به وضع خود دست از کار کشیدند و پنجاه نفر از آنها به نمایندگی بقیه در محل فرمانداری جمع شدند . این کارگران که شامل باغبان ، لوله کش ، نگهبان ، راننده ، مکانیک ، موتورچی ، پیشخدمت و خدمه آتش نشانی هستند قبل از این اقدام خواسته های خود را در هشت ماده تنظیم کرده به اطلاع مردم قسم و مقامات مسئول رساندند . این مواد عبارت است از :

۱- پرداخت حقوق کلیه کارگران رسمی و پیمانی به ماخذ احکام صادره جدید .

۲- پرداخت پول لباس بوقم و مطابق کارگران فرمانداری قسم .

۳- پرداخت ماهه التفاوت ۷ ماهه گذشته سال جاری کلیه کارگران .

۴- پرداخت وام کارگری به کلیه کارگران شهرداری از طریق بانکها جهت تعمیر و مرمت و خرید خانه بدون شرایط خاص بانکی

نقل از خبرنامه هواداران سازمان چریک های فدائی خلق ایران بنسبت عبدالعزیز

### کارگران پالایشگاه آبادان لغو تعطیلی پنجشنبه ها را نپذیرفتند

راهپیمائی های کارگران آبادان مورد حمله عناصر ارتجاعی قرار گرفت

است "دست به راهپیمائی زدند کارگران در این روز مورد بیورش عناصر ناآگاه قرار گرفتند . روز بعد به طرفداری از خلق کرد راهپیمائی کردند که بازم مورد حمله ارتجاع قرار گرفتند . راهپیمائی های کارگران تا سه روز تکرار شد و هر بار نیز آنها که جز شعار نایابودی سرمایه دار و کوتاهی دست ارتجاع از کردستان نمی دادند مورد حمله "فالانها" قرار گرفتند .

در سفر همین فروردین نفت آبادان که اواخر مهر صورت گرفت وقتی در جمع تفتگران در مورد لغو تعطیلی پنجشنبه ها صحبت می کرد با عکس العمل شدید تفتگران که او و همراهانش را "هو" می کردند روبرو شد . بعد از این سخنرانی کارگران مبارز پالایشگاه در اعتراض به سخنان ضد کارگری با شعار "پنجشنبه ها تعطیل باید گردد" سرمایه دار نابود است ، کارگر پیروز

آبادان - کارگران و کارمندان پالایشگاه آبادان علیرغم تمام تبلیغات هیئت حاکمه فعلی مبنی بر لغو تعطیل پنجشنبه ها روز پنجشنبه پنجم آبان از رفتن سرکار خودداری کردند . تفتگران می گویند این تعطیلی را کارگران از طریق مبارزه تا مین کرده اند و باید به رسمیت شناخته شود . حتی شاه خائن هم نمی توانست کارگران را در این روز سرکار بفرستد .

### ۴۸ ساعت کار طاقت فرسا در کارخانه ها باید به ۴ ساعت تقلیل یابد

# کارگران " اصول تشکیل شوراهای کارکنان "

## وزارت کار جمهوری اسلامی را

### قاطعه رد کردند

# نظرات بیکاران در سراسر ایران

بیکاران بروجرد حمله کنندگان به راهپیمائی خود را دستگیر کردند .  
امادادستان تقاضای " مدرک " می کرد .

بیکاری همچنان بیداد می کند .  
میلیون ها بیکار در سراسر ایران  
چندین ماه است خواهان کار برای  
گذران زندگی خود هستند .  
گروهی از این بیکاران را کارگران  
بیکار شده تشکیل می دهند و گروه  
دیگر شامل فارغ التحصیلانی است  
که نتوانسته اند شغلی برای خود  
به دست آورند . این بیکاران که

**\* گجساران**  
در تاریخ هفده مهرماه شورای  
کارگران بیکار گجساران تشکیل شد .  
این شورا شامل پنج نفر نمایندگان  
حدود هشتصد نفر از کارگران بیکار  
گجساران است که انتخاب شده اند  
تا از منافع این بخش از طبقه  
ستمدیده کارگر کشور مادر مقابل  
یوزن سرمایه داران خارجی و  
داخلی و دولت حامی آنها دفاع  
نمایند . این کارگران ماههاست که  
بی کار و سرگردانند و تاکنون با مقدار  
اندوخته اندک خود و با پول بخور و  
نمیروم بیکاری به زور شکم خود و  
عائله شان را سیر نگه داشته اند .  
فشار فقر و گرسنگی ، روبروشدن  
مبارزات پراکنده و حق طلبانه آنها  
با سرکوب و تهدید و اراغ بوسیله  
مزدوران کمیته شهری و پاسداران  
هیئت حاکمه ، فریب و سیرنگ

**\* اهواز - صد نفر از کارگران**  
بیکار شده " ردینگ اند بیستس "   
اول آبان جلود فتر مرکزی شرکت  
نفت اجتماع کردند و نسبت به  
نبرد اختن مبالغ باز خریدند  
خدمتشان اعتراض کردند افراد

**\* بیرجند - ۲۷ مهرماه گذشته**  
گروهی حدود دویست نفر از  
دبلمه های بیکار به نمایندگی  
هشتصد نفر فارغ التحصیلان بیکار  
بیرجند ، در محل اداره آموزش و  
پرورش شهر اجتماع کردند و پس از  
خواندن یک قطعنامه ۴ ماده ای ،  
به طرف فرمانداری رفتند .  
در آنجا فرماندار بیرجند بعد از  
اینکه بد بیکاران وعده هههههه  
دروغ های اورانمی پذیرد چهره  
واقعی خود را ظاهر ساخت و گفت .  
من مردمی نیستم و اگر لازم  
شود شمار به زور سرنیزه بیرون  
خواهم انداخت . " حرف های

**\* بروجرد - فارغ التحصیلان بیکار**  
بروجرد هربار به مقامات مسئول  
مراجعه کردند با جواب سر بالا  
روبرو شدند و با پیشنهاداتی از  
قبیل قبول شگردی و با کار در  
جهاد سازندگی ، این بیکاران به  
دنیا نشینان چنین پاسخ هایی  
دست به تحصن و سپهر راهپیمائی  
زدند  
دانش آموزان شهر نیز از آنها  
حمایت می کردند . آنها با  
شعارهایی از قبیل " کار برای بیکار  
ایجاد باید گردد " راه می پیمووند  
که با عناصر معلوم الحال عامل  
دست ارتجاع روبرو شدند . این  
گروه با سخنان تحریک آمیز یک  
شیر یا چوب و چماق و چاقو

( یعنی سود ویژه طلب نکنند )  
البتة وظایف شورای هماهنگی  
به همین جا خاتمه پیدا نمی کند .  
" بررسی خواست ها و مشکلات  
کارکنان موسسه و ارائه راه حل های  
عملی و قانونی به مدیریت موسسه ،  
و پیگیری آن از طریق عضو رابط  
بدون دخالت در مدیریت و ایجاد  
کندی و تعطیل در امور موسسه " .  
پس اول خواسته ها باید قانونی باشد  
( مجددا تاکید می کنیم بر طبق همان  
قانون کار آریامهری ) ( ناسا ، مبادا در  
مدیریت دخالت بکنند و یا ( زبانمان  
را ) محبت کندی و تعطیل در امور  
موسسه شوند ) . که در آن صورت  
سروکارشان با نیروی ویژه ، کمیته  
و مهتر شورای انقلاب است .

**خ : نظارت در رفتار و اعمال**  
فردی و اجتماعی کارکنان و ارشاد  
و توجه دادن آنها به مسئولیت های  
مخوله " . یعنی شورای هماهنگی  
اولا کار اداره حفاظت سابق و نیروی  
ویژه جدید را هم بکند ( نظارت در  
رفتار و اعمال فردی و اجتماعی  
کارکنان ) ( ناسا ، کار فقط  
نظارت بر رفتار " نباشد بلکه  
" ارشاد و توجه دادن به  
مسئولیت های مخوله " هم باشد .  
که حتما این کار از طریق انواع  
تنبیها و جریمه ها و اخراج ها  
و حتی اعزام به کمیته وزندان نیز  
صورت می گیرد .

قاطع ترین بندی که کاملا  
ماهیت این شوراهای مفید را افشا  
می کند ، بند " ط " " اصول " است .  
" ط " تصویب و انجام موری که  
برای بهبود موسسه از طرف مدیریت  
به شورا پیشنهاد می گردد .  
حال شما قضاوت کنید . آیا با  
خواندن این ماده به یاد مجلس  
شورای ملی سابق نمی افتید .  
به امر مطاع ملوکانه ماده . . .  
تصویب شود . تازه قضیه که  
همین جا خاتمه پیدا نمی کند .  
شورای هماهنگی موظف است آن را  
اجرا هم بکند .  
مجددا " اصول تشکیل شورای "

دولت جمهوری اسلامی مفید  
می داند شورایی به وجود آید و  
به عضو شورای هماهنگی این  
افتخار داده می شود که عرایضش  
راه سمع اعضا محترم هیئت  
مدیره برساند و او ام آنها را بشود .  
و سپس " مساعی " لازم را جهت  
پیشبرد او امر صادره به عمل آورد .  
شورای بید خواست های قانونی  
کارگران را با اهداف و امکانات  
موسسه هماهنگ سازد . شورای بید  
خود تبدیل به اداره حفاظت شود  
و بر " اعمال فردی و اجتماعی "   
کارکنان نظارت کند و البته شورا  
موظف است پیشنهادات هیئت  
مدیره محترم را تصویب کند و به  
اجرا در آورد .  
آیا این تفاسیل لحظه ای درنگ  
در رد این " اصول " از جانب کارکنان  
جایز است ؟

روشن شدن تکلیف نهایی شوراها به  
همان شکل سابق عمل نمایند و  
دستور العمل صادر شده مورد  
تائید نیست .  
سندیکای کارکنان بانک ها ،  
شوراهای کارخانجات مینو پارسی -  
الکترونیک ، صنایع فولاد ، نیروگاه  
شهریار و دهها واحد تولیدی دیگر  
نیز این " اصول " را رد کردند . علت  
چه بود ؟ برای روشن شدن علت این  
رد " اصول پیشنهادی وزارت کار  
جمهوری اسلامی " را مورد توجه  
قرار می دهیم .

**مقدمه : . . . دولت جمهوری**  
اسلامی . . . در مواردی که مدیریت  
. . . آمادگی لازم را داشته باشند  
تشکیل شوراهای کارکنان موسسات  
را برای پیشبرد هدف های جمهوری  
اسلامی مفید می داند .  
ملاحظه می کنید . دولت جمهوری  
اسلامی برای پیشبرد هدف های  
خود در مواردی که مدیریت آمادگی  
لازم را داشته باشد ، تشکیل شوراها  
را مفید می داند . به عبارت دیگر ،  
دولت سرمایه داران برای پیشبرد  
هدف های سرمایه داران این شوراها  
را مفید می داند و مدیران منتخب  
آنها نیز آمادگی لازم را دارند .  
" ماده ۲ بند ۶ : وظایف شورای  
هماهنگی ب . انتخاب یک نفر از  
اعضای شورای هماهنگی جهت  
شرکت در جلسات هیئت مدیره . . .  
به منظور طرح خواست های قانونی  
کارکنان و آگاهی از تصمیمات و  
نظرات مدیریت . . . و مساعی لازم  
جهت پیشرفت امور موسسه " .  
از شورائی که از نظر سرمایه داران  
مفید تشخیص داده شده است ، جز  
این هم انتظاری نمی رفت .

به عضو شورای هماهنگی لطف  
بزرگی می شود ، به او این اجازه  
داده می شود که در جلسات هیئت  
مدیره شرکت کند و خواست های  
قانونی را ( البته بر طبق همان  
قانون کار آریامهری ) به عرض  
هیئت مدیره برساند . و نظرات  
مدیران محترم را نیز بشنود .  
و آن وقت فوراً به سرکارش برگردد  
و تمام " مساعی " خود را صرف  
" پیشرفت امور موسسه " ( توجه  
کنید . امور موسسه و نه کارکنان )  
و همچنین " ارشاد کارکنان در جهت  
هماهنگ ساختن خواست های خود  
با اهداف و امکانات موسسه " ( بند  
چ همان ماده ) بکند .  
در حقیقت خلاصه مطلب اینطور  
می شود :

دولت جمهوری اسلامی از  
کارکنان می خواهد که یک " شورای  
مفید " تشکیل بدهند و یک نفر از  
اجماع شورای هماهنگی راه جلسه  
هیئت مدیره برسانند تا او امر اعضا  
هیئت مدیره را بشنود و آنها را در  
جهت پیشرفت امور موسسه و ارشاد  
کارکنان به کار بندد و کارکنان را  
ارشاد کند که مکاتبات موسسه را  
در نظر بگیرند . ( یعنی مشلا  
سود سالانه بکند و بیست میلیون  
ریال را ) ( و آنوقت خواسته هایمان را  
با این امکانات هماهنگ کند .

شوراهای کارگری آن شکل از  
تشکیل کارکنان بود که در جریان قیام  
و به استکار آنان و از بن کمیته های  
اعتصاب برای کنترل و اداره  
واحد های تولیدی به وجود آمدند .  
کارگران متشکل شده در این شوراها  
انتظار داشتند که دیگر نیروی  
باز و قدرت حلقه آنها بر طبق  
خواست و اراده خود آن ها که  
به واقع خواست جامعه نیروی کار  
گرفته شود و امکان بهره کشی و  
زورگویی برای همیشه از بین برود .  
اما قیام قهرمانانه کارکنان در  
کنارسایر ا فشار و طبقات خلق با  
توجه به ضعف جنبش کارگری و  
نیو سازمان سیاسی رهبری کننده  
کارگری منحربه آن شد که  
انحصار طلبان و سازشکاران به  
قدرت برسند و با حفظ دستگاه  
اداری و نظامی دولت سابق ، در  
جهت تحکیم سلطه سرمایه داری  
و ابسته گام بردارند . تحکیم سلطه  
سرمایه داری وابسته هم که به معنی  
سرکوب کارگران و سد نمودن  
مبارزات آنها و جلوگیری ارتشکل  
آنها بود . پس دیگر شوراهای  
کارکنان تحمل نشد و حاکمیت به  
انواع فشارها متوسل شد تا شوراها  
را درهم بکوبد . اما مقاومت کارکنان  
و دیگر اقشار خلق در برابر این  
فشارها آنچنان قوی بود که دولت  
ناگزیر به پذیرش نهاد شوراها شد  
با این تصور که آن را به ضد خود  
تبدیل خواهد کرد و حیثیت آنها را  
برای همیشه از بین خواهد برد .  
این بود که به تبلیغ شوراهای  
مشورتی پرداخت و برای شوراها  
که خود تدوین کننده اصول و  
ضوابط حاکم بر خود می باشند ،  
" اصول تشکیل شوراهای کارکنان  
موسسات کشور " را نوشت و با صدور  
امریای از کلیه کارخانجات  
خواست که آن را به اجرا در آورند .  
اما نتیجه کار چه شد ؟

سر نوشت شوراهای کارخانجات  
همان شد که شوراهای شهر ( با در  
حقیقت همان انجمن های شهر  
سابق ) شده بود . یعنی شکستی  
مفتوحانه .  
کارکنان آگاه و مبارز هر کجا که  
با این " اصول " روبرو شدند ،  
قاطعه آن را رد کردند . هیئت  
اجرایی " اتحادیه کارکنان سازمان  
کشت و وسواری صنایع ایران "  
که بیش از یک صد شرکت و واحد  
تولیدی را شامل می شود با صدور  
اطلاعاتی ار همد شوراهای تابعه  
خواست که :

۱ - در مورد موازین مصوب  
دولت در مورد شورا ، از آنجا که از  
نظر اتحادیه موازین منبویه متناقضه  
با موازین یک شورای واقعی منطبقی  
نیست و نظر اتحادیه نیز در این  
زمینه نخست و ریزی اعلام  
کردیده است و خواهان تجدید نظر  
در اصول مصوب شده ایم . بنابراین  
تائید تکلیف این محبوه نباید  
شورایی را بر اساس آن موازین  
انتخاب نمود . . . در خاتمه با توجه  
بدکات فوق از نظر این اتحادیه تا

تحت شرایط سخت زندگی و کوانی  
طلاقت فرسا قرار دارند به شیوه های  
مختلف مسائل خود را با مقامات  
مسئول و یا دولت در میان گذاشته اند  
اما کمتر نتیجه ای گرفته اند . در  
اینجا به حرکت بیکاران در چند شهر  
اشاره می کنیم که خود گویای وضع  
آنهاست .

مسئولین شهر ( فرماندار - رئیس  
کمیته شهر . . . ) باعث شد که  
کارگران بیکار با پوست و گوشت خود  
به صورت تشکل و سازمان دهی  
مبارزات خود بر علیه استثمارگران و  
هیئت حاکمه حامی آن بی برند . این  
سنگ مبارزه و اعمال اراده خود  
علیه دشمنان طبقاتی تشکیل  
دادند .

استقبال کارگران بیکار این شهر  
از تشکیل شورایشان داد که  
کارگران تنها تشکل خود  
می توانند بر علیه سرمایه داران و  
حامیان آنها مبارزه کنند . در ضمن  
گروههایی کارگران بیکار عوامل  
مزدور کمیته و پاسداران قصد  
اخلال و به هم زدن جمع کارکنان را  
داشتند که با هوشیاری کارکنان  
مبارز اعمال ضد کارگری آنها  
خنثی گردید .

کمیته به قصد برهم زدن این  
اجتماع به محل می آیند اما کارکنان با  
مقاومت در مقابل آنها و توضیح علت  
اجتماعشان اعلام کردند که تا  
گرفتن پاسخ به هیچ وجه آن محل  
اترک نمی کنند .

فرماندار با عکس العمل شدید  
بیکاران روبرو شد . بخشی از  
خواست های بیکاران به قرار زیر است  
کلیه شاغلین ۲۵ سال خدمت  
به الا بازنشسته شوند . از استخدام  
سیاهان و معلمین چند پیشه تا  
روشن شدن وضع بیکاران جلوگیری  
شود . صنایع بیکاران اعلام داشتند که  
حاضریم تا شش ماه بدون  
حقوق برای دولت کار کنیم . در  
گروه های پنج نفری به اتفاق یک  
مهندس زمین ها را آباد کنیم .  
حاضریم با حقوق مکفی برای  
ساختن خانه های بنیاد مستضعفین  
کار کنیم .

پنجه یوکن به بیکاران حمله  
کردند . بعد از این حمله ، بیکاران  
در تاریخ ۵ آبان در دادگستری  
بروجرد متحصن شدند و شورا  
هماهنگی بیکاران وارد مذاکره با  
مقامات مسئول شد . متحصنین  
نیز پنج نفر از عناصر مرتجع را که  
شناسائی کرده بودند دستگیر  
کردند و به دادگستری آوردند و  
تحویل دادستان انقلاب اسلامی  
داده و خواستار محاکمه آنها در  
مقابل مردم شدند . اما دادستان  
انقلاب اسلامی خواستار رسیدگی  
از طریق اداری و آرا که مدرک شد .  
این تحصن با حمله همان عناصر  
معلوم الحال و پرتاب سنگ به  
طرف متحصنین تمام شد .

ما خواهان قطع کامل روابط اقتصادی سیاسی نظامی و فرهنگی با امپریالیسم امریکاهستیم



# گفتگویی کوتاه بایکی از رفقای سازمان ارتش آزادیبخش خلق ترکیه (اتحاد مبارزه)

شرایطی، مبارزه تنها از این کاتال به پیش می رود، به سرور توده های می شود و با تکیه بر این نیرو فاشیسم و دیکتاتوری را نابود می کند.

سؤال - یکی از بحث هائی که در ایران میان رفقا مطرح است، این است که آیا هدف مبارزه مسلحانه ای که مادر پیش می گیریم، برانگیختن توده هاست؟ یعنی کوشش برای فراهم آوردن شرایط عینی انقلاب - تبلیغ انقلاب - است؟ یا اصولاً خود مفهوم انقلاب را در دوسرگونگی رژیم را در دستور قرار می دهد؟

جواب - مادر حقیقت به هیچ یک از این دو طریقی که شما مطرح کردید، فکر نمی کردیم. ما چنین می گفتیم که آمدن فاشیسم و دیکتاتوری، امکان به کارگیری شیوه های دیگر مبارزه و امکانات دمکراتیک برای کار در میان توده ها از بین رفته است و ما باید به کار گرفتن این تاکتیک ها می خواستیم به هدف های زیر دست پاییم:

اول - به مبارزه ادامه دهیم

ثانیاً - این مساله را که باید علیه دیکتاتوری فاشیستی بطور اساسی تنها با قهر مبارزه کرد، به توده ها نشان دهیم. اما، خارج از سازمان مادر ترکیه جریانات دیگری که رهبری شان را "ماهرجایان" به عهده داشت، استدلال هایی از نوع آنچه که شما می گفتید مطرح می ساختند. آنها می گفتند، "این مبارزه، مبارزه پیشاهنگ توده ها است و توده های آن روی خواهند آورد. این خود آغاز مبارزه بر ضد بورژوازی، به قصد برانداختن آن است." علاوه بر این ما این تاکتیک را تا کتیکی گذر می دانستیم و به این فکر می کردیم که نهایتاً باید به کارهای توده ای و سازماندهی بپردازیم و کار براندازی را خود توده ها انجام دهند. ما حتی در آن زمان به حزب می اندیشیدیم.

سؤال - یعنی شما معتقد بودید که عملیات نظامی (مبارزه مسلحانه) در تمام طول پیروسی جنبش، نقش محوری دارد و تا کتیکی عمده محسوب می شود؟ آیا وقتی معتقد به مبارزه مسلحانه جدا از توده بودید، فکری کردید که این شکل از مبارزه، شکل اصلی مبارزه است آیا آن را برای تمام طول پیروسی جنبش در نظر می گرفتید یا شکل عمده مبارزه را در مقاطع گوناگون متفاوت می دیدید؟

جواب - ما هرگز این تاکتیک را، تاکتیک ادامه داری نمی دانستیم و اصولاً در شرایط ترکیه تفاوت نظرات ما با نظرات "ماهرجایان" دقیقاً در همین مسئله بود. زیرا او این شیوه مبارزه را یک شیوه ادامه دار و سیستماتیک می دانست و معتقد بود که در آینده توده ها به آن خواهند پیوست و به همین شکل هم ادامه پیدا خواهد کرد.

ما می گفتیم: "کار توده ای هم باید بکنیم." ولی این مسئله همیشه در حرف مانده و هرگز در عمل به آن دست نزدیم. البته مادر آن شرایط مبارزه مسلحانه را به هیچ وجه نتوانستیم نکرده بودیم و بر سر این مسئله که این تاکتیک در آینده نیز، به عنوان تاکتیک محوری مابقی خواهد ماند یا نه، هیچ نوشته یا تحلیلی نداشتیم و هرگز به آن نپرداختیم.

اصولاً سازمان مادر آن روزها، بدون تئوری به این تاکتیک دست زده بود. تفاوت اساسی ما با "ماهرجایان" در این بود که او این نوع مبارزه را کاملاً تئوریزه کرده بود. گفتیم که مادر آن شرایط به حزب فکری کردیم ولی واقعیت این است که نمی دانستیم در آن شرایط چگونه باید حزب را به وجود آورد و به دنبال آن رفت.

سؤال - آیا شیوه های مبارزه در آمریکا لاتین، در اتحاد چنین شیوه مبارزه ای از سوی سازمان شما تأثیر داشت؟

جواب - ما هیچ وقت ننشستیم مبارزات آمریکای لاتین را بررسی کنیم و بگویم تئوریهای آن را با شرایط ترکیه تطبیق دهیم. ولی واقعیت این است که شیوه های مبارزه در آمریکا لاتین در پراکتیک، بر اعمال ما تأثیر می گذاشت.

سؤال - توضیح دهید خط مشی و دیدگاههای جریانات مارکسیستی ترکیه، که پیش از تأسیس سازمان شما فعالیت داشتند، در اتحاد این شیوه مبارزه چه تأثیراتی داشته است؟

جواب - اصولاً اساس قرارداد در مبارزه پارلمانی و سازمان دهی علنی و یا سیفیم حاکم بر حزب کارگر ترکیه، به شکل اساسی، ما را وادار به اعمال قهر، سازمان دهی مخفی و برخورد فعال می کرد.

سؤال - شما پیش از این گفتید که در سال های ۱۹۷۳ یک جمع بندی نسبتاً کامل از اشکال مبارزاتی که تا آن زمان به کار می گرفتید، ارائه دادهاید و بر این اساس قسمتهائی از نظرات خود را نفی کرده و قسمتهائی از آن را درست دانسته اید.

لطفاً توضیح دهید که چرا وجه بخش هائی از نظریات خود را نفی کرده اید و کدامیک از اصول آن را درست دانسته و پذیرفته اید؟

جواب - ما بطور کلی اولاً گذشته خود را یک دوره تاریخی اشتباه در حرکت مارکسیستی ترکیه بررسی می کنیم. ثانیاً این حرکت، اندیشه سازمان دهی مخفی و به کار بردن قهر را در تاریخ

رشد عظیم مبارزات پرولتاریای سراسر جهان و او جگیری جنبش های رها ئی خلق ها، تجربیات بین المللی عمیقی را فراهم آورده است. دست یابی به این تجربیات بر عمق جنبش انقلابی میهن ما خواهد افزود و بر آن اعتلای بیشتری خواهد بخشید. بدین منظور همانگونه که در گذشته آغاز کرده بودیم، از این پس نیز تلاش خواهیم کرد به درج فشرده ای از این تجربیات اقدام کنیم.

در این قسمت گفتگویی داریم بایکی از رفقای عضو سازمان "ارتش آزادیبخش خلق ترکیه (اتحاد مبارزه)".

ما این مصاحبه را به خاطر آشنائی بیشتر با نقطه نظرات سازمانی که در بعضی از زمینه ها تشابهاتی با آن داشته ایم به چاپ می رسانیم. ضمن این که چاپ این مصاحبه نباید دال بر تأیید ما از این نقطه نظر است قرار گیرد.

"ارتش آزادیبخش خلق ترکیه (اتحاد مبارزه)" یگانه تشکیلات سراسری پرولتاریای ترکیه است که با تجربیات انقلابی طولانی، مبارزات پر دامنه ای را جهت رهایی خلق ترکیه آغاز کرده است.



ترکیه به اعمال خشونت بیشتر بود که توسل به تاکتیک های مسلحانه را برای شما مطرح ساخت یا توسل به تاکتیک های نظامی خود در تغییر شرایط سیاسی موثر واقع شد؟ نظر سازمان شما در مورد تأثیر تاکتیک های نظامی، در شرایط سیاسی چیست؟ به ویژه توضیح دهید که این تاکتیک ها را محصول تغییر شرایط می دانستند یا تغییر دهنده شرایط؟

جواب - یکی از هدف های اصلی مبارزه مسلحانه دقیقاً این بود که نشان دهد این دیکتاتوری یک دیکتاتوری فاشیستی است. توضیح این که در آن سال ها خورده بورژوازی ترکیه فکر می کرد که این دیکتاتوری فاشیستی چیزی شبیه به انقلاب نظامی سال های ۶۰ است به همین دلیل توضیح این مسئله برای ما وظیفه بزرگی بود. در رابطه با قسمت بعدی سؤال واضح است که عملیات ما خشونت دیکتاتوری را علیه انقلابیون تشدید کرد. حکومت دیکتاتوری تعداد زیادی از رفقای ما را اعدام کرد، به زندان کشید و از بین برد ما چه خواهیم چه نخواهیم، این واقعیتی است که روی داده است. اما اگر تصور شود که خشونت و فشار دیکتاتوری صرفاً ناشی از اعمال ما بود، تصور اشتباهی است. زیرا دیکتاتوری آمده بود و گرفتن امکانات دمکراتیک از دست توده ها را هدف خود قرار داده بود و می خواست دمکراسی را بطور کلی در ترکیه از میان بردارد. این دیکتاتوری از نظر اقتصادی - اجتماعی - سیاسی، نیاز اساسی داشت که با اعمال خشونت، حاکمیت خود را هر چه بیشتر تثبیت سازد و سایر قشرها را از حاکمیت تصفیه کند.

سؤال - می خواهیم بدانیم که شما توسل به مبارزه مسلحانه را برای شکستن سد دیکتاتوری ضروری تشخیص می دادید یا دلایل دیگری برای به کارگیری این شیوه داشتید؟

جواب - ما مبارزه علیه این دیکتاتوری را با اعمال چنین تاکتیک هائی عملی می دانستیم و فکری کردیم در چنین

سؤال - چه تغییر و تحولاتی در شرایط سیاسی ترکیه در آستانه سال های ۷۰ موجب شد تا گرایش به مبارزه مسلحانه مسلط شود و سازمانی با این خط مشی به وجود آید؟

تکامل جهاده ها و نتیجه وجود چه نظراتی در سازمان های مارکسیستی پیشین ترکیه باعث شد چنین نظراتی در سازمان شما شکل بگیرد و خط مشی سازمان بر این اساس تدوین شود؟

جواب - برای پاسخ به سؤال اول باید شرایط ترکیه را از سال های ۶۰ به بعد بررسی کنیم. تا سال های ۶۰ در ترکیه یک دیکتاتوری ارتجاعی بورژوازی به شکلی که حتی ناچیزترین وضعیت دمکراتیک را هم تأمین نمی کرد، برقرار بود. بعد از سال ۶۰ عهده نیال انقلاب نظامی ای که در ترکیه به وقوع پیوست، وضعیتی نسبتاً دمکراتیک به وجود آمد. در درون این دمکراسی نسبی، حرکت طبقه کارگر علاوه بر مبارزه اقتصادی، مبارزه سیاسی را نیز در دستور روز خود قرار داد.

بنابراین در آن شرایط، حزب کارگر ترکیه به وجود آمد. این حزب با اصل قرارداد در آن سازمان دهی علنی و مبارزه پارلمانی، یک سیاست آکونومیستی را پیش برد. در سال های ۱۹۷۰ حرکت طبقه کارگر اوج گرفت و آنچنان رشد کرد که کارگران خود وارد مبارزه اساسی با بورژوازی شدند. وضعیت بورژوازی در سال های ۱۹۷۰ چنین بود که سرمایه داری وابسته انحصاری رشد کرده و تلاش داشت که حاکمیت خود را تثبیت کند و به این منظور تصفیه صاحبان سرمایه های متوسط و فتودال ها را از حاکمیت شروع کرد و حاکمیت سرمایه وابسته انحصاری را تثبیت نمود. در این وضعیت، حرکت طبقه کارگر، طبقات متوسط و دانشجویان شروع شد. آنها وارد یک سلسله مبارزات سیاسی با دولت شدند. نقطه اوج این مبارزات ۱۶ و ۱۵ ژوئن (خرداد) سال ۱۹۷۰ بود که صدها نفر از مردم ما در تظاهرات استانبول یا تانک ها و گلوله باران سربازان دولتی رو برو شدند. در چنین شرایطی بود که رفقای ما به این نتیجه رسیدند که با تکیه بر سازمان دهی علنی و بدون تکیه بر قهر، مبارزه کمونیستی امکان پذیر نیست.

سؤال - در اینجا شما توضیح می دهید که در آستانه سال های ۷۰ جنبش توده ای در ترکیه رو به اعتلا می رود و تظاهرات صد ها هزار نفری در استانبول صورت می گیرد، واکنش دولت در برابر این تظاهرات و در حقیقت در برابر موج اعتلای انقلابی سرکوب شدید و برقراری حکومت نظامی، ابتدا در استانبول و سپس در شهرهای دیگر است.

سؤال - مادر اینجا این است که آیا تاکتیک نوین حکومت، یعنی حکومت نظامی و اعمال قهر شدیدی برای سرکوب جنبش توده ای تا چه حد موفق شد؟ آیا جنبش توده ای در رابطه با این سرکوب شدیدی رو به رکود رفت یا همچنان اعتلا پیدا کرد؟ آیا سطح معینی از جنبش خود به خودی همچنان وجود داشت؟

جواب - پس از این رویدادها، نشانه های آشکار پیروزی فاشیسم در ترکیه پدید آمد. در این سال ها حرکات توده ای تا حدی ادامه یافت. توده ها نخست این مساله را با ادامه اعتصابات کارگری در شهرها و با اشغال زمین های بزرگ در روستاها پاسخ گفتند. ولی علیرغم تمام اینها، بورژوازی با اعمال تاکتیک های فاشیستی به مرور موفق به سرکوب حرکت توده ها و آرام کردن اوضاع شد. در همین شرایط بود که فعالیت ما به شکل نظامی آغاز شد. اما خارج از این فعالیت نظامی، حرکات توده ها هر روز به رکود بیشتری می گرایید.

سؤال - شما در اینجا از یک سو بر نقش نیروهای سرکوبگر در به رکود کشاندن جنبش توده ای تأکید می کنید و در جای دیگر می گوئید خارج از این مبارزات، عملیات نظامی ما آغاز شد. لطفاً در این رابطه توضیح دهید که آیا نقش نیروهای سرکوبگر را در به رکود کشاندن جنبش توده ای نقش عمده به حساب می آورید یا نه؟ علاوه بر این نقش عملیات نظامی خود را در رابطه با جنبش توده ای چگونه ارزیابی می کنید؟ عبارت دیگر عملیات نظامی شما چه تأثیری بر مبارزات توده ای داشت؟

جواب - اولاً علت این که سازمان ما بی درنگ و بایک سازماندهی شتاب زده و کوتاه مدت وارد مبارزه مسلحانه شد نتوانستیم مبارزات توده ها تأثیر مثبتی بگذارد و از رکود آن جلوگیری کند. ثانیاً تاکتیک های ما بیشتر از سوی خود سازمان و کاملاً حد از زندگی مادی توده ها و حرکات آنها اعمال شد و حکومت دیکتاتوری بطور مشخص از عدم سازماندهی توده ها بهره گرفت و قدرت سرکوب و جلوگیری از حرکات توده ها را پیدا کرد. ثالثاً در پراکتیک مبارزاتی ترکیه مشخصاً روشن شد که اصولاً مبارزه پیشاهنگ در رشد مبارزات توده ای نقش چندانی بازی نمی کند و پیشاهنگ تنها از کاتال رهبری و به راه انداختن مبارزات اقتصادی - سیاسی در درون خود توده ها است که می تواند مبارزات آنها را رشد دهد و به آن نیرو ببخشد.

سؤال - داشتید تأثیر دگرگونی شرایط عینی را در اتخاذ شیوه های جدید مبارزه، یعنی مبارزه مسلحانه ارزیابی می کردید.

سؤال - مادر اینجا این است که توسل رژیم سیاسی حاکم در

گزارشی از مبارزات صیادان در گمیش تپه (ترکمن صحرا)

# اتحاد و همبستگی صیادان دریای خزر

ساحلی که صیادان بتوانند خود صید خود را به این فروشگاه ها تحویل دهند.

پس از وقایع انزلی و کشتن صیادان به وسیله پاسداران، صیادان آزاد به پشتیبانی از صیادان آزاد بندر انزلی اقدام به راهپیمایی و تظاهرات در روز ۲۸ مهر نمودند. راهپیمایی پلاکاردهایی با خود حمل می کردند که روی آنها این شعارها نوشته شده بود:

"تنگ و نفرت برآنان که برادران صیاد ما را در بندر انزلی به شهادت رساندند." "ما کشتار وحشیانه صیادان آزاد بندر انزلی را محکوم می کنیم." "در مسیر راهپیمایی در گمیش تپه (گومیش دغه) مردم شهر، زنان خانه دار و دانش آموزان دبیرستانها به عنوان پشتیبانی به صف تظاهرات پیوستند. دریایان قطعنامه ای صادر گردید.

## قطعنامه راهپیمایی صیادان آزاد...

ما صیادان آزاد کنه از ستم دیده ترین قشر صیادان هستیم، در گذشته به علت زور گوئی های زمین داران بزرگو و عمال رژیم سابق، زمین های زراعی خود را از دست داده و منبع معاشی غیر از دریاداریم. ما صیادان کنه اکثرمان ساحل نشین هستیم در گذشته به علت زورگوئی های مامورین ژاندارمری نظیر سروان حامد جلال مشکلات زیادی در امر صید داشتیم و همانطور که همه می دانند چه بسا در جریان درگیری های که بین ما صیادان و مامورین ژاندارمری روی داده، بسیاری از برادرهای خود را از دست داده ایم. پس از قیام شکوهمند ملت ایران، ما امیدوار بودیم که دولت جدید فکری جهت مشکلاتمان کرده و به خواسته های برحق مان که از طرف نمایندگان مطرح شده رسیدگی خواهد کرد. ولی باکمال تأسف نتوانستیم نتیجه مذاکراتمان با دولت در این زمینه به جایی نرسید بلکه بار همان روش های محمد رضا شاه توسط مامورین ژاندارمری از سر گرفته شده است. آنچه در بندر انزلی برای برادران صیادمان در چند روز پیش روی داد گویای این حقیقت است که مسئولین دولت نتوانستند جهت رفع مشکلات ما صیادان هیچگونه اقدامی نخواهند کرد، بلکه سعی در سرکوب کردن کوچکترین ندای حق طلبانه ما دارند. ما به هیچوجه خود را از برادران صیادمان در دیگر نواحی کشور جدا ندانستیم و نمی دانیم، چون همه ما در یک جهت و به خاطر رسیدن هدفی مشترک که همانا حقوق قانونی و انسانی مان باشد، مبارزه کرده و می کنیم. آنچه در بندر انزلی توسط پاسداران انقلاب روی داد موجب شهادت و زخمی شدن بسیاری از برادرانمان گردید.

● صیادان در قطعنامه ۶ ماده ای خود ضمن اعلام خواسته های کشتار صیادان و مردم بیگناه انزلی را محکوم کرده، خواستار رسیدگی و محاکمه مسببین و جنایتکاران این واقعه شدند.

(صیادان خواستار ۷۰٪ سهم صیادان و ۳۰٪ سهم ارباب بودند) که این خواست ها از طرف شیلات رد شد و به نوبه خود موجب اعتراض صیادان گردید. صیادان راه حل دوم را پیشنهاد کردند که آنها مستقیماً با شیلات قرارداد ببندند و یا این که شیلات مانند صیادان اداری آلات و ادوات صید را در اختیار آن ها قرار دهد که این نیز موجب مخالفت دانش کارگران شیلات قرار گرفت. صیادان سپس پیشنهاد تاسیس یک شرکت تعاونی و مصرف را نمودند که صیادان از این طریق بتوانند آلات و ابزار صید را تهیه کرده و طبق قراردادی که با شیلات می بندند محصول خود را تحویل دهند. پیشنهاد دیگری که از طرف شورای صیادان مطرح گردید احداث فروشگاه های ماهی در بخش های ساحلی بود که از این طریق هم دست واسطه ها کوتاه شود و هم مردم به راحتی بتوانند ماهی مورد نیاز خود را

صیادان از ستم دیده ترین اقشار خلق اند، شرایط زندگی این زحمتکشان بسیار دشوار و توان فرسا است. گزارش زیر شرحی کوتاه از سیر مبارزات و سطح شکل اقشار مختلف صیادان دریای خزر است:

صیادان نیازمند، سهم شدن صیادان در سود ویژه شیلات، انحلال گارد شیلات و دادن هزینه حفاظت از دریای صیادان ساحلی هر منطقه که فلا به ژاندارم ها تعلق می گرفت، بیمه و حقوق بارنشستگی و حق اولاد، تهیه امکانات رفاهی جهت صید، تامین وسایل رفاهی ارفیل تبدیل کومه های مفلوک به آسایشگاه های قابل زیست با تمام وسایل رفاهی و بهداشتی، تامین روشنایی و سوخت و گرمای...

صیادان با خوشبینی انتظار داشتند که اقلایه یکی ازینست مورد خواسته هایشان پاسخ مثبت داده شود ولی هیئت مدیره شیلات در قبال این خواسته ها که حق مسلم این صیادان و همسر زحمتکشی است با عنوان کردن این که امکان برآوردن این خواسته ها برای ما وجود ندارد جواب رده صیادان دادند. اوایل مرداد بود که طراحان قرارداد شیلات جهت اصلاح

صیادان با خوشبینی انتظار داشتند که اقلایه یکی ازینست مورد خواسته هایشان پاسخ مثبت داده شود ولی هیئت مدیره شیلات در قبال این خواسته ها که حق مسلم این صیادان و همسر زحمتکشی است با عنوان کردن این که امکان برآوردن این خواسته ها برای ما وجود ندارد جواب رده صیادان دادند. اوایل مرداد بود که طراحان قرارداد شیلات جهت اصلاح

صیادان با خوشبینی انتظار داشتند که اقلایه یکی ازینست مورد خواسته هایشان پاسخ مثبت داده شود ولی هیئت مدیره شیلات در قبال این خواسته ها که حق مسلم این صیادان و همسر زحمتکشی است با عنوان کردن این که امکان برآوردن این خواسته ها برای ما وجود ندارد جواب رده صیادان دادند. اوایل مرداد بود که طراحان قرارداد شیلات جهت اصلاح



با قیمت از قبل تعیین شده تهیه کنند. نکته مهم در این مورد آن که با توجه به خواسته های صیادان، شکل و آگاهی در سطح آنان پائین تر از سایر صیادان است. صیادان آزاد شاید بتوان گفت از ستم دیده ترین و زجر دیده ترین صیادان می باشند. پس از قیام این صیادان که امیدوار بودند در وضع زندگی آنها تغییری روی دهد اقدام به تشکیل شورایی جهت مذاکره با نمایندگان دولت و شیلات در مورد مشکلات کارشان نمودند. این صیادان دیگر به هیچ وجه حاضر نیستند تحت شرایط گذشته زندگی کرده و بار زورگوئی های مامورین ژاندارمری را تحمل کنند. اهم خواسته های آنان چنین بود:

انحلال گارد شیلات - دادن وام بیکاری به صیادان واحداث فروشگاه های ماهی در بخش های

کار دارند. در پاسخ به این سؤال که آیا شما مسال اگر به گرفتن حقتان موفق نشوید سال های بعد این مبارزه را ادامه خواهید داد یا نه؟ صیادی که حدود ۲۵ سال سابقه کار دارد و از ۱۴ سالگی به کار صید مشغول بوده است، گفت: "صد در صد. تازه اول کارمان است. سال های بعد حتماً آگاهی ما بیشتر خواهد شد و دیگر به این سادگی دست از مبارزه بر نخواهیم داشت. ما هر چه بیشتر مبارزه کنیم تجربه ما هم در این زمینه بیشتر می شود و سال به سال پخته تر می شویم."

صیادان پیمانی نریس از انقلاب، شورای صیادان تشکیل دادند و یک سری درخواست های خود را اعلام نمودند که اهم آنها به این ترتیب است:

اجاره نصب دام های ماهیان فلس دار، تجدید نظر در تقسیم صید بین اربابان و صیادان،

"قرارداد جدید" به آشوراده آمدند. "قرارداد جدید" نه تنها به هیچ یک از خواسته های برحق صیادان پاسخی نداد بلکه به طور زیرکانه ای کاملاً به نفع شیلات و اربابان و به ضرر صیادان تنظیم شده بود. این امر خشم صیادان را برانگیخت و صیادان متحداً تصمیم گرفتند که تا انجام خواسته هایشان از ثبت نام خودداری کرده و اعتصاب کنند. بدین ترتیب این صیادان از روز دهم مرداد ۱۳۵۸ دست به اعتصاب زده و از ثبت نام و امضاء قرارداد جدید که به مراتب ظالمانه تر و سارتر از قرارداد قدیمی است، خودداری کردند.

مسئولان شیلات در اوایل، اعتصاب صیادان را خیلی جدی نمی گرفتند ولی پس از گذشت دو هفته از اعتصاب دست اندر کاران شیلات به دست و پا افتادند و روی این اصل به تهدید متوسل

ساحل دریای خزر از نظر صید ماهی به چهار ناحیه تقسیم شده است. بیشترین سهم صید در ناحیه چهار (یعنی منطقه ای که از فرح آباد ساری شروع شده و تا صیدگاه ترکمن صحرا در مرز شوروی ادامه می یابد) صورت می گیرد. بطوری که این ناحیه به تنهایی نیمی از درآمد کل شیلات را تامین می کند. اما در عین حال شرایط زندگی این زحمتکشان بسیار سخت و طاقت فرسا است. پراکندگی صیادان و پائین بودن سطح آگاهی آنان که خود ثمره سال ها سلطه اختناق و جدایی بین روشنفکران انقلابی و زحمتکشان این منطقه بوده است، موجب شده است که سطح مبارزات صیادان بالنسبه پائین باشد. شرکت شیلات هم همواره کوشیده است با ایجاد تفرقه و جدایی بین کارگران و جلوگیری از وحدت آنها قرارداد های یک جانبه و ظالمانه خود را بر آنها تحمیل کند و هنگامی که به این کار موفق نمی شود فریاد اعتراض صیادان را با اخراج آنان خاموش سازد. علاوه بر شرکت حربه "قانونی" دیگری نیز در اختیار داشت به این ترتیب که قراردادهای سالانه با صیادان می بست و به همین وسیله آنها را کارگر فصلی قلمداد می کرد و آنها را به استخدام رسمی در نمی آورد. به این ترتیب اخراج آنان طبق قوانین موجود و به اتهام ساختگی صید قاچاق صورت می گرفت و هیچگونه حقی برای آنها در نظر گرفته نمی شد.

طی مبارزاتی که به سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه منجر شد، رشد آگاهی ها و شکل زحمتکشان مبین مافرونی گرفت و صیادان این ناحیه نیز در جریان این مبارزات تجربیاتی به دست آوردند که همراه با آگاهی قابل توجه قدرت سرکوبگر ارتش و ژاندارمری و گارد شیلات و غیره، زمینه مناسبی برای شکل ورشد مبارزات صیادان (اداری، پیمانی و آزاد) فراهم آورد. اما نکته مهم اینکه هنوز شکل وسیعی که زحمتکشان صیادان بطور وسیع اعم از اداری و پیمانی و آزاد در خود متشکل نمایند، به وجود نیامده است. گرچه عملاً صیادان از مبارزات یکدیگر پشتیبانی می کنند. این امر به بالا رفتن آگاهی و تشکلی در سطح منطقه و مخصوص خلق ترکمن ارتباط دارد. ضمن آنجا که آنجائی که حاکمیت فعلی عملاً همان شیوه های گذشته را برای غارت صیادان به کار می برد در زندگی صیادان تغییر اساسی به چشم نمی خورد. در زیر سیطر مبارزات و سطح تشکلی لایه های مختلف صیادان را بررسی می کنیم. صیادان اداری از تیرماه ۱۳۵۸ سندیکای واقعی خود را تشکیل دادند و اساسی ترین خواسته های خود را به آگاهی مقام های دولت و شیلات رساندند از مهمترین خواسته های صیادان عبارت بودند از:

استخدام رسمی، دادن وام به

# کار مسکن آزادی



# تهدیدهای شورای انقلاب و...

بقیه از صفحه ۱

لااقل تجربه حسنی شیلی را در نظر داشته باشند. اتفاقا ما هم اصرار داریم باید تجربه شیلی، آموزش های لازم را کسب کرد. به همین دلیل نیز در نشریه کار و ویژه تسخیر سفارت مورخ ۲۴ آبان ماه، این تجربه را مورد ارزیابی قرار دادیم. به نظر می رسد که اعضای محترم شورای انقلاب، این بار نیز مثل همیشه قضیه را وارونه دیده و شیورا را سرگشاد آن می دمند.

پیام شورای انقلاب تا کیست مجدداً آموزش های شیلی را ضروری می سازد. باشد که این تاکیدها ما را در ساختن ایران آزاد و دمکراتیک توانا تر و مصمم تر سازد.

شورای انقلاب اسلامی در مقایسه خود با حکومت آئنده فراموش کرده است که:

اولاً آئنده در مبارزه انتخاباتی و به شیوه مسالمت آمیز قدرت را به دست گرفت. ندد در جریان مبارزات خونین خلق که صدها هزار کشته و زخمی برجای نهاد.

شورای انقلاب نمی خواهد و نمی تواند درک کند، خلقی که قهرمانانه به پا خاسته و انقلاب کرده است تا چه حد به اهداف و آرمان های انقلاب شکوهمندی که پشت سر گذاشته پایبند است و تا چه اندازه جستجوگر خواست های انقلابی خویش می باشد.

شورای انقلاب که چشم خود را در مقابل واقعیات بسته است آرزوی کند دیگران هم مثل خودش "کور" باشند و اسیر "منطق" متحجر او شوند.

تئوریسین های شورای انقلاب که اغلب بی سابقه راهی ایران شده اند، از آنجا که از حرکت انقلابی توده های ترسناک این حرکت را ضد انقلابی می خوانند و در مقابل جنبش توده های همان واکنش های تهدید آمیزی را نشان می دهند که رژیم پیشین به کار می گرفت و بدعت می کشید هر حرکت محفانه ای را با سرکوب پاسر گوید.

ثانیاً اشتباهات بزرگ خود آئنده در حفظ ترکیب ارتش، ابقا فرماندهان سرسپرده امپریالیسم در راس قدرت نظامی، نادیده گرفتن قدرت توده ها و شورا های انقلابی کارگران و زحمتکشان و از همه مهمتر حفظ سیستم سرمایه داری وابسته بود که باعث سقوط آئنده شد، نداد و چگیری مبارزه توده ها.

ثالثاً حکومت شما اساساً قابل مقایسه با حکومت آئنده نیست او خود را مارکسیست می دانست و مدعی بود که هدفش رسیدن به یک جامعه سوسیالیستی است نه محترم و نامحدود شمردن مالکیت خصوصی بروسایل تولید. اما آئنده نبر این وجه مشترک را شما آقایان داشت که عمیقاً قدرت توده های ترسید و فقط در حرف انقلابی بود.

اشتباه آئنده این بود که اساساً معتقد به سیاست آشتی جوانه در برابر امپریالیسم بود. این نحوه برداشت "آئنده" و تاکتیک های که بر اساس چنین استراتژی اتخاذ می نمود از جهات مختلف او را در مقابل امپریالیسم جهانی و در

راس آن امپریالیسم امریکایی تضعیف می ساخت. در گناه خواهیم مشخص تر صحبت کنیم آئنده در مبارزه با انحصارات امریکایی و طبقه سرمایه دار شریک آنان در شیلی، اساساً نتوان بود. نقشه "جنگ مخفی" امپریالیسم امریکا، برای مبارزه با آئنده بر چنین نقطه ضعف هایی از او استوار بود.

"آئنده" بر اساس استراتژی و تاکتیک نادرستی که برای انقلاب شیلی اتخاذ کرده بود، نمی توانست با سرمایه داری وابسته شیلی بر خوردی قاطع و انقلابی داشته باشد. در تمام دوران ریاست جمهوری "آئنده" اقتصاد شیلی همچنان وابسته به امپریالیسم امریکا و انحصارات امریکایی باقی ماند. آئنده تنها خراش هایی با اقتصاد وابسته شیلی وارد آورد. لیکن نتوانست این اقتصاد را از ریشه دگرگون سازد.

آئنده به دلیل سیاست سازش و مماشات از اجرای یک طرح توده ای برای درهم ریختن اساس وابستگی شیلی به امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم امریکا عاجز و ناتوان ماند. طبقه سرمایه دار شیلی صاحب نفوذ و قدرت باقی مانده متابع اهرم اصلی نفوذ امپریالیسم سازماندهی مبارزه بر علیه آئنده را بر عهده گرفت و آن راه پیش راند. همین سرمایه داران زمین داران بودند که از عمق پیدا کردن مبارزه طبقاتی در شهر و روستا با شکل مختلف جلوگیری به عمل آوردند. کارگران که خواهان مصادره سرمایه های خارجی و ضبط اموال و دارائی های طبقه سرمایه دار شیلی بودند هم از سوی دولت آئنده و هم از سوی سرمایه داری وابسته شیلی، از مبارزه باز داشته شدند. اعضای محترم شورای انقلاب اسلامی باید توجه داشته باشند که هرگاه آئنده قدرت سیاسی و اقتصادی طبقه سرمایه دار شیلی و انحصارات امریکایی را قاطعانه و از گشودن می ساخت، هرگاه ارزش مبارزات طبقه کارگر شیلی مانع به عمل نمی آورد و شورا های انقلابی کارگران را به مثابه ارکان های اعمال حاکمیت کارگران به رسمیت می شناخت و آنها را مسلح می کرد، هرگاه صنایع و کارخانجات و معادن شیلی در کنترل و نظارت این شوراها قرار می گرفت و طبقه کارگر شیلی امکان این را می یافت که از طریق این ارکان ها سازمان های سیاسی خاص خود، رهبری خود را اعمال نماید، امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا و طبقه سرمایه دار شیلی تمام مواضع قدرت سیاسی و اقتصادی خود را از دست می داد و دیگر امکان مقابله و رویارویی با آئنده را پیدا نمی کرد. سیاستی که در کوبا و ویتنام در پیش گرفته شد و تنها به اعتبار چنین سیاستی بود که امپریالیسم امریکا واقعاً نتوانست هیچ "غلطی" کند.

شورای انقلاب اسلامی که دیگران را به تجربه اندوزی از کودتای شیلی دعوت می کند باید خودش بداند که در دوران آئنده،

زمانی که دهقانان فقیر شیلی برای مصادره زمین های سرمایه داران دست به شورش زدند "آئنده" از آنان حمایت قاطع و جدی به عمل نیاورد و آنان را دعوت به صبر انقلابی نکرد. زمین داران موفق شدند که از رادیکال شدن جنبش دهقانی جلوگیری به عمل آورند و در نتیجه اقدامات فوق بود که زمین داران و مالکین سرمایه دار همچنان صاحب نفوذ و قدرت باقی ماندند و قادر شدند نقش فعالی در کودتای شیلی، علیه آئنده بر عهده گیرند.

"آئنده" وقتی که به قدرت رسید جز تصفیه هایی محدود سازماندهی ارتش شیلی را که اهرم اصلی اعمال قدرت و حاکمیت طبقه سرمایه دار شیلی و انحصارات امپریالیستی بود دست نخورده برجای گذاشت. آئنده از تسلیح توده ها هراس داشت و از چنین تسلیحی خود داری به عمل آورد. او ارتش را منحل نکرد و هسته ارتش نوین توده ای را از زحمتکشان شهر و روستا و انقلابیون حرفه ای و شورا های سربازان و درجه داران که دارای پیوندهای طبقاتی با کارگران و دهقانان بودند به وجود نیاورد. نتیجه این بود که ارتش ترکیب، سازماندهی و تشکیلات ضد مردمی خود را حفظ نمود و فرماندهان وابسته به امپریالیسم و طبقه سرمایه دار شیلی، در راس ارتش همچنان پابرجا ماندند.

چنین بود که امپریالیسم اجاره یافت نقشه تحریک اقتصادی خود را با بهره گیری از ارتش جنبش توده های راسرکوب کند و آئنده را ساقط نماید.

آقایان اعضای شورای انقلاب در طول مدتی که "آئنده" ریاست جمهوری شیلی را عهده دار بود چنانچه انقلابی شیلی سیاست های رفرمیستی و نادرست آئنده را مورد انتقاد قرار می داد و می کوشید توجه "آئنده" را به خطاهای فاحشی که بدان مبتلا بود جلب نماید. "آئنده" در تمام این مدت به هشدار های چنانچه انقلابی بی توجه ماند و برنامه های آنها را به کار نبرد. امپریالیسم امریکا و طبقه سرمایه دار شیلی با تکیه بر این سیاست آئنده، هم از درون و هم از بیرون در اشکال متنوع سعی در منفرد ساختن چپ انقلابی نمود تا زمینه مقاومت را در کودتا به حداقل کاهش دهد.

بله آقایان، اینها هستند درس های عمده تجربه شیلی که بطور "حسی و ملموس" پیش روی ماست. ترس از تشکیلات و تسلیح کارگران و زحمتکشان و دست نخورده نگاه داشتن ارتش ضد خلقی، عدم پشتیبانی از مبارزه طبقاتی آن علیه سرمایه داری وابسته و طبقه سرمایه دار و زمین دار بزرگ، مقابله با قدرت شورا های انقلابی کارگران و دهقانان و قناعت کردن به موارد آوردن خراش هایی بر سیستم سرمایه داری وابسته و اقدامات نیم بند و سطحی در جهت بهبود زندگی توده ها...

همانگونه که گفتیم ما اعتقاد داریم که مواضع شورای انقلاب

اسلامی، اساساً مغایر با مواضع "آئنده" است. چهار خود را در موضع یک "مارکسیست" می دانست. در شیلی انقلاب صورت نگرفته بود اما اقدامات "آئنده" در مقایسه با آنچه که تاکنون توسط شورای انقلاب اسلامی صورت گرفته است، به یک انقلاب در مقایسه با رفرمیسمی توخالی قابل قیاس است. هدف از ذکر این تجربه نه قیاس بلکه بیشتر نشان دادن این حقیقت است که چگونه شورای انقلاب اسلامی از پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی که همان مبارزه با طبقه سرمایه دار ایران است، ناتوان و درمانده است و عملاً به آن که خواهان حفظ مالکیت مشروع سرمایه داران است، نه در جهت برانداختن سلطه سرمایه داران وابسته و سپردن قدرت به دست شورا های انقلابی کارگران و دهقانان که در جهت بر حذر داشتن کارگران و دهقانان از مبارزه طبقاتی حرکت می کند.

ما اعتقاد داریم که برانداختن سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا، جهت اصلی مبارزه این مرحله ما را تشکیل می دهد، ما معتقدیم که امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلق های میهن ماست. لیکن در عین حال اعتقاد داریم که امپریالیسم یک عامل موهوم و جدا از طبقه سرمایه دار وابسته ایران نیست. مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با سرمایه داری وابسته ایران انفکاک ناپذیر است.

برای نشان دادن ماهیت پیام شورای انقلاب هیچ نیازی نیست که به راه دور سفر کنیم. ما شاهد بودیم که در پی با لا گرفتن مبارزات ضد امپریالیستی توده های میهن ما، در هفته های اخیر کارگران دوشرکت حفاری امریکائی، "سدکو" و "سدایران" در منطقه هواز، طی اطلاعیه ای اعلام داشتند که برای مقابله با امپریالیسم امریکا، و در جهت قطع نفوذ سلطه آن، شرکت های امریکائی یاد شده را ملی اعلام می کنند. از سوی دیگر دیدیم که این اقدام انقلابی و ضد امپریالیستی کارگران و شورا های کارگری "سدکو" و "سدایران" توسط مقامات رسمی جمهوری اسلامی از جمله استاندار دریا در مدنی، اقدامی "ضد انقلابی" و "بهانه جویانه" تلقی گردید و دستور انحلال شورا و بازداشت کارگران پیشرو و انقلابی شرف صدور یافت.

زمانی که شورای انقلاب اسلامی نمی تواند و نمی خواهد حقانیت مطالبات کارگران و زحمتکشان را درک کند، زمانی که مبارزه با امپریالیسم امریکارا از مبارزه کارگران و زحمتکشان علیه سرمایه داران امریکائی و شرکای ایرانی شان جدایی داند، زمانی که چنین مبارزاتی را در راه ساختن ایرانی آزاد و دمکراتیک صورت می گیرد "بهانه جویی" و "توطئه ضد انقلاب" می نامد، آیا کارگران و زحمتکشان به پا خاسته مقصد یا آنهاست که می گویند کارگران به خاطر استقلال، کار، مسکن آزادی انقلاب نکرده اند؟

# اتحاد و همبستگی صیادان دریای...

بقیه از صفحه ۸

بدون شک هر انسان زحمتکشی را متاثر خواهد کرد. ماضی اعلام همبستگی و پشتیبانی از مبارزات برادران صیادان در بندر انزلی و دیگر نواحی شیلات و اعلام این مطلب که به مبارزه خود تسلی رسیدن به همه حقوق حقه و انسانی خود ادامه خواهیم داد، همه خواست های خود را در شرح ماده زیر اعلام می داریم:

۱- ما حادثه جنایتکارانه بندر انزلی را که منجر به شهادت و زخمی شدن مردم بی گناه و صیادان زحمتکش گردید، شدیداً محکوم کرده و از دولت می خواهیم که هر چه زودتر مسببین این حادثه شوم را به سزای اعمال ننگین شان برساند.

۲- ما پشتیبانی خود را از مبارزات صیادان بندر انزلی و دیگر نواحی شیلات اعلام کرده و خواستار رسیدگی هر چه زودتر دولت به خواست های ما صیادان توافقی طرفین هستیم.

۳- ما خواستار آزادی صید برای صیادانی هستیم که منبع معاشی غیر از دریا ندارند و همچنین تعیین ایام صید از طرف شیلات و محدودی که صیادان بتوانند تا آن نقطه تورهای خود را مستقر نمایند.

۴- ما خواهان لغو امتیاز معدودی پیمانکار زمیندار و ثروتمند که از ایادی و نوکران رژیم طاغوتی بودند هستیم در عوض می خواهیم که آن امتیاز به صیادان آزاد استمدیده و واگذار شود.

۵- انحلال گارد شیلات و دادن هزینه حفاظت از دریا به صیادان ساحلی هر منطقه که قبلاً به ما مورسین تعلق می گرفت. در عوض شورای صیادان تعهد می نماید که در مواقع تخم ریزی ماهیان، از صید بی رویه جلوگیری نماید.

۶- احداث فروشگاه های ماهی در بخش های ساحلی که ما صیادان صید شده را با نرخ تعیین شده از طرف شیلات به این فروشگاه ها تحویل دهیم تا از این طریق دست واسطه هایی که کاری جز چاپیدن ما و مردم ندارند کوتاه گردد.

۷- دادن وام بی کاری بدون بهره به صیادان در ایام تخم ریزی ماهیان و ایامی که صید تعطیل است.

درود بر صیادان زحمتکشی که به دست مرتجعین در بندر انزلی به شهادت رسیدند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و نوکران داخلی اش پیروز باد مبارزات حق طلبانه زحمتکشان و خلق های ستمدیده سراسر ایران

صیادان آزاد بخش های ترکمن و کمیش دغه ۲۷ مهر ۵۸

# مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

### گفتگویی کوتاه با یکی از رفقای سازمان...

بقیه از صفحه ۷

ترکیه به عنوان اصل اساسی مارکسیستی مورد تأیید قرار داد. حرکت مادر جهت حاکم گردانیدن این اندیشه بر جنبش انقلابی ترکیه، یک حرکت پریاری بود. تنها ضعف های آن این بود که دارای یک برنامه منظم نبود، تاکتیک قهر را به شکل توده ای پیش نبرد و آنرا به شکل مجرد در دست گرفت. از این جهت خطاهای زیادی در این دوره صورت گرفت که ما آنها را به عنوان انحرافات رد می کنیم. این را هم باید بگویم که ما حرکات آن دوره را یک ماجراجویی خرده بورژوازی به حساب نمی آوریم و دلایل آن هم از این فراتر است.

۱- ما این قهر جدا از توده را به صورت یک سیستم در نیاورده و مورد قبول قرار ندادیم.  
۲- ما این شکل مبارزه را از انحرافات گوناگون چپ در داخل جنبش کمونیستی ترکیه به حساب می آوریم و آن را به عنوان یک دوره جبری و اجتناب ناپذیر، برای از سر گذراندن یک دوره تاریخی مبارزاتی در ترکیه بررسی می کنیم. در عین حال ما قصد تعمیم آن را نداریم و نمی گوئیم که تمام جنبش های انقلابی جهان حتما باید یک چنین دوره ای را از سر بگذرانند.  
سؤال- در مورد برخی نقطه نظرهای نا درست در زمینه شیوه مبارزه سخن گفتیم. مسئله ای که برای ما مطرح است، این است که در این نقطه نظرها، در رابطه با مبارزه ای که با اکتون میسم حاکم بر جنبش کمونیستی پیش از پیدایش سازمان شما در جریان بود، چه تأثیراتی بر جا گذاشت؟  
در مجموع فکر می کنید که در این بخش از نقطه نظرهای گذشته، مواضع شما را در برابر اپورتونیسیم راست، تقویت کرده است، یا نه؟

جواب- ما در حالیکه گذشته خود را بررسی می کردیم، ضربه ای نیز به انحرافات راست موجود در جنبش کمونیستی وارد آوردیم و در حالیکه مبارزه به شکل ترور فردی را از درون مبارزات گذشته خود بیرون می کشیدیم وارد می کردیم، پاسیفیسیم راست را نیز مورد حمله قرار دادیم. این خود میثابه یک مبارزه آیدئولوژیک بود که توده ها را تحت تأثیر قرار داد. ما انحرافات چپ را نیز مورد حمله قرار دادیم و علیه آنها که مبارزه به شکل ترور فردی را سیستماتیک کرده اند، مبارزه کردیم و توده هایی را که به دنبال این ماجراجویان خرده بورژوازی به حرکت در آمده بودند، تحت تأثیر قرار دادیم.

سؤال- رفیق، شما اعمال قهری را که پس از در نظر نگرفتن گذشته و در جریان مبارزه با پاسیفیسیم راست پذیرفته آید، فکر می کنید باید چگونه به کار بگیرید؟ در پیرو سه انقلاب؟ آیا معتقدید که از هم اکنون باید خلق را مسلح کرد؟ آیا فکر می کنید که ارتش توده ای در پیرو سه یک جنگ دراز مدت تشکیل می شود شکل انقلاب را قیام می دانید یا جنگ دراز مدت توده ای؟  
جواب- ما با طرح مسئله قهر، خصلت توده ای آنرا توضیح

دادیم و تصریح کردیم که انقلاب باید قهر توده ای انجام می پذیرد. ما قهر جدا از توده را پیش از آن رد کرده بودیم. اما در مورد درک ما از قهر، به این مسئله که آیا این مبارزه مسلحانه به شکل قیام توده ای خواهد بود یا "جنگ خلق" در دراز مدت منجر به تشکیل ارتش خلق خواهد شد، بطور قطع جواب آری بانه نمی توان داد. به نظر ما و نیز همه مارکسیست-لنینیستها این تز که طبق آن جنگ دراز مدت در روستاها می گیرد و ما به وجود آمدن ارتش خلق، مبارزه با گسترش از روستاها به شهرها می تواند پرداخته شود، یک دیدگاه لنینیستی است. این تنها می تواند در کشورهای که فئودالیسم بر آنها حاکم است و امپریالیسم بطور مستقیم در آنها خالت دارد، صادق باشد. ما با این توضیح، قهر توده ای را پذیرفتیم. اما اینکه قهر توده ای به چه شکل و چگونه به کار گرفته می شود، در جریان مبارزه روشن خواهد شد. در مورد ارتش خلق و مسلح کردن توده ها باید گفتیم که فکر نمی کنیم که قبل از انقلاب باید یک ارتش خلقی کامل به وجود آید. ما معتقدیم که مبارزه با طبقاتی است و طبقات در عرصه این مبارزه طبقاتی به قهر متوسل خواهند شد برای کارآیی هر چه بیشتر این قهر، وجود یک سازمان دهی نظامی را در درون سازمان، برای مبارزه مسلحانه همراه توده ها قبول می کنیم. اما طرح آن به شکل یک ارتش خلق جدا غلط است.

سؤال- آیا اکنون شما مسلح کردن توده ها را یک وظیفه مبرم تلقی می کنید و در این زمینه و نیز در زمینه آموزش نظامی کوششی به عمل آورده اید؟

جواب- ما مسلح کردن توده ها را از امروز، جزو وظایف خود قرار نمی دهیم، ولی در درون سازمان دهی خود و تحت کنترل سازمان، هسته های مسلح را در درون کمیته ها تشکیل می دهیم. به ویژه در درون سازمان دهی کار سیاسی-تشکیلاتی، اعضای را نیز به شکلی که مسلح شوند و در موارد لازم دست به عمل نظامی بزنند، سازمان می دهیم. این سازمان ها تحت کنترل سازمان دهی سیاسی ما هستند.

سؤال- برای اینها چه مادگیهای ایجاد می کنید، تدارک شرایط لازم به عملیات نظامی دست بزنند؟

جواب- این مادگی ها بطور خلاصه از این قرار است. تحت نظر کمیته های ایالتی، نیروهای را که می توانند دست به عملیات نظامی بزنند، تربیت می کنیم. این نیروها در جهت گرد آوری و سایر کردن اسلحه و ایجاد کمیته های که از این سلاح ها استفاده کنند، اقدام می کنند و کارهای تعلیماتی این کمیته ها را به عهده می گیرند. علاوه بر این ما به توده ها و سمپاتی های خود نیز این ایده را می دهیم که مسلح شوند.

سؤال- شما به نفوذ در ارتش دولتی و نیروهای مسلح چقدر بها می دهید؟ نقش آنرا در انقلاب چگونه ارزیابی می کنید؟

آیا برنامه ای برای این کار دارید؟  
جواب- فعالیت ما در درون ارتش دامنه وسیع ندارد. دلیلش این است که در کشورهای مثل کشور ما، فعالیت در درون ارتش و میزان پتانسیل انقلابی درون آن، با حرکات انقلابی خلق و تبدیل آن به مبارزات قهر آمیز، رشد می کند. بهترین دوره هائی که شرایط چنین فعالیتی، شکل عینی در آنها رشد می کند، دوره های انقلابی است. ما امروز فعالیت به شکل مخفی، مخفی تر و با دیسیپلین تر از سایر فعالیتها، در رابطه با افراد کاملاً مترقی و با حیثیت ارتش داریم. این فعالیت یک سازمان دهی وسیع در درون ارتش را به همراه نداشتن نمی تواند داشته باشد. زیرا اساساً رشد این فعالیتها در شرایط انقلاب ممکن می شود.

سؤال- در مورد سازمان دهی در درون ارتش و به دست گرفتن اقتدار سیاسی از این طریق چه فکر می کنید؟

جواب- ما این را غیر ممکن می دانیم و معتقدیم که یک جریان مارکسیستی نباید به این مسئله تکیه و اعتماد کند. ما می توان از این امکان جهت ایجاد نیروی برای کمک به جنبش توده ها و تقویت آن استفاده کرد. اما همچنانکه گفتیم، ایجاد چنین نیروی برای به دست گرفتن اقتدار سیاسی نمی تواند مورد توجه ما باشد.

سؤال- رفیق، در مناطقی از ایران که فعالیتها ملی یا عشایری هستند، تاکنون تشکل توده ها عموماً از کانال تسلیح آنها و تأمین سلاح برای آنها و آموزش نظامی به آنها صورت گرفته است و این امر یک اهرم نیرومند برای سازمان دهی و آموزش سیاسی (کارتلیفی-ترویجی) آنها بوده است. مناطق دیگری هم وجود دارد که سازمان دهی دهقانان مستقیماً از طریق کارتلیفی ترویجی صورت می گیرد. در ترکیه و از چه قرار است؟

جواب- سازمان دهی دهقانان ما از ابتدا با آموزش نظامی و مسلح کردن آنها پیش نرفته است. سازمان دهی دهقانان نیز فعالیتها یا تکیه بر مبارزه طبقاتی است. در آنجا کاپیتالیسیم چنان در درون ملیتها و بخصوص ملیت کرد در شد کرده است که روستائیان را در درون خود به قشرهای طبقاتی گوناگونی تقسیم کرد و ما بر اساس دیدگاه خود نسبت به مسئله دهقانان، با قشر فقیر روستائیان که متفق اساسی ما هستند، بر اساس مبارزه طبقاتی، رابطه برقرار کرده ایم و آنها را به تشکیلات سیاسی جذب می کنیم. یا تکیه بر این تشکیلات سیاسی که بین آنان به وجود آورده ایم، سایر دهقانان خرده بورژوازی و بخشی از دهقانان متوسط را سازمان می دهیم. ما استدعا کردیم که دهقانان شدم، این سیاست را نیز پیش گرفته بودیم که با تکیه بر دهقانان فقیر و سایر نیروهای منفق، عناصر ضد انقلابی روستاها را به طرق گوناگون تصفیه کنیم و کاری کنیم که از روستا کوچ کنند و یا در آنجا مفرد شوند. علاوه بر این روشی است که دهقانان مسلح نیز می شدند و کار آنها را بر کردن سلاحها، خواصا خواه در روستاها پیش می رفت.

ادامه دارد

## سرپرست رادیو-تلویزیون

می خواهد خود را انقلابی... بقیه از صفحه ۱۶

این عناصر مزدور و خواش به خلق همچنان در قدرت باقی بمانند. قطب زاده نیز با تمام خدعه ها و نیرنگ هائی که به کار می گیرد هیچگاه نمی تواند چهره واقعی خود را پنهان نگه دارد. او در نطق "غرائی" که شب پنجشنبه اول آذرماه از فرستنده دوم رادیو بخش شد گفته است:

کونی رادیو-تلویزیون ایشان را پیدائنی کند  
او در این سخنرانی همچنین ادعای کند

"بسیاری خواستند اینجاست انحصار یک دسته یا دسته دیگر باشد... دستجات دیگر حتی بنام اسلام خواستند این بلارابر سر ما بیاورند و هنوز هم بعضی از آن ها ول نمی کنند یا ورنگرند وقتی ما اعلام کردیم با هرگونه انحصار طلبی از هر نقطه ای که باشد با هر گونه دسته بندی باند سازی در این سازمان مخالفت می کنیم." هر آدمی که حتی بکار به "سمای" جمهوری اسلامی نظر انداخته باشد، از این همه شکسته نفسی ایشان شرمند می شود. واقعاً که سرپرست رادیو تلویزیون درست می گوید! او با هرگونه دسته بندی و باند سازی مخالف است! کاملاً هم درست می گوید!

کارنامه هشت ماهه رادیو-تلویزیون و مجموع برنامه های ضد مردمی آن نیز که جز در خدمت باند او و چمران نبوده است همه در نهایت مدعای آنها باشد!

"برای قضاوت درباره کار تلویزیون باید دید که این رادیو تلویزیون در آن روزهای حساس بعد از انقلاب در آن روزها هر کلماتش، حملاتش، اعلامیه هایش بیانیهاش... چه نقشی داشت." سرپرست رادیو تلویزیون گویند فراموش کرده است که اولاً رادیو-تلویزیون در آن روزها توسط شورای مؤسسه تلویزیون اداره می شد و هیچ زبانی پدایشان و تیغ سانسور ایشان نداشت. و او هنوز نتوانسته بود سابه شوم خود را بر تلویزیون تحمیل کند. در تانی همین روزهای پرشکوه شاید بشود گفت که تنها روزهای بود که مردم رادیو تلویزیون را با اشتیاق و علاقمندی می دیدند و می شنیدند و این نیز بطی به برنامه های

قضاوت در این باره با مردم ایران است. اما به تریب بود سرپرست رادیو-تلویزیون برای اثبات ادعای توخالی خود لااقل در شرایطی که این عوام فریبی ها را راه انداخته است. تبلیغات مغرضانه خود را به نفع باند چمران و سازمان ارتجاعی امل عقب می انداخت و درست فردای همان روزی که این چنین با آب و تاب از باند بازی و زدوبند صحبت می کند، ساعات متعددی از وقت رادیو را به تعریف و تمجید از سازمانی که نقش کثیف و ارتجاعی خود را در خیانت به خلق فلسطین و قاچاق تل زعفران ساختن اختصاص نمی داد!

نمونه دیگری از مخالفت سرپرست رادیو-تلویزیون با باند بازی و انحصار طلبی و یا بهتر بگوئیم نمونه "دشمنی" او با امپریالیسم اطلاعاتی است که شورای مؤسسه اتحادیه کارکنان رادیو-تلویزیون در تاریخ ۸ آبان ماه جاری جهت آگاهی مردم ایران منتشر ساختند.

ما در اینجا متن اطلاعیه را چاپ می کنیم، تا مردم ایران ببینند سرپرست رادیو-تلویزیون تا چه حد نسبت به جلوگیری از باند بازی برای پیشبرد اهداف امپریالیستها مومنین صادق است.

**اطلاعیه**  
شماره: ۱۰۸۰ ب  
تاریخ: ۵/۸/۵۸  
امروز هم کارکنان رادیو-تلویزیون برای چندمین بار به دست ارزان نشان دادند که دشمن در برابر خلق قهرمان ایران و انقلاب خونین آنها است. با این وزیر «هیئت حاکمه در لول» ۸ ماه گذشته که بر مسئولیت نداشتند. کارکنان را مسکوت گذاشتند و از سوی امپریالیسم ارتجاعی به اطلاعیه ایمل طلبهای ایران لاله برزیدند. و آنرا به بیراهه کشیدند. از جمله آنها ستوان عد و لغو قرارداد های نالی دو جانبه ایران و آمریکا و عدم و اتمام هر گونه اقدام رسمی در زمینه استرداد شاه خائن را بر سر شمرند. علاوه بر آن هر عملی را هم که دنبال شد در ایران در جهت انجام این گونه امور صورت بگیرد بخالی که قذافیان نام نوشته را بر آن نهادند عقیم نگذاشتند. ما به نوبه ای از آنها اشاره کنیم. با امپریالیستهای او کردیم. دستور کارکنان مسکوت نمانندند. در جهت استرداد از سلاح نشت بخیران توسعه برای باز پس گرفتن شاه خائن از آمریکا منتشر شد. در خیران در روز جمعه ۵/۸/۵۸ و توسط تلویزیون آشکارا و علنی در برابر خلق ایران امپریالیسم ارتجاعی مسکوت گذاشتند. در این راستا، ما است. قرار داده است این حرکت ضد انقلابی را اتمام حرکت. متن خبر چنین است:

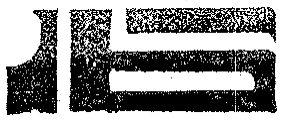
واحد سرکزی ششم ۵۸/۱۷۰ شماره ۵ ب خارجی  
چمران خمین کزازی انرا تبه  
بیتدیگان کارمندان هرکند مانع نمند ایران امروزی با ایشمار اعلامیه  
محمید کرد در صورتیکه یاد نگین شاه سابق را موصول ایران نمند  
بر ایشمار نمند به ایالات متحده را قلع شومد کن.  
در این اعلامیه خاطر نشان شده است که اگر دولت ایران اقدامات  
موصوفی در این مورد بعمل نیاورد و با اگر مقامات امریکائی به این  
درخواست موافقت نکنند کارمندان هرکند با ایشمار نمند به ایالات متحده  
مخالفت نمند و در نهد.  
۱۰/۵

در شرایطی که رهبر انقلاب امپریالیسم ارتجاعی را بزرگترین دشمن ملت ایران میانه و همه را به وسیله گمراه طبع حکمت آمریکا و دست نشانده گانه، فرا میخواند آنها هر یک به پیش چنین خبری از رادیو تلویزیون حمایت آنکارا از امپریالیسم ارتجاعی نیست؟ قضاوت این امر را به ملت قهرمان ایران وا میداریم.

شورای مؤسسه اتحادیه کارکنان رادیو تلویزیون



## مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش



# ما و جنبش مقاومت...

بقیه از صفحه ۱

دمکرات اینطور تبلیغ می کند که مهم آن است که "ملت" کردی بر مقدرات خود حاکم شود و زمان آن را در دست گیرد. حال آنکه برای مارکسیست ها تنها "حق تعیین سرنوشت" بلکه مهم تر از آن، این است که در این ماهیت طبقاتی این قدرت، کردی چیست و در خدمت کدام قشر و طبقه ای عمل می کند؟

بررسی جنبش "خلق کرد" بدون شناخت رابطه آن با جنبش سراسری طبقه کارگر ایران نمی تواند به نتیجه درستی منتهی گردد. در واقع چگونگی پیوند جنبش خلق کرد و جنبش سراسری طبقه کارگر عامل تعیین کننده سمت گیری مادر قبال این جنبش است. عدم وجود صف مستقل طبقه کارگر و عدم توازن میان جنبش خلق کرد و جنبش طبقه کارگر رابطه میان این دو را بسی پیچیده کرده است. گسترش سازمان ملی - طبقاتی در کردستان از یک سو جنبش توده های در سراسر کشور را تحت تاثیر خود می گیرد و به ارتقاء آگاهی طبقاتی و سیاسی طبقه کارگری می رساند و از سوی دیگر به علت عدم توازن سطح و اشکال مبارزه خلق کرد با شکل و سطح مبارزه خلق کرد با شکل و سطح مبارزه طبقاتی در سایر نقاط ایران، این جنبش تا بیرون حرسنگی خاصی یافته است. در این رابطه هرگز نباید فراموش کرد که نکته کلیدی در درک رابطه جنبش خلق کرد با جنبش سراسری طبقه کارگر در این است که جنبش سراسری طبقه کارگر باید به مثابه مینا و محور هر گونه تحول بنیادی در جامعه به حساب آید و نیز درک گردد که گسترش پیروز مند جنبش خلق کرد با چگونگی رشد و گسترش جنبش سراسری طبقه کارگر همسرو ط می شود. و تحقق کامل اهداف آن به تائید رهبری طبقه کارگر در سطح جنبش صدامیریالیستی و دمکراتیک خلق های ایران وابسته است.

در ماه های اخیر شاهد بوده ایم و شاهد هستیم که ایورتونیسیم چپ برآشفته از سرکوب و اختناق بدون درک درستی از "توان تاریخی" - طبقاتی "جنبش خلق کرد و مختصات سیاسی حاکم بر آن، بدون توجه به کیفیت رابطه جنبش مردم کردستان با جنبش طبقه کارگر، این جنبش را به مثابه اهرمی فرض می کند که باید با توسل بدان بر حاکمیت کنونی علیه نمود. آنها به کلی درکی از خودی جنبش خلق کرد ندارند و توان طبقاتی و تاریخی مشخص این جنبش را به سود تمایلات رواج یافته خود ارزیابی می کنند. هدف آنان به تلفیق آگاهی پرولتاریائی با این حرکت و منطبق ساختن آن با مسافع جنبش سراسری طبقه کارگر، بلکه به کارگیری مکانیکی آن علیه ارتجاع است. در تحلیل نهائی، اینان به مبارزه طبقاتی کارگران و نقش طبقه کارگر به مثابه اساسی ترین عامل ورودی که می باید مینای هر تحول بنیادی در جامعه قرار گیرد، اعتقاد ندارند و جنبش کنونی مقاومت خلق کرد را همان انقلاب دمکراتیک خلق های ایران می دانند.

ایورتونیسیم چپ، بدون ارزیابی مشخص از جنبش خلق کرد، مطابق خصلت عام خود که همانا آسان اندیشی و عمل گرایی است، به بیکاره همه آرزوهای خود را در چارچوب این جنبش خلاصه کرده و جنبش خلق کرد را محور مرکز ثقل تحول جنبش سراسری تصور می نماید. اینان می پندارند که جنگ مسلحانه توده های در کردستان به تنهایی و به مثابه عامل تعیین کننده، به مقصد مطلوب آنان منتهی می شود و از این که آرزوهای خود را به اینگونه نزدیک می پندارند، کورگانه به شور و شوق آمده و بدون پابندی به قانونمندی های تحول تاریخی در پهنه پرتلاطم حوادث به جست و خیز می پردازند حرکاتی شتاب زده به راه می اندازند و در موقعیت خطر کنونی لطمات جدی بر سر قانونمندی و منطقی پیرویه تحول جنبش خلق کرد و بخصوص جنبش کارگری و کمونیستی ایران وارد می آورند.

ایورتونیسیم راست به سرکردگی حزب توده یا بهترین رژیم این شیفتگان نفوذ در ماشین حکومتی و این محیز گویان باید ترین و مودبانه ترین تبلیغات علیه سازمان های سیاسی خلق کرد بدون کوچکترین حمایتی از جنبش مقاومت خلق کرد این بار نیز می گویند یا رخنه در آن بزرگترین ضربه را به جنبش خلق کرد وارد آورند.

حزب توده یک بار برای همیشه پس از قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ به جبران خطاهای پیش از آن مسئله رهبری جنبش را به نفع خرده بورژوازی و بورژوازی حل کرده است. تئوری راه رشد غیر سرمایه داری حاکمیت موجود را به مثابه تنها امکان تحقق اهداف تاریخی جنبش دمکراتیک و رهائی بخش خلق های ایران توجیه نموده و آن را مجدداً به دسالتهای مطلق و املی دارد.

توده ای ها مطابق همین تئوری تصور می کنند یگانگی در سالشتان همانا مقابله با جنبش توده ای برای تحکیم حاکمیت موجود است. تئوری راه رشد غیر سرمایه داری یک مسئله را برای آنان حل نمود و آن هم عدم ضرورت رهبری پرولتاریا در تحقق سوسیالیسم است. مطابق این تئوری، تنها تضمین واقعی رشد و اعتدالی جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده ها، یعنی کوشش پیگیر و بی وقفه به منظور آگاه ساختن کارگران و زحمتکشان به مسافع طبقاتی خود و ترسیم خط مرز روشن بین دوستان و دشمنان انقلاب فعالیتی "فدائیلایی" و "ماحراجویانه" است. جنبش خلق کرد نیز در نظر توده ای ها تنها از فماش همین مقولات بلکه منفی ترین آنهاست

حزب مدعی است که سالیان سال است که از حق خود مختاری اداری و فرهنگی خلق کرد دفاع کرده است. اما هرگز تو نمی دهد که در شرایط تاریخی مشخصی که اکنون در آن قرار داریم، در شرایط گسترش وسیع جنگ توده ای و در شرایطی که توده ها در کمال قدرت در میدان نبرد هستند، چرا باید هیچ حرفی از منافع طبقاتی کارگران و دهقانان کرد در بین یا شد و چرا نباید حق ملی متناسب با خواست رنجبران مفهوم باید؟ توده های آنها این مسائل مشخص را سکوت می گذارند و دیرکل آنان به لطایف الحیل می گویند بی سبب و ازات خلق طلبانه خلق کرد "مهر" امپریالیستی و صهیونیستی\* زنده و اذهان توده ها را نسبت به آنچه که در کردستان می گذرد، مخدوش سازد و آیان راهمچنان در ابهام و تاریکی نگاه دارد. به نظر توده ای ها حرف حق همان چیزی است که حکومت را اداره می کند و به آن چیزی که "خلق کرد" طالب آن است. آنها حداقل آن چهار که بورژوازی می تواند اهداء کند به مثابه وعده ای آسمانی به مردم نشان می دهند و به نظر او واقع نگری یعنی جنبه سائسی در مقابل صاحبان قدرت و تمکین محض به آنچه که توسط حکومت اهداء می شود. ایورتونیسیم حزب توده نه تنها نمی کوشد تا خواست های طبقاتی رنجبران را مینای طرح خواست های ملی قرار دهد بلکه پیوسته سعی دارد که خواست های ملی را مبتنی بر حداقل ظرفیت حاکمیت موجود برای تحقق آن ها تنظیم و ارائه نماید.

توده ای ها همچون سختگویان تمام عیار بورژوازی مصادم از مختاریت اداری و فرهنگی مردم کردستان سخن می گویند و این را به مثابه ادای دین دو جانبه خود در قبال خلق کرد و حاکمیت پیوسته مورد تاکید قرار می دهند و می گویند تا از این طریق به نفع خود و در جهت منفرد ساختن سازمان های انقلابی که از منافع ملی و طبقاتی زحمتکشان کرد دفاع می کنند، بهره گیرند. چرا آنها کلامی بالاتر از مختاریت اداری و فرهنگی مردم کردستان نمی گویند؟ مقدم ترین دلایلشان این است که آنان مانند منشویکهای روسیه در اوایلین دهه قرن بیست با این اعتقاد دلنشین که می گفت:

"رسالت تاریخی بورژوازی به سر آمده است"

به منازعه می پرداختند و آن را مورد انکار قرار می دادند، منشویکهای وطنی یعنی توده ای ها، در دهه ۷۰ قرن بیستم، در شرایطی که در چهار گوشه جهان سوسیالیسم استقرار یافته است، هنوز بر اعتقادات منشویکهای روسیه و دشمنان "لنین" پای می فشارند و جالب این است که با نام "لنین" این اعتقاد ضد لنینی خود را تبلیغ و ترویج می کنند جدا از این علت مواضعی که توده ای ها دارند، مخالفت جدی آنها با تسلیح توده ها است. آنان تاکنون در باره مسئله خلق سلاح که دولت بر آن اصرار دارد، هیچ موضع مشخص و روشنی اعلام نکرده اند. آنها در مورد کردستان این مسئله بسیار اهمیت را مسکوت می گذارند که تسلیح توده ای در کردستان یک واقعیت است و هر گونه صلح پایداری در کردستان باید متضمن به رسمیت شناختن ارگان های خود مختار مسلح توده ای باشد که طبق طرح صلح کردستان می باید مسئولیت حفظ انتظامات داخلی منطقه کردنشین کشور را بر عهده گیرند. این است دلیل آن که توده ای ها حاضر نیستند سخنی بیش از مختاریت اداری و فرهنگی بر زبان رانند و ذره ای از جایگاه بورژوازی تمام عیار فراتر روند. توده ای های پیش از طیف های مختلف بورژوازی و بیشتر از خرده بورژوازی از تسلیح توده ها در هر اسند و با تمام نیرو می کوشند از چنین تسلیحی جلوگیری کنند توده ای ها بنا بر ماهیت طبقاتی شان در خدمت به خرده بورژوازی سنگ تمام می گذارند و ذره ای فراتر از مختاریت اداری و فرهنگی سخن نمی رانند.

ما اعتقاد داریم که پرولتاریا در جنبش ملی شرکت می کند، نه با این هدف که مرزهای ملی را استحکام بخشد و تنها می طبقات را تحت لفافه ملیت گرد آورد، او همه کوشش خود را بر آن مبدول می دارد که از طریق شرکت در جنبش ملی، پیوندهای استواری بین زحمتکشان ملیت های مختلف پدید آورد و بیشترین منافع را نصیب زحمتکشان نماید. منافع پرولتاریا ایجاب می کند که علیه هر گونه ستم ملی، به هر شکل و تحت هر عنوان با تمام نیرو به مخالفت برخیزد و این من مخالفت خود را نه با شعارهای تو خالی و قطعنامه های پرطمطراق بلکه با شرکت فعال و عملی در جهت قطع هر گونه ستم ملی متجلی می کند. به این علت است که اصل "حق حاکمیت ملل بر سرنوشت خویش" بدون چون و چرا توسط پرولتاریا پذیرفته می شود و نام انرژی خود را در جهت تامین و تحقق این اصل به کار می برد.

پرولتاریا با احیای فعالیت و عملی از این اصل، راه را به سوی آرمان سوسیالیسم هموار می کند. بنابراین شکی نیست که در برابر چگونگی تحقق آن بی تفاوت نخواهد نشست و با شیوه های بورژوائی تنگ نظرانه به شدت مبارزه خواهد نمود و به همین علت است که همواره در برابر کمونیست ها این امر حیاتی قرار دارد که چگونه مسئله ملی را پاسخ دهند تا بیشترین منافع را نصیب رنجبران کنند و از اینجا است که طرح مشخص مسئله ملی در برابر آنان قرار می گیرد و با استفاده از همه توده های جهان شمول "م - ل" بگانه طریق طرح صحیح قضیه را در مطالعه عمیق شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی محیط بر هر ملیت در مکان و زمان مشخص جستجو می کند.

\* - به مصاحبه دیرکل حزب توده که در تاریخ چهارشنبه چهارم مهر ماه صورت گرفت مراجعه کنید.

# اعتصاب کارگران

## کارخانه آجر ماشینی

## کجا آباد آذربایجان

یکصدوسی نفر از کارگران فنی و دائم کارخانه آجر ماشینی آذربایجان واقع در کجا آباد از روز شنبه ۵ آبان ماه ۵۸ دست به اعتصاب زد و از خروج آجر از کارخانه جلوگیری می نمایند. کارگران آجر ماشینی توکلی نیز به حمایت از کارگران کارخانه آذربایجان آجر بیرون نمی دهند. علت اعتصاب کارگران بر آورده نشدن خواسته هایشان می باشد. کارگران چند ماه پیش طی اعتصابی خواست های خود را مطرح می کنند که تا این زمان بدون جواب مانده بود. آنها نسبت به این مسئله اعتراض کرده و دست به تحصن می زنند. همچنین کارگران خواستار صدور فاکتور از طرف کارفرما هستند. آنها می گویند "دستمزد ما از روی بدون صدور فاکتور آجر را گران می فروشد و ولی به دستمزد ها اضافه نمی کند". از طرف کمیته اسلامی ماوران برای جلب رهبران اعتصاب که نمایندگان واقعی کارگران می باشند به کارخانه می آیند ولی کارگران مانع از دستگیری نمایندگان خود توسط ماوران کمیته می شوند و می گویند "اگر می خواهید آنها را دستگیر کنید ما را هم باید دستگیر کنید. زیرا آنها همان چیزی را می گویند که ما می خواهیم".

# حیله های کارفرما

## برای ندادن سود ویژه به کارگران

کارخانه های بلا - جم - بهیوش

در پی عفا ندادن حقوق کارگران و سرگردان کردن کارگران توسط کارفرما که می گفت بودجه نداریم قسمت حم از روز شنبه ۲۳ مهر ماه ۵۸ دست به اعتصاب زده و خواستار پرداخت حقوق خود شدند. کارگران پس از سه روز اعتصاب موفق شدند که حقوق خود را بگیرند. اما کارفرما برای گول زدن کارگران مبنی بر این که این پول را به زحمت گیر آورده ایم، از هر کارگری مبلغ ۱۰۰ تومان کسر کرد تا به اصطلاح چرخ کارخانه را به کار بندازد. اما کارگران به خوبی می دانند که این سرمایه داران دزد میلیون میلیون شرمه کار کارگران را به حبس می زنند. به خوبی آگاهند که این دردان این چنین دوز و کلک ها را سوار می کنند تا اگر کارگران خواست های خود را مثل سود ویژه مطرح کردند بگویند پول نداریم. مگر ندیدید که از هر کدام از شما چند تومان قرض کردیم؟ کارگران کارخانجات بلا هم خواستار پرداخت هر چه سریعتر سود ویژه شدند.

# همگامی با نهضت مقاومت خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است

# طرح سازمان چریکهای فدائی خلق ایران «شاخه کردستان» برای صلح عادلانه در کردستان

پس از سه ماه واندی که از جنگ خونین کردستان می گذرد، حاکمیت دیگر دریافت است که با زور سرنگونه قادر نخواهد بود آزادی ها و حقوق دمکراتیک خلق رزمندهای راکه به پا خاسته است سلب نماید. این است که فعلا سیاست جنگی خود را کنار نهاده، نیروهایش را عقب کشیده و ظاهرا می خواهد با بهره سمیت شناختن حق خود مختاری خلق کرد، به این جنگ پایان بدهد. خلق کرد نیز با وجود همه دردها و تالماتی که از این جنگ نصیب شده و با وجود همه زبانی هائی که دیده است، هر چند هنوز به این سیاست صلح جو یا نه حاکمیت، نه دیده

## بدون تامین آزادی های دمکراتیک در سراسر ایران خود مختاری خلقها تحقق نخواهد یافت

خلق کرد ضمن این که به خاطر پیشبرد یک صلح دمکراتیک از هیچ کوششی باز نخواهد ایستاد، همچنین به هیچ نیرویی اجازه نخواهد داد که در چنین مذاکراتی اهداف و خواستههای او را نادیده بگیرد.

سازمان چریکهای فدائی خلق شاخه کردستان همچنین اعلام می دارد که به خاطر دفاع اصولی و پیگیر از منافع توده های مبارز و در جهت وصول به صلح دمکراتیک خواهان مذاکره با هیئت نمایندگی رسمی از سوی دولت بوده و جدا خواهان آن است که تمام نیروهای

تردید می نگرد. اما از آنجا که از ابتدا نیز خواهان جنگ نبوده و همواره بر روی راه حل های سالم آمیز مسائل ملی تاکید داشت، از مذاکره با دولت برای دستیابی یک صلح دمکراتیک استقبال کرد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شاخه کردستان نیز بنا بر اراده توده ها، همراه با سایر سازمان های سیاسی درگیر در جنگ آمادگی خود را در این مذاکرات اعلام داشت و طرح پیشنهادی خود را برای رسیدن به یک صلح دمکراتیک طی بیانیهای در تاریخ ۱۸ آبان ماه گذشته به دولت ارائه داد. در مقدمه این طرح آمده است: خلق کرد همانگونه که نشان داده است، پیش از آغاز جنگ، برای تحقق خواست های عادلانه خود از راه مذاکره، آمادگی کامل داشت. مذاکرات متعددی که عمدتا بر اساس قطعنامه های ۸ ماده ای مهیا بود و سندج صورت گرفته بود، نشان دهنده این واقعیت بود که خلق کرد خواهان رسیدن به مطالبات برحق خویش در فضای تفاهم و دوستی است. همه می دانند، این خلق، کرد نبود که جنگ را آغاز کرد، بلکه این حاکمیت بود که تم خواست و نمی توانست خود مختاری خلق کرد را بپذیرد. حاکمیت برای پامال کردن حقوق دمکراتیک خلق کرد جنگ را انتخاب کرده بود.

تحلیل چنین جنگی خلق کرد را بر آن داشت تا مصممانه و قاطعانه برای برقراری یک صلح عادلانه به مقابله با جنگ افروزان برخیزد و در پاسخ به یورش های تجاوزگرانه جنگ طلبان، مقاومت نماید.

جنبش مقاومت که حمایت بی دریغ و همه جانبه توده های شهر و روستا را با خود داشت، خیلی زود شکل گرفت و پاسخی دندان شکنی به همه آبهایی داد که تصور می کردند، به حای محترم شمردن حقوق خلق های توانمند از طریق زور و توسل حستن به ارباب و سرکوب خلق های مبارز جای خود نشانند.

امروز سد شکست ناپذیر جنبش

را که خواهد دست به چنین اقداماتی بزند از پیش محکوم کرده و صراحتا اقدامات آن را مردود می شماریم.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با اعتقاد بر این که تا مین حق خود مختاری خلق کرد را در شرایط تاریخی کنونی در جهت وصول به حق تعیین سرنوشت خلقها تلقی می کند و با نگاه بر این که تا مین خود مختاری کردستان به دست شوراهای مردمی می تواند دمکراتیک ترین ساخت سیاسی ممکن و عملی در مقطع کنونی به حساب آید، جهت وحدت عمل با سایر نیروهای ملی و مترقی از تحقق خواسته های ذیل در مذاکرات دفاع نموده و حاضر است به مثابه یکی از سازمان های سیاسی پیشرو و فعال موجود در کردستان در مذاکرات فی مابین هیئت نمایندگی خلق کرد با هیئت نمایندگی دولت شرکت نماید.

۱- تامین خود مختاری اقتصادی سیاسی و فرهنگی در چارچوب تمامیت ارضی ایران، از طریق تشکیل شورای عالی خلق کرد بر پایه نظام شوراهای به رسمیت شناختن این شورا به عنوان عالی ترین ارگان در کردستان ایران از سوی دولت.

الف - نحوه تصمیم گیری های مربوط به امور سیاست خارجی و دارایی و بودجه و برنامه ریزی عمومی اقتصادی کشور و دفاع ملی که در محدوده اختیارات حکومت

خود مختاری در کردستان تحقق خواهد یافت. خلق کرد بدین تجربه دریافت است که نمی تواند در کردستان از حق خود مختاری کامل برخوردار باشد در حالی که در سایر نقاط ایران، سایر خلق ها از حقوق ابتدایی و اساسی خود محروم باشند. خلق کرد در طول مبارزات طولانی خود به خوبی به این واقعیت پی برده است که نمی تواند خود مختار باشد. در شرایطی که آزادی احزاب، سازمان ها و گروه های سیاسی ملی و مترقی، آزادی عقیده، مرام و مذهب و آزادی مطبوعات در سراسر کشور مورد تعرض قرار گرفته باشد، خلق کرد دریافت است که رژیم که آزادی های مردم را در سراسر ایران پامال کند، مسلما حق خود مختاری وی را نیز تحمل نخواهد کرد. از این رو تا مین و تضمین آزادی های دمکراتیک در سراسر ایران امری الزامی است. تنها در این صورت است که خود مختاری خلق کرد تضمین واقعی خواهد یافت و زمینه برای وحدت انقلابی خلق های ستم دیده ایران هر چه بیشتر فراهم خواهد شد.

### درباره پیش شرطهای آغاز مذاکره

\* سازمان چریکهای فدائی خلق شاخه کردستان برای آغاز مذاکرات با هیئت اعزامی دولت و اثبات حسن نیت مورد ادعای این هیئت و به خاطر ایجاد فضای مناسب پیش شرطهایی به شرح زیر قائل شده است:

- ۱- پذیرش اصل خود مختاری کردستان از سوی دولت.
- ۲- پذیرش هیئت نمایندگی خلق کرد مرکب از همه نیروهای سهم در جنبش مقاومت خلق کرد به ریاست شیخ عزالدین حسینی.
- ۳- انحلال سپاه پاسداران در کردستان.
- ۴- خلع سلاح مزدوران محلی فتوئال ها و قیاده موقت.
- ۵- آزادی فوری زندانیان سیاسی، اسرای جنگی و لغو حکم تبعید مبارزان کرد.
- ۶- خود داری از هرگونه نقل و انتقالات نظامی و تجدید نیروهای ارتش در کردستان به سطح قبل از یورش.
- ۷- تقبل جبران خسارت مالی و معنوی ناشی از جنگ اخیر و تحلیل از شهدای خلق کرد.
- ۸- پخش و انتشار طرح خود مختاری هیئت نمایندگی خلق کرد از طریق رادیو و تلویزیون جهت اطلاع مردم ایران.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان  
۱۸ آبان ماه ۵۸

**سازمان چریکهای فدائی خلق شاخه کردستان اعلام داشت که بخاطر دفاع اصولی و پیگیر از منافع توده های مبارز و در جهت حصول به صلح دمکراتیک خواهان مذاکره با هیئت نمایندگی رسمی دولت بوده و خواهان آن است که تمام نیروهای سیاسی فعال و شخصیت های ملی و مترقی، وحدت عمل خود را در امر شرکت در مذاکرات حفظ نمایند.**

مرکزی می باشد، طبعاً چنان خواهد بود که نمایندگان خلق کرد در تصمیم گیری های مزبور فعالانسه شرکت داشته باشند. اجزای هر ترنه تصمیم در این زمینه بر عهده شورای عالی خلق کرد خواهد بود. در سایر امور خلق کرد مستقلا از طریق ارگان های داخلی خویش که شکل شورایی خواهد داشت، تصمیم خواهد گرفت.

ب: شورای عالی خلق کرد عالی ترین ارگان تصمیم گیرنده در کردستان خود مختار است. اعضای این شورا به وسیله شوراهای شهرها و اتحادیه های دهقانی که بر پایه شوراهای همه اقشار و طبقات مردمی یعنی کارگران، دهقانان، اصناف و بازاریان، پیشه وران، کارمندان و فرهنگیان متشکل در مراکز

سیاسی فعال و شخصیت های ملی و مترقی، وحدت عمل خود را هم در امر شرکت در مذاکرات و هم در طول مذاکرات حفظ نمایند.

تنها آن توافق کننده ملی و اجرائی خواهد داشت و مسئولیت مقبولیت عامه توده مردم قرار خواهد گرفت که در جریان مذاکراتی بدست آید که همه نیروهای سهم در جنبش مقاومت خلق کرد فعالانسه در آن شرکت داشته باشند و از طرف دیگر به همه نیروهای فعال در جنبش مقاومت خلق کرد هشدار می دهیم که از توسل شدن به هرگونه سیاست تک روی و انحصار طلبی جدا خود داری کرده و توجه کنند که اتحاد چنین سیاست هایی نتیجه ای جز وارد کردن آسیب های حادی به صلح خلق کرده منافع همه خلق های ایران نخواهد داشت و اعلام می داریم که ما نه توده خود هر نیرویی

## حق تعیین سرنوشت خلقها ضامن وحدت و یکپارچگی است



### بقیه از صفحه ۱۶

## به دعوت دانشجویان پیشگام...

نماز جماعت گروه‌های اسلامی در یکی از خیابان‌های نزدیک سفارت پس از قرائت قطعنامه سه سازمان دانشجویان پیشگام، به راهپیمایی و تظاهرات خود پایان دادند. در قطعنامه آمده است:

اتحاد پیکارجویان کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست علیه امپریالیسم امریکا و تلاش برای افشای و طرد سازشکاران و فشیونی از صف نیروهای انقلاب به امری حیاتی و میرم برای ادامه پیروزمندانسه انقلاب بدل گشته است.

رئوس نکاتی که دانشجویان پیشگام در قطعنامه خود در ۸ ماده مطرح کرده‌اند به قرار زیر است:

۱- استرداد شاه مخلوع و خائن و محاکمه و اعدام او در دادگاه خلق.

۲- قطع کامل وابستگی به امپریالیسم امریکا از طریق نابودی کلیه روابط ظالمانه اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی... و مصادره کلیه سرمایه‌های امپریالیستی وابسته به آن.

۳- ایجاد شوراهای واقعی سربازان، درجه‌داران و افسران جزء به عنوان اقدامی ضد امپریالیستی، اخراج مزدوران و سرسپردگان وابسته به امپریالیسم

و کلیه مستشاران کشورهای امپریالیستی در درون ارتش و لغو کلیه قراردادهای اسارت بسار نظامی.

۴- تأکید روی تفکیک ناپذیر بودن مبارزه ضدامپریالیستی از مبارزه برای تأمین آزادی‌های دمکراتیک - تأکید روی این مسئله که حق خودمختاری خلق هر کس در چارچوب آزادی آزاد و دمکراتیک خواست زحمتکشان بوده، و سرکوبی خلق‌ها تنها به سود امپریالیسم و ارگان‌های وابسته به آن خواهد بود.

۵- مبارزه علیه حرکت‌های عوام‌فریبانه بورژوازی که سعی در به انحراف کشاندن مبارزه ضدامپریالیستی دارد و همچنین مبارزه علیه فشیونی که می‌خواهند با تکیه بر تمایلات ضدامپریالیستی کارگران و زحمتکشان مبارزه آنان را در جهت منافع خود سازمان دهند.

۶- محکوم کردن سازشکاران و فرصت‌طلبانی که به نام "مردم علیه مردم" و به نام "توده علیه توده" و به نام طبقه کارگر علیه طبقه کارگر، گرایش‌های فشیونی را الاپوشانی کرده و عملاً مبارزه ضدامپریالیستی و دمکراتیک توده‌ها را تضعیف می‌نمایند.

۷- محکوم کردن توطئه‌های رنکارنگ امریکا و تحت فشار قرار دادن دانشجویان مبارز ایرانی در خارج از کشور.

۸- محکوم کردن توطئه‌های امپریالیسم امریکا در جهت منافع خود و سرکوبی کارگران و دیگر زحمتکشان بعنوان نیروی عمده انقلاب در کلیه حرکت‌های ضدامپریالیستی - ضد ارتجاعی خلق اشاره کردند.

از صلی دمکراتیک دفاع می‌کنیم که در چارچوب تمامیت ایران، حق خودمختاری خلق کرد در برپا به شوراها و انقلابی کارگران، دهقانان... رابه رسمیت بشناسد ما خواستار صلی هستیم که حقوق و منافع زحمتکشان کرد در آن تأمین کند.

در قسمت دیگری از این پیام ضمن اشاره به شکست امریکا در ویتنام تأکید شده است که:

"اراده زحمتکشان کوبنده تر از آن و امپریالیسم امریکا درمانده تر از آن است که از اندیشه تکرار جنگ ویتنام برخوردار نرزد." در پایان در مورد عملکورد فرصت طلبان و سازشکاران هشدار داده شده است.

۹- ریب برمه حساس از زمان هرگز فرصت ندهیم فرصت طلبان دنیا را با تبلیغات و عوام‌فریبی سمت‌گیری تاریخی مبارزه توده‌ها و ماهیت جناح‌های درگیر در عرصه مبارزه طبقات را در گرونگه جلوه دهند و نیروهای انقلاب را از سنگر لیبرالی در رکاب ارتجاع به دنباله روی از رویدادها و نیروهای دیگر بکشانند.

۱۰- کارگران پیشرو نیز در پیامی بنا تحلیل از مبارزات ضدامپریالیستی خلق به اهمیت شرکت وسیع کارگران و دیگر زحمتکشان بعنوان نیروی عمده انقلاب در کلیه حرکت‌های ضدامپریالیستی - ضد ارتجاعی خلق اشاره کردند.

۱۱- سازمان‌ها و جمعیت‌های سیاسی گوناگون نیز پیام‌هایی به عنوان همبستگی با این گرد همائی فرستاده بودند.

۱۲- در ضمن سازمان دانشجویان پیشگام با ابراز تاسف از فاجعه زلزله خراسان، درخواست کرد که برای ارسال کمک به زلزله زدگان به دفاتر این سازمان مراجعه شود.

۱۳- در این گرد همائی همچنین، انتشار "کار" ویژه "تسخیر سفارت امریکا" که به دانشجویان مبارز مستقر در سفارت امریکا تقدیم شده است، اعلام گردید.

۱۴- در پایان این گرد همائی، شرکت‌کنندگان با صفوف منظم و فشرده در حالی که پلاکاردهائی همراه داشتند با دادن شعارهای ضدامپریالیستی، ضمن محکوم نمودن هرگونه سازشکاری در تیرد با امپریالیسم امریکا، دانشکده پلی تکنیک راترک کرده از مسیر خیابان‌های حافظ و انقلاب به طرف مرکز جاسوسی امریکا راهپیمایی کردند. هنگام شروع راهپیمایی در جلودر اصلنی پلی تکنیک، در حالی که جمعیت شعاری دادند "خلق ما می‌رزمد، امریکا می‌لرزد" دسته‌ای از عناصر معلوم الحال قصد اخلاخل داشتند که توطئه آنها با هوشیاری دانشجویان پیشگام و کارگران پیشرو که انتظامات راهپیمایی را برعهده داشتند خنثی شد.

۱۵- در طول مسیر راهپیمائی بسیاری از مردمی که در دو طرف خیابان بودند به راهپیمایان پیوسته هم صدا با آنان، شعارهای ضدامپریالیستی و ضد سازشکاری می‌دادند.

۱۶- راهپیمایان که در این زمان تعدادشان به بیش از یک صد هزار نفر رسیده بود، به علت تراکم جمعیت در مقابل سفارت سابق امریکا در خیابان طالقانی و نیز به دلیل هم‌زمانی رسیدنشان به نزدیکی سفارت با شروع مراسم

## طرح مشترک صلیت نمایندگی خلق کرد

خلق قهرمان کرد از هیئت نمایندگی خود و طرح مسئله صلیت آن یکپارچه پشتیبانی می‌کند.

نماینده تراشی برای اوراندارد. چنین برخورد‌هایی به ادا مسه مذاکرات صلیت که خواست تمام خلق‌های ایران است لطمات جدی وارد خواهد ساخت.

اعتراض وسیع مردم کردستان به سخنان اخیر آیت الله منتظری و گفته‌های هاشم صباغیان و پاسخ مثبت و یکپارچه خلق کرد به دعوت هیئت نمایندگی خلق کرد در مورد برگزاری راهپیمائی سراسری در کردستان در روز سه شنبه ۴ آذرماه به پشتیبانی از هیئت نمایندگی خلق کرد و طرح صلیت آن نشان می‌دهد که نمایندگی واقعی خلق کرد چه کسانی هستند و تنها از طریق مذاکره با آنهاست که صلحی عادلانه در کردستان استقرار خواهد ساخت.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (شاخه کردستان)

می‌کند. نیروهای مخالف صلح در کردستان تلاش می‌کنند، سیاست تفرقه افکنانه خود را بر فضایی موجود حاکم گردانند، آنها کوشش می‌کنند سیاست مذاکره جداگانه را پیاده کنند و بر روحیه تفاهم و نزدیکی که در اعضای هیئت نمایندگی خلق کرد وجود دارد، آسیب رسانده و آن را از بین ببرند. ما این سیاست را شدیداً محکوم می‌کنیم و معتقدیم که هوشیاری هیئت نمایندگی خلق کرد این توطئه‌ها را نقش بر آب خواهد ساخت. ما اعلام می‌کنیم هرگاه هیئت ویژه کردستان خواستار حل و فصل واقعی مسئله است باید با هیئت نمایندگی خلق کرد به مذاکره بنشیند. این برخلاف کرد است که نمایندگان واقعی خود را تعیین نماید. هیچکس حق

آنها در روزهای اخیر با توهین به رهبران ملی و مذهبی و نیروهای سیاسی کردستان کوشیدند به امیال پلید امپریالیسم حامی عمل بیوشانند. از جانب دیگر عدم صراحت شورای انقلاب و مبهم گوئی‌های آن و اعلامیه‌های کدائی سران مرتجع ارتش و گفتار توطئه‌گرانه پازه‌ای از اعضای هیئت ویژه کردستان، نظیر سخنان اخیر هاشم صباغیان عضو هیئت ویژه کردستان که در رادیو مهاباد اعلام نمود هیئت ویژه فقط با مردم کردستان مذاکره می‌کند نه با نیروهای سیاسی، به فضای مذاکره لطمه می‌زند. این سخنان آشکارا نادیده گرفتن تمام واقعیات موجود در کردستان و بزرگترین اهانت به مبارزه خلقی است که یکپارچه از نیروهای سیاسی خودپشتیبانی

## طرح مشترک صلیت نمایندگی خلق کرد

خلقهای مبارز ایران، خلق مبارز کرد. در این شرایط حساس تاریخی که مردم کردستان یکپارچه پشتیبانی خود را از مبارزات برحق احزاب و سازمان‌ها و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی مترقی ایران داشته‌اند در حالی که ما همینی در پیام روز ۲۶ آبان‌ماه با تأکید بر ضرورت رفع ستم اقتصادی، فرهنگی، ملی و سیاسی از خلق کرد راه را برای حل مسأله آسیر مشکل کردستان گشودماند، ما شرکت‌کنندگان در جنبش خلق طلبانه خلق کرد یکپارچه خواسته‌های اساسی مردم کردستان را مطرح نمود و آمادگی خود را جهت مذاکره پیرامون خواسته‌های زیر بنای هیئت ویژه دولت اعلام می‌داریم. از عموم مردم مبارز کردستان دعوت می‌شود روز سه شنبه ۴ آذرماه ۵ ساعت بعد از ظهر در سراسر کردستان با شرکت در تظاهرات سراسری پشتیبانی خود را از خواست‌های زیر بنای هیئت نمایندگی خلق کرد که از نمایندگان سازمان‌های سیاسی کردستان به ریاست سید عزالدین حسینی تشکیل شده است اعلام دارند. هم چنین از

سازمان‌ها، احزاب و شخصیت‌های ملی و مذهبی سراسر ایران دعوت می‌نمایم که با همه مکاناتی که در اختیار دارند از خواسته‌های عادلانه مردم کردستان پشتیبانی نمایند. ۱- خودمختاری کردستان به رسمیت شناخته شده و در قانون اساسی درج گردد. ۲- مناطق کردنشین که در بین چهار استان ایلام، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی تقسیم شده است به عنوان یک واحد خودمختار شناخته می‌شود. ۳- مجلس ملی کردستان از طریق انتخابات آزاد، مستقیم و مخفی و همگانی ساکنان کردستان تشکیل می‌شود. این مجلس "حکومت خودمختار کردستان" را برای اداره کلیه امور اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و انتظامی منطقه خودمختار بر خواهد گردید. ۴- زبان کردی، زبان رسمی تدریس و مکاتبه در ادارات و موسسات کردستان شناخته می‌شود. پس از سال چهارم ابتدائی زبان فارسی در کنار زبان کردی در مدارس تدریس می‌شود و زبان رسمی ادارات در سراسر ایران منجمله کردستان

- ۵- اختصاص سهم عمومی بودجه کشور به کردستان به نحوی می‌باشد که عقب ماندگی اقتصادی ناشی از ستم ملی را جبران نماید.
- ۶- نمایندگان خلق کرد در اداره حکومت مرکزی شرکت داده شوند.
- ۷- کلیه امور مربوط به سیاست خارجی، دفاع ملی (ارتش)، سیاست پولی و ارزی، بازرگانی خارجی و برنامه‌های دراز مدت اقتصادی در صلاحیت حکومت مرکزی است و بقیه امور داخلی به وسیله ارگان‌های خودمختار کردستان اداره می‌شود.
- ۸- آزادی‌های دمکراتیک از قبیل آزادی بیان، قلم، مطبوعات اجتماعات و احزاب و آزادی مذهب و عقیده در سراسر ایران تأمین می‌گردد.

سید عزالدین حسینی  
حزب دمکرات کردستان ایران  
سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه‌له)  
سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (شاخه کردستان)

- مذاکرات شرکت نمایند.
- ۱- سید عزالدین حسینی رئیس هیئت نمایندگی خلق کرد
- ۲- حزب دمکرات کردستان ایران، سخنگوی هیئت
- ۳- سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران، عضو هیئت
- ۴- سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران (شاخه کردستان) عضو هیئت

## توافقنامه

در این شرایط حساس تاریخی که مردم کردستان یکپارچه پشتیبانی خود را از مبارزات برحق احزاب و سازمان‌ها و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی مترقی ایران داشته‌اند، و در نتیجه مقاومت قهرمانانه خلق کرد و پیشمرگان کردستان دولت به راه حل مسأله آسیر تمایل نشان می‌دهد، ما احزاب و گروه‌های سیاسی و سید عزالدین حسینی که پرچم مبارزه برای کسب خودمختاری در چارچوب تمامیت ارضی ایران را به اهتزاز در آورده‌ایم، برای حل مشکلات اساسی کردستان و بویژه حصول خودمختاری و شرکت در مذاکره با هیئت ویژه دولت، پیشنهاد می‌شود، هیئتی مرکب از: سید عزالدین حسینی، حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه‌له) سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران (شاخه کردستان) به شرح زیر تشکیل تا به ترتیب زیر در تمام مراحل

که قبلاً توسط سازمان تهیه شده بود انتشار دهیم. تأکید می‌کنیم که سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در مذاکرات جاری صلح تنها از طرح مشترک هیئت نمایندگی خلق کرد دفاع خواهد کرد.

برای آشنائی با نظرات و پیشنهادات سازمان در مورد حل مسئله کردستان لازم دانستیم که علاوه بر طرح صلح مشترک هیئت نمایندگی خلق کرد که به هیئت دولت تسلیم شده است طرحی را هم

# هوجیگری "توده‌ایا" ...

بقیه از صفحه ۴

کرده است ... به همین دلیل هم امپریالیسم با پالیزیبان ها و راه‌دهی‌ها با عده زیادی از عناصر وابسته خودش در کردستان از همان آغاز شروع کرده فعالیت برای آتش افروزی . متاسفانه رهبری انقلاب از همان آغاز نتوانست خلق کرد را با دادن یک سلسله وعده‌های عملی وعده‌هایی که آنها مطمئن شوند به طرف پشتیبانی کامل از انقلاب و هماهنگی با تمام انقلاب بکشد . این باعث شده است که ضد انقلاب در آنجا امکان نفوذ و فعالیت پیدا کند . الان وضع یغرنجی در کردستان پیدا شده ، زیرا دیگر اصلاً قیام ضد انقلاب را به این آسانی نمی توان پیدا کرد که در کجا دارد عمل می کند . معلوم نیست این پاسداری که شب گذشته می شود به دست کی کشته می شود ؟ ساواکی است که او را می کشد یا کرد واقعی متعصب است یا نماینده پالیزیبان و یا اصلاً عامل خارجی است که کار هارا انجام می دهد . معلوم نیست ...

حتما در ستایش از همین دودوزه بازی‌هاست که "توده‌ای‌ها" فریاد می زنند .

"درود بر کمیته مرکزی حزب ما" لیکن از نظر ما ، این ارتجاع محض است . فقط دشمنان خلق کرد می توانند مدعی شوند که چون خلق کرد به خواسته‌هایش نرسیده با ضد انقلاب همکاری می کند . فقط دشمنان خلق کرد می توانند فرزندان دلاور کردستان را عامل امپریالیسم بخوانند .

زحمتکشان کردستان نمی بینید "توده‌ای‌ها" چه می گویند ؟ آنها با صراحت اعلام می دارند که چون خلق کرد به خواسته‌ها و هدف‌هایش نرسیده و اینک از این اهداف دفاع می کند ، در واقع با ضد انقلاب همکاری می کند و ضد انقلابی شده است و مادام که از هدف‌هایش دفاع می کند ، ضد انقلابی است . آنها می گویند خلقی که برای خواسته‌های عادلانه‌اش همراه با پیشاهنگان انقلابی‌اش در برابر تجاوز و قتل عام و اعدام‌های وحشیانه به مقاومت پرداخته است ، ضد انقلابی است . این است معنی مارکسیسم - "لنینیسم" "توده‌ای‌ها" این سیاست به معنی واقعی کلمه یک سیاست ضد کمونیستی است .

دبیرکل حزب توده در جای دیگری از همین مصاحبه و پس از آن که مقاومت خلق کرد را به ساواک و عوام پالیزیبان نسبت می دهد به شیوه‌ای پلیدی و توطئه گرانه اعلام می دارد که :

"هم اکنون در کردستان اتحاد سه گانه کمیته کشاورزان ، حزب دموکرات و چریک‌های فدائی خلق علیه دولت

" بسیاری از ناظران بر حوادث در این نظر متفق القولند که مسئله کردستان به مراتب عمیق تر از آن است که بتوان علت آن را تنها با تاثیر تحریکات ضد انقلاب توضیح داد . شک نیست که آن خط مشی که کار کردستان را به مقابله سیاسی و نظامی کشانید ، یک خط مشی ضد انقلابی بود و طراحان این خط مشی ، امپریالیسم و به ویژه امپریالیسم امریکایی و صهیونیسم و بقایای رژیم منقر پهلوی بوده هستند

باید از "توده‌ای‌ها" پرسید که بالاخره این "امپریالیسم" "صهیونیسم" و "عوامل رژیم سابق" کجا بودند و کجا هستند و چگونه این جنگ را به خلق کرد تحمیل کردند ؟ ما مطمئن هستیم که "توده‌ای‌ها" هرگز جرات نخواهند کرد به این سوال صریحا پاسخ دهند .

اما هر کس متن بالا را به دقت بخواند ، با همه مبهم گویی و شیوه‌های موزیانه‌ای که نویسنده به خدمت گرفته ، متوجه می شود که "توده‌ای‌ها" نیروهای را که در کردستان در برابر تجاوز سرکوبگران یعنی در برابر باند مرتجع وابسته به امپریالیسم به مقاومت برخاسته اند ، عامل "امپریالیسم" "صهیونیسم" و "بقایای رژیم قبلی" معرفی کرده اند . سازلاتانیسم ، عوام فریبی و مبهم گویی که هر سیاست بیاز بی مقدار بورژوازی از عهده آن بر می آید . سراسر نوشته‌های "توده‌ای‌ها" را در بر گرفته است . فقط آنها بی کینه می خواهند منافع توده‌ها را قربانی کنند ، ناچارند توده‌ها را فریب دهند و آنها که ناچارند توده‌ها را فریب دهند ، هرگز نمی توانند بازبان صراحت و صداقت سخن گویند .

مارکسیسم - لنینیسم مکتب صداقت ، صراحت و ایمان به قدرت توده‌هاست . از این رو است که کمونیست‌ها برخلاف اپورتونیست‌های عوام فریب هرگز توده‌ها را فریب نمی دهند

"توده‌ای‌ها" این جنبش حماسه آفرین مقاومت را محکوم می کنند و حیل‌گرانه علیه خلق کرد و سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران به منبر می روند و رهبران در موعظه ۱۶ مهر خود چنین می گویند .

"اگر فدائیان در کردستان حضور ندارند ، چرا تکذیب نمی کنند؟"

والبته سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران بنا به وظیفه انقلابی خود که بارها بر آن پافشارده است ، اعلام می دارد که فدائیان بخشی از نیروهای جنبش مقاومت خلق کرد بوده و هم‌دوش خلق قهرمان کرد تا آخرین قطره خون خود را در کنار خلق خواهند ماند .

در شرایطی که جنبش مقاومت خلق کرد در برابر یورش سرکوبگران قهرمانانه ایستادگی می کرد ، ببینید کیانوری رهبر "توده‌ای‌ها" درباره این مقاومت قهرمانانه چگونه قضاوت می کند .

"ما خوب می دانیم که ضد انقلاب در کردستان بخصوص نقش فوق العاده موثری بازی کرده و از استادهام نیروی خود را در آنجا متمرکز

جنگ می کنند . دبیرکل "حزب توده" به خیال خودش فدائیان را متهم به شرکت در جنبش مقاومت خلق کرد می کند . غافل از آن که فدائیان دفاع از منافع خلق کرد را افتخار خود می دانند و آن را به صراحت اعلام می کنند .

کیانوری پس از اینکه پیروز مندان (به خیال خودش) بر نقطه ضعف مانگشت گذاشته و ذهن رژیم را متوجه آن ساخته و در عین حال وفاداری خود را نیز به رژیم نشان می دهد ، در پاسخ به این سوال که شما چه مدرکی در مورد دخالت فدائیان در کردستان دارید ؟ چنین پاسخی دهد . "مدرکی نداریم ، ولی اولاً اعلامیه دولت است ، ثانیا اعلامیه خود چریک‌ها ، اینها برای ما مدرک است . اگر آنها تکذیب کنند ، مسئله طور دیگری خواهد بود ."

خبرنگار می پرسد . "من اعلامیه‌ای از طرف دولت ندیده‌ام"

دبیرکل حزب توده در پاسخ چنین می گوید .

"ما خیال می کنیم که در خود کردستان اعلامیه‌ای منتشر شده است . به عنوان جبهه‌ای که در آنجا تشکیل شده سازمان اتحادیه کشاورزان ، که گروه معینی است و سازمان چریک‌های فدائی خلق و حزب دمکرات کردستان در آنجا اعلامیه‌های زیادی منتشر شده و ما معتقد هستیم که دولت این را مسلم می داند که این جور هست . اگر سازمان چریک‌های فدائی خلق رسماً تکذیب کند ، اصلاً مسئله دیگر پیش نمی آید . آنوقت جداً ما

در یک وضع تازه‌ای قرار خواهیم گرفت . ولی ما تکذیبی ندیده‌ایم . در تمام روزنامه "کار" هم ما هیچ تکذیبی ندیده‌ایم که سازمان چریک‌های فدائی خلق در حوادث کردستان دخالت ندارد . چون این همه اتهام (تاکیدار ما است) زده می شود که به نام افراد وابسته به سازمان کسانی را به اعدام محکوم می کردند ، لازم بود که سازمان چریک‌های فدائی خلق حتماً تکذیب می کرد که سازمان مانع است . افرادی ممکن است انجام یا شد ولی سازمان ما نیست و ما در این جریان شرکت نکرده‌ایم ، آنوقت مسئله طور دیگری می شود ."

"توده‌ای‌ها" ، مگر شما نمی گوئید دیگر خیانت را کنار گذاشته‌اید ؟

پس در برابر این دشمنی آشکارا جنبش خلق کرد و این کینه توزی‌ها علیه کمونیست‌های ایران ، در برابر این سیاست‌های ضد توده‌ای چه می گوئید ؟ کسی که جانب سرکوبگران خلق کرد را می گیرد و علناً با خلق کرد و هر نیروی مدافع آن به دشمنی برمی خیزد چه نام دارد ؟

ما تردید نداریم که مردم آگاه ایران ، به ویژه خلق قهرمان کرد که تنها هرگز فریب ادعاهای شمارا نمی خورند ، بلکه به وضوح می بینند که "توده‌ای‌ها" به کشف شیوه‌های نوینی در سازلاتانیسم و خوروفروشی سیاسی نایل آمده‌اند .

عناوین به وحشیانه‌ترین شیوه‌های ممکن مورد استعمار قرار گرفته و شدیدترین سرکوب‌ها را متحمل شده‌اند اکنون به خوبی دریافته‌اند که باید خود حاکم بر سر نوشت خویش باشند و حقوق از دست زفته خود را با مبارزه‌ای تپه‌ای جان از دست غاصبین خارج سازند

تحقق این امر تنها از طریق شوراها و دهقانی‌ها که نمایندگان منتخب زحمتکشان روستا هستند امکان پذیر است .

ما زمین را از آن کسانی می دانیم که روی آن کار می کنند و معتقدیم که روستائیان ما با تشکیل شوراها و واقعی خود می توانند تمامی زمین‌های زمینداران بزرگ و متجاوزین را مصادره نموده و از طریق حاکمیت شوراها تولید و توزیع را تحت کنترل خویش در آورند .

نطفه‌های اینگونه شوراها هم اکنون در گنبد در حال تکوین و تکامل است و در کردستان نیز تا حدودی شکل گرفته بود اما وحشت زمین‌داران بزرگ و ارتجاع حامی آنان از رشد و گسترش آن مخالفت به عمل آورد و جنگی ناخواسته را بر دهقانان و توده‌های زحمتکش کرد تحمیل کرد .

دهقانان ، تنها از طریق متشکل شدن در شوراها و با اتحاد و تحت رهبری طبقه کارگر قادر خواهند بود حاکمیت خویش را تحقق بخشند و از وضع نابسامان فعلی رهایی یابند .

این مقاله قبل از تغییر روزی کشاورزی تهیه شده بود ، از آنجا که حاوی مطالب مهمی بود و رئیس آن هنوز مورد قبول حاکمیت است ، اقدام به چاپ آن کردیم .

این چیزی است که امام می گوید در قانون مالکیت ، موقعی که شورای انقلاب گفت باید تبصره بگذاریم تا حدود مالکیت مشخص شود اما امام قلم کشید و روش گفت در اسلام مالکیت حدودی ندارد . تا زمانی که فرد زحمت می کشد و به کسی ضرر نمی رساند و تا زمانی که از طریق مشروع سرمایه دارد ، مال خودش است . ما باید ابتدا تفاوتی بین انقلاب کمونیستی و انقلاب اسلامی قائل شویم و تفاوتی بین سیستم اقتصادی اسلام که مالکیت شخصی را محترم می شمرد و سوسیالیسم که مالکیت اجتماع را محترم می داند . . . .

آقای وزیر کشاورزی مالکیت را متعلق به اعیان کننده زمین می داند یعنی کسی که سرمایه دارد و می تواند با کار گرفته زمین زحمتکشان بر روی آن حاصل دسترنج توده‌های زحمتکش را غارت نماید . این امر زمین‌داران هر روز تر و تند تر و توده‌های زحمتکش را هر چه بیشتر فقیر خواهد نمود و همین‌جا است که محدودیت مالکیت قلم بطلان می خورد و به مبارزه دهقان برجست ضد انقلاب زده می شود . اما کشاورزان ما که سال‌ها تحت همین

## جمهوری اسلامی و مسئله دهقانان

ارضی امپریالیستی از دیدگاه ایشان تمامی دهقانان را صاحب زمین کرد و گویا به عنوان یک حرکت مترقی جهت تامین منافع دهقانان به اجراء آمد . اما مقایسه تشابه فکر عاملین اجرای اصلاحات ارضی و ایشان را به عهده خواننده می گذاریم . تنها به این نکته باید اشاره شود که اصلاحات ارضی مورد تأیید آقای وزیر یک حیل‌گرانه امپریالیسم برای تامین هر چه بیشتر منافع خود از طریق ایجاد نیروی کار لازم جهت این صنایع و توسعه بازار فروش کالاهای امپریالیستی بود .

اما علیرغم اصلاحات با محتوای ذکر شده مادر مناطقی نظیر کردستان شاهد وجود خان‌ها و مالکین بزرگ می باشیم و مبارزات قهرمانانه دهقانان جهت احقاق حقوق از دست رفته خود با فائتوم‌های جمهوری اسلامی پاسخ داده می شود . اما مسئله اساسی در مصاحبه وزیر کشاورزی مالکیت نامحدود مالکین است . به این بخش از مصاحبه توجه کنیم : " ما می گوئیم مالکیت از آن کسی است که زمین را احیاء کرده ،

را توطئه مشترک فئودال‌های منطقه و آقای جمران اعلام نمود . اما نکته دیگر مصاحبه ، پاسخ وزیر کشاورزی به سوال خبرنگار در مورد وضع فئودالیت در ایران است . " من فکر نمی کنم هیچوقت یک چنین چیزی در ایران بوده باشد که بخواهد الان وجود داشته باشد . آن صاحب زمین و فئودال وقتی زمین‌اش را می فروخته سروهایش " راه می فروخته بنا بر این با این توصیف فئودالیت در ایران معنی ندارد ."

و سپس ادامه می دهد : " بعد از اصلاحات ارضی که مراحل عدیده داشت مرحله اول آن این بود که تمام کسانی که بیش از یک ده داشتند فقط یک دهه برایشان باقی می ماند و تمام مازاد را دولت خرید و قسمت کرد میان دهقانان " به نظر آقای وزیر صرفاً وجود "سرف" و خرید و فروش انسان‌ها با زمین معیار استثمار دهقانان است و چون مالک زمین دهقان را بر روی زمین نگه نمی دارد بلکه او را به راحتی از زمین بیرون می اندازد و تمام هستی او و خانواده‌اش را به غارت می برد پس فئودالیت در ایران وجود ندارد . بخصوص که اصلاحات

در مصاحبه وزیر کشاورزی با رسانه‌های گروهی که در تاریخ پنجشنبه ۱۹ مهرماه در روزنامه جمهوری اسلامی به چاپ رسید سیاست‌های کشاورزی در سبب تشریح شد .

در ابتدای مصاحبه وزیر کشاورزی اعلام می دارد :

"با گذراندن قانون رفع تصرف عدوانی معروف به قانون هیئت ۵ نفری و بعد از آن صدور اعلامیه‌ها دستور العمل‌های لازم به ادارات کشاورزی کشور ، تا اندازه‌ای تا مین شد و از بی نظمی‌ها و تصرفات عدوانی اشخاص طماع و متجاسوز هنوز هم جلوگیری می کند ."

ببینیم از نظر آقای وزیر کشاورزی چه کسانی متجاوز و طماع هستند و دولت از تصرف زمین‌های چه افرادی مخالفت به عمل می آورد . برای روشن شدن این مسئله کافی است به سیاست چند ماهه دولت در مورد دهقانان نظری بیافکنیم .

به زعم آقای وزیر کشاورزی متجاوز و طماع کشاورزان هستند که سال‌ها مورد استعمار و ستم وحشیانه زمین‌داران بزرگ و خان‌ها بوده‌اند و اکنون خواهان حاکمیت بر زمین‌های خویشند . اما این خواست سطحی آنان با گلوله پاسخ داده می شود کافی است جنگ اردیبهشت ما گذشته گنبد و جنگ کردستان را بررسی کنیم . این مسئله آنقدر عیان بود که حتی آقای بهادران فرستاده امام نیز ، ریشه‌های جنگ

# نظری بر صف آرایی های درون حاکمیت

آنچه که در زیر می خوانید قسمتی از یک گزارش سیاسی است. از آنجاکه مطالعه این گزارش به خوانندگان مایاری می رسد که پدیده های سیاسی امروز مین ما را درست تر درک کنند، مبادرت به درج آن نمودیم.

گروه های جدیدی را به عضویت پذیرفت. باند امریکائی به زعامت چمران و شرکا، محور سیاست خویش را سرکوب جنبش توده ای و احیای وابستگی قراردادند. در جریان پیشرفت این سیاست بود که مهره های رژیم منفور شاه، و سرسپردگان به امپریالیسم امریکا

در حاکمیت سیاسی خرد بورژوازی سنتی، بورژوازی لیبرال و نمایندگان سیاسی بورژوازی انحصاری وابسته هر یک سهمی از قدرت را در اختیار گرفته و با سیاست خاص خویش هدف های خود را دنبال می کردند. در حالی که لیبرال ها آشکارا پدیده های قشری روحانیت به مخالفت می پردازند، نمایندگان سیاست انحصارات وابسته ماهرانه آن را به خدمت خویش می گرفتند. باند امریکائی که مجسری سیاست های امپریالیسم امریکا است کوشش می کرد بدون مخالفت آشکاره تمام ارکان سیاسی خرد بورژوازی سنتی را علیه مسیر واقعی انقلاب و علیه توده ها و انقلابیون به کارگیری و مسیر رشد

**\* نمایندگان سیاسی انحصارات وابسته می کوشد پدیده های قشری روحانیت را ماهرانه به خدمت بگیرد، از گرایش ارتجاعی و ضد کمونیستی آنها استفاده کند و از این طریق سیاست های خود را جهت تحکیم سلطه امپریالیسم پیش ببرد.**

یکی پس از دیگری به پست های فرماندهی ارتش گمارده شدند. تیسار شاکر که دستش تا آرنج به خون شهدای انقلاب آلوده است و در زندان در انتظار اعدام بود آزاد شده و پست ریاست ستاد ارتش جمهوری اسلامی را تصاحب کرد. علی اردلان وزیر اقتصاد شد. یزدی از معاونت امور انقلاب به وزارت خارجه رسید. مولوی پست ریاست بانک مرکزی را اشغال کرد. چمران به وزارت دفاع منصوب گردید. برای این باند، " پاسداران " ناگاه وسیله ای بودند جهت کسب حیثیت برای ارتش ضد خلقی و بازسازی و تحکیم آن.

این گروه که در پشت سر خویش تمام سرمایه داران بزرگ و زمین داران بزرگ و تمام طرفداران شاه و بختیار را داشت، کوشید از ماهیت دوگانه خرد بورژوازی، از هر اسر و روحانیت

آتی جامعه ایران را در جهت تثبیت وابستگی به حرکت در آورد. از این نظر ماهرانه از گرایش ارتجاعی و ضد کمونیستی قشریون استفاده می کرد و بر چنین بستری سیاست های خود را پیش می راند. این کوشش هنوز هم ادامه دارد. لیبرال ها برای اینکه بتوانند خود را به سوی قدرت یکشاننداز یک سویا بهره گیری از خواست های دمکراتیک توده ها سعی دارند خود را آزاد بخواه جابزنند و از سوی دیگر کوشش می کنند ارکان های اعمال قدرت خرد بورژوازی نظیر دادگاه های انقلاب، کمیته ها سپاه پاسداران و غیره را تسخیر کنند یا از میان بردارند.

بازرگان زمانی که نتوانست جلوی دولتی شدن بانکها را بگیرد، کوشش می کرد سرمایه آنها را باز خرید کند. وقتی لغو قرارداد های دوجانبه، به ویژه قراردادهای نظامی امپریالیست ها و به ویژه با امپریالیسم امریکا مطرح می شد، امپراتور و یزدی و بازرگان از طرح آن به عنوان مختلف طفره می رفتند. مشری مایل بود دادگاه های انقلاب لغو شود و دادگستری دومرتبه برپا شود. دولت و " نریه " مایل بودند اهرم نفت را در اختیار خویش بگیرند، لیبرال ها مایل نبودند حداقل حقوق کارگران را بالا ببرند ولی به این کار مجبور شدند. مولوی و علی اردلان کوشش داشتند به سرمایه داران وابسته اطمینان های لازم را بدهند.

در حالی که جناحی از لیبرالها به ویژه نهضت آزادی کوشش می کنند از درون حاکمیت در برابر روحانیت وابسته خرد بورژوازی ایستادگی نماید. جناح مذهبی به رهبری شریعتمداری و حزب جمهوری خلق مسلمان کوشش دارد بانکچه بر ناگاه های توده های تحت ستم آذربایجان و اتحاد پسز لیبرالی و آزادی خواهی در مورد کردستان و دست زدن به اعتصابات عمومی به شانتهای متوسل شود و دولت را از بیرون تسخیر کند. جناح غیر مذهبی لیبرال های سرکردگی جنبه ملی دست به تجدید سازمان زدو



در مقابل ایده های فوق سید احمد خمینی بعد از این که اندرز می دهد " خلاصه برادران زیر بار رئیس جمهوری نروید و بیایید مملکت را بگوئیم شوراباید اداره کند. " ولایت فقیه را که معتقد است " از اصول مسلمة اسلامی است " اینطور توصیف می کند که.

" نه تنها پاد مکراسی سازگار است، که ما را از بیوغ امریکا و روسای جمهوری و وزیران و نخست وزیران امریکائی (که در آینده می آیند) - در طول تاریخمان اینطوری خواهد شد! - اینها نجات می دهد ولی اگر رئیس جمهوری و نخست وزیر امریکائی نباشد، رئیس جمهوری و نخست وزیر نمی شود! (انقلاب اسلامی ۲۴ مه - مصاحب) زمانی که بنی صدر اعلام می کند ولایت فقیه با استبداد فقها فرق دارد (با مداد ۲۲ مهر) زمانی که بهشتی گرداننده خیمه شب بازی مجلس خبرگان اعلام می کند که حضرت خدیجه نیز سرمایه دار بود سرمایه دارانی نیز هستند که طرفدار انقلاب اسلامی هستند (روزنامه دنیا ۲۳ آبان) گویای این واقعیت است که سخنگویان اقشار و طبقات گوناگون هر یک می کوشند حکومت اسلامی را به خدمت خود در آورند و محتوای آن را بر طبق منافع طبقاتی خود بازسازی نمایند. تحولات اخیر را اگر " سجده

صدر اسلام را در مدنظر دارد، جای خاصی یافته است. نظریه ولایت فقیه که در سال های اخیر توسط آیت الله خمینی بازسازی و تدوین شده است در اصل معتقد است. " حکومت در اسلام به مفهوم تبعیت از قانون است... یگانگی قانونی که برای مردم متبوع و لازم الاجراست همان قانون خدا است... در این صورت حکام حقیقی همان فقها هستند پس حاکمیت باید در سایه فقها تعلق بگیرد (نقل از کتاب ولایت فقیه یا حکومت اسلامی اثر امام خمینی صفحات ۶ و ۵۵) اما از آنجاکه این روبنا هم با مناسبات تولید موجود و هم با منافع واقعی خرد بورژوازی عمیقاً در تضاد است این ایده می شکند و باید بشکند و از نظر مضمون طبقاتی و تاریخی بازسازی شود. بدون این بازسازی و بدون انطباق این ایده با واقعیت، آیت الله خمینی به هیچ وجه قادر به حفظ حمایت توده های خرد بورژوازی نخواهد بود. این پروسه از هم اکنون آغاز شده است. دیگر جریان های طبقاتی هم که فرهنگ اسلامی را به خدمت اهداف

جناح امام حرکت هایی را در زمینه های یاد شده از چند وقت پیش آغاز کرد. او مجبور بود به مقابله لیبرال ها با خود که دیگر در سطح جامعه آشکارا انعکاس یافته بود، سرو سامان دهد. بنا لیبرال های مذهبی نیز که در خارج از دایره قدرت بودند در اشکال راهپیمائی " بیعت با امام " و افشای آن ها در مساجد و مناظر مقابله شد. و آن دسته از لیبرال هایی که در دایره روحانیت و مذهبیون نبودند با برجسب " غرب زدگان " به انزوا کشیده شدند.

تعدادی از لیبرال هایی که در قدرت بودند، برکنار شدند و مسئولیت های آنها باز پس گرفته شد. مهره های امریکائی نظیر یزدی، مولوی، اردلان و... از مقام های رسمی خود معزول شدند. بازرگان از وزارت برکنار شد و پست کم اهمیت تری را اشغال نمود. کسانی مانند صدر حاج سید جوادی مختار شدند که بر حسب اعتقادات خود، خارج از دایره قدرت، به نبرد خود ادامه دهند با این همه نبرد همچنان ادامه دارد. دکتر بهشتی دبیر شورای انقلاب است و بازرگان هنوز صاحب نفوذ بوده و چشم به راه تسخیر پست ریاست جمهوری است. در دولت و شورای انقلاب لیبرال ها موقعیت چشمگیری دارند.

سیاست های امپریالیستی هنوز هم در سفارت خانه ها و وزارت دفاع و ارتش و رادیو - تلویزیون کم و بیش حاکم است. وجه غالب روحانیت که به خرد بورژوازی متکی است، مجبور است تضادهای بین آرمان های کهن خود و منافع واقعی خرد بورژوازی را حل کند. در میان آرمان خواهی و سپس گرایانگی روحانیت، ولایت فقیه یا " حکومت اسلامی " که همان الگوهای خلافت

طبقاتی خود گرفته اند می کوشند تا در این ایده روح و مضمون طبقاتی خاص خود را بدوند و آن را در جهت مصالح و دیدگاه های خود تفسیر کنند. وقتی آیت اله شریعتمداری در دفاع از حاکمیت بورژوازی بر مفهوم ملت تاکید می کند و می گوید " من با ولایت فقیه به هیچ وجه مخالف نیستم "، " من با آن ولایت فقیه که به معنای حاکمیت ملی وفق دارد و آن را تأیید می کند موافقم "، " ولایت فقیه به معنای حکومت روحانیون نیست. " (اطلاعات ۲۲ آبان ۵۸ مصاحبه) با وقتی بازرگان این نماینده مجسم بورژوازی و این همسدل و همفکر آیت الله شریعتمداری در آخرین پیامش چند سطر بالاتر از آنجا که می گوید " کارگران عزیز و کشاورزان به فکر بالا بردن دستمزد و تخمیل دستمزد نباشند " از نمایندگان مجلس خبرگان استدعا می کند

" در بعضی لواج تغییراتی بدهند که حاکمیت ملت باشد... و انحصاری نباشد (یعنی در انحصار روحانیت نباشد) که بعد از در دستر می افتمیم " (کیهان ۱۷ آبان) یا وقتی مجاهدین خلق به علت ماهیت ترقی خواه خود در مقابل تمام این تفسیرهای مرتجعانه و بورژوازی از ولایت امر و نظریه خلافت بر حاکمیت مردم تاکید می کنند و در تلگراف خود به مجلس خبرگان خواستار " تصریح حاکمیت مردم که جعلگی خلیفه و جانشین خدایند می شوند. وقت

**\* زمانی که بهشتی گرداننده خیمه شب بازی مجلس خبرگان اعلام می کند که حضرت خدیجه نیز سرمایه دار بود و سرمایه دارانی نیز هستند که طرفدار انقلاب اسلامی هستند، گویای این واقعیت است که سخنگویان اقشار و طبقات گوناگون هر یک می کوشند حکومت اسلامی را به خدمت خود در آورند و محتوای آن را بر طبق منافع طبقاتی خود بازسازی نمایند.**

اتو نیسم ما قبل سرمایه داری خرد بورژوازی در محراب واقعیت های کنونی جامعه ندانیم، پس چه باید بدانیم؟ بر اساس زمینه ترسیم شده فوق بود که مانور جدید امریکا در بازگرداندن شاه و مذاکره لیبرال ها و باند امریکائی یعنی چمران، یزدی و برزیسکی مشاور مخصوص کارتر و مطرح سیاست های امپریالیسم امریکا به بحران سیاسی موجود در جامعه دامن زد و به جناح امام امکان داد که مواضع خود را تحکیم بخشد و با تسخیر سفارت امریکا یاردیگر چهره نماید. تسخیر سفارت امریکا بر زمینه بحران اقتصادی که در تمامی جنبه های زندگی اجتماعی توده ها انعکاس آشکار پیدا کرده بود، همچون جرقه ای انقلاب در حال تعمیق را گامی دیگر به پیش راند و امواج مخالفت با امپریالیسم امریکا سراسر ایران را به لرزه در آورد. اکنون جو عمومی کشور تغییر کرده است و توده های انقلابی با احساس نزدیکی عمیق تر با جناح امام، در سد باز دارند و به سیاسی جامعه، شکافی به شیوه خویش باز کرده اند، تحولات جدید جامعه و مبارزه علیه امپریالیسم امریکا، سبب تحولاتی در روابط ایران با کشورهای امپریالیست دیگر، با کشورهای اردوگاه سوسیالیسم و نیروهای ارتجاعی و مترقی منطقه خواهد شد که مستقیماً بر تحولات داخلی جامعه تأثیر می گذارد. " ادامه دارد

# سرکوبگران خلق کرد، دشمن همه خلقهای ایران هستند

# سرپرست رادیو تلویزیون می خواهد خود را انقلابی جا بزند

خود را یک پای اصلی مبارزات توده ها معرفی کند ، خود را ضد امپریالیست جا بزند و از دیگر شرکایش جلو بیفتد ، البته او در این میان زیرکانه تر از دیگر یارانش عمل کرده است و شاید سر مست از " موفقیّت " خود به آنها پوزخند هم بزند ، چنانچه دست یزدی کا ملاروشده و ناسبات " حسنه اش " با آمریکا دیگر برای کسی پوشیده نمانده است . او فعلا کنار گذاشته شد و مادام که بارنگ و ریواوشمایل تازه ای بر صحنه ظاهر نشده است فرصت این را دارد که نرسد قطب زاده درس عوام فریبی بسیند و " رمز موفقیّت " را با ما بوزد . چمران و مدنی نیز هر چند " زرنگی های " دیگری از خود نشان داده اند ، اما با همه این زرنگی ها نتوانستند نقش خود را در آتش افروزی جنگ خونین کردستان و خوزستان برده پوشی کنند . اما مردم آگاه ایران دیگر اجازه نخواهند داد بقیه در صفحه ۱۰

سرپرست رادیو تلویزیون اسلامی که از ابتدای ورود به ایران ماهیت ضد مردمی خود را آشکار ساخته و از آن پس نیز ثابت کرده که رادیو تلویزیون را جز در راه خدمت به امپریالیسم و تبلیغ برای دیگر مزدوران امریکائی به کار نکرده است . حال که با روحیه ستیزه جو پانده و ضد امپریالیستی مردم روئو شده است برای اینکه از قافله عقب نماند و بر عکس دیگر شرکایش یعنی یزدی و چمران و غیره که تا حدودی موقعیت شان را از دست داده اند خود را تثبیت کرده باشد ، حیلش هسا و عوام فریبی های تازه ای را آغاز کرده است . او که تا دیروز در همه سخنرانی ها و پیام های کذافی اش از رادیو تلویزیون آشکارا ضدیت خود را از مبارزات مردم نشان داده و بارها از قیام مسلحانه و شکوهمند بهمن ماه انتقاد می کرد حالا متناسب با جو موجود رنگ عوض کرده است و می خواهد با به راه انداختن هوو و حمال

# به دعوت دانشجویان پیشگام و در ادامه یک گروه همائی در دانشکده پلی تکنیک ده ها هزار نفر در راهپیمائی ضد امپریالیستی شرکت کردند



... انقلابیون و میهن پرستان نباید اجازه دهند که از جنبش ضد امپریالیستی و اعتقادات پاک مذهبی توده ها برای به تنصیب رساندن قانون اساسی به غایت ارتجاعی مجلس خبرگان استفاده شود .  
توجه داشته باشیم به همان اندازه که تحریف واقعیت و لا پوشانی کردن نقش فترت یون در سرکوب خلق کرده و همچنین در تحدید آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک و پنهان کردن ماهیت به غایت ارتجاعی قانون اساسی تدوین شده توسط مجلس خبرگان می تواند به جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران آسیب رساند و آن را در برابر دشمنانش یعنی امپریالیسم و ارتجاع تضعیف کند و نیروهای سازشکار و پامرتج را بر آن کاملاً مسلط گرداند ، به همان اندازه نیز تحریف واقعیت و پوشانیدن و پناهندیدن سمت و جهت حرکات اخیر و نفی کودکانه آنها می تواند به جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران آسیب رساند و وظیفه نیروها آگاه است که در عرصه بیکار عقیدتی ، فاطمانه با هر دوی این گرایشات مبارزه کنند .  
مانتحمل جنگ به خلق که در اشدیدا محکوم می کنیم .  
باقیه در صفحه ۱۳

بسرکردگی امپریالیسم امریکا بر بستر مبارزه طبقاتی ای که متوجه نابودی سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است جریان می یابد .  
در قسمتهائی از این پیام آمده است .  
تسخیر مرکز جاسوسی امریکا امواج مبارزات ضد امپریالیستی علیه امپریالیسم امریکا ، این دشمن اصلی خلق های مارا را زده است .  
تسخیر و تعمیق این مبارزات ، شرکت فعال و انقلابی در آن از وظایف مبرم همه کسانی است که در راه استقلال ، کنار مسکن ، آزادی ، مصمم اند مبارزه بیکر و بی امان را بر علیه دشمنان کارگران و زحمتکشان و تمامی خلق های ستمدیده و قهرمان ایران به پیش رانند .  
تسخیر سفارت امریکا و مبارزه برای استرداد شاه باید تا لغو کلیه قراردادها و قطع وابستگی اسارت بار اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و فرهنگی به امپریالیسم امریکایه پیش رانده شود .  
در رد این پیام در رابطه با شیوه جدید بوم گیری نیروهای آگاه و انقلابی در مقابل حرکت افتاز و طبقات مختلف در جریان مبارزه ضد امپریالیستی و همچنین در مورد صلح دمکراتیک در کردستان چینی آمده است .

به منظور شرکت فعال در مبارزات ضد امپریالیستی توده های مردم و تعمیق آن و در رابطه با تسخیر سفارت امریکا در تهران در روز جمعه ۲۵ آبان یک گروه همائی و راهپیمائی به دعوت دانشجویان پیشگام صورت گرفت .  
ده ها هزار نفر ابتدا در زمین حرم دانشکده پلی تکنیک و محوطه اطراف آن گرد آمده ، شعار می دادند و نمازش ، تسلیم ، نرسد یا امریکا ، مرگ بر امریکنا ، " تنهاره رهائی ، اخراج امریکائی " ،  
...  
مستبک با قرائت پیام دانشجویان پیشگام آغاز شد .  
در این پیام با تاکید بر او حکمیری مبارزات ضد امپریالیستی توده های زحمتکش ایران به مصداق شعار انقلابی " بعد از شاه نویست امریکاست " تلاش های سازشکاران لیبرال و مرتجعین برای به انحراف کشاندن و در انحصار گرفتن این مبارزات به منظور محدود کردن آن به مبارزه برای باز پس گرفتن شاه مخلوع محکوم گردید .  
در قسمت دیگری از این گروه همائی پیام سازمان چریک های فدائی خلق ایران قرائت شد .  
در این پیام ضمن اشاره به عظمت روحیه ضد امپریالیستی خلق های ایران ، بر این نکته تاکید شده است که مبارزه با امپریالیسم جهانی

## از انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

**کار**

ویژه تسخیر سفارت امریکا

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کارگران و زحمتکشان  
دانشجویان و جوانان پیشگام  
روشنفکران و روشنفکران  
متحد شوید

مرکز بر امپریالیسم امریکا  
دشمن اصلی خلق ما

لازم به تذکر است که ۱۵۰۰۰ نسخه از این جزوه توسط ما موران کمیته مرکزی انقلاب اسلامی به ریاست آقای کنسی که گویا ایشان هم به نازکی مدعی ضد امپریالیست بودن ، شده اند ، توقیف شد .

## توضیح درباره کمکهای مالی

سازمان چریک های فدائی خلق ایران همواره تنها به حمایت مردم فخرمان ایران تکیه داشته و امروز هم مانند همیشه منکس بر پشتیبانی هواداران است .  
کمک های مالی خود را از هر طریق که می شناسد و اطمینان دارید به دست رفقای سازمان برسانید . از آنجا که نمونه هائی دیده شده است که عده ای با مقاصد مختلف با استفاده از نام سازمان جمع آوری کمک های مالی مبادرت کرده اند ، به دوستان و رفقا توصیه می کنیم برای اطمینان از دریافت کمک ها شان توسط سازمان به رابط دریافت کننده پول یک عدد کاملاً دلخواه هم که حتما خود شما انتخاب کرده اید به عنوان " کد " بدهید .  
سازمان کد مورد انتخاب شما را با رقم ملغی ( به ریال ) که بسته سازمان پرداخت خواهد جمع کرده و مجموع آن را در نشریه کار به چاپ می رساند . شما با مشاهده این عدد و تأیید صحت آن می توانید از دریافت مبلغ توسط سازمان اطمینان یابید . به عنوان مثال هرگاه شما ۵۰۰۰ ریال به سازمان پرداخت کرده باشید و ۸۴۹۰ ریال به عنوان " کد " خود انتخاب کرده باشید ، چنانچه در ستون مربوطه عدد ۱۳۴۹۰ ریال مشاهده کردید ، می تواند اطمینان یابید که مبلغ پرداختی شما به سازمان رسیده است . یا مثلاً چنانچه مبلغ پرداختی شما ۱۰۰۰۰ ریال باشد و " کد " مورد انتخاب شما ۲۰۰۲۶ باشد ، اگر عدد ۳۰۰۲۶ ریال در ستون مربوطه مشاهده کردید ، اطمینان حاصل کنید که مبلغ پرداختی شما به دست سازمان رسیده است .

قانونی که قانون بیکار علیه سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته نباشد ،  
قانونی که متضمن تأمین حقوق خلقهای تحت ستم ایران نباشد ، قانونی که سوراخهای واقعی مردمی را به رسمیت نشناسد ، قانونی که حق برابری زنان با مردان را آشکارا پایمال سازد  
قانونی که زمین را از آن کشاورزانی نداند که روی آن کار میکنند ، قانونی که مالکیت سرمایه داران بزرگ را بر وسایل تولید نفی و ملغی اعلام نکند ،  
واژه همه مهمتر قانونی که حق حاکمیت مردم را آشکارا نقض و آن را در انحصار فقها در آورد ، قانونی نیست که بتواند مورد تأیید هیچ یک از سازمانهای سیاسی مترقی قرار گیرد و شایسته حمایت توده های قیام کننده ایران نباشد .

نسخه از قطع نامه راهپیمائی ضد امپریالیستی ۲ آذر ۱۳۵۸

# پیشی نسوری تشکیل حزب طبقه کارگر